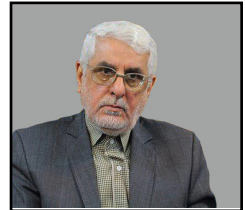




حسن هانی زاده، تحلیلگر روابط بین الملل:
پکن نشان داد شراکت راهبردی با جمهوری اسلامی برایش اهمیت دارد



عبدالرزاق رازی، دیپلمات پیشین:
اجرای شدن توافق ایران و چین بر نامه ریزی غرب را به هم می زند

هفته نامه غیر برخط اراده ملت شماره ۵۸ چهارشنبه ۳ اسفند ۱۴۰۱

جنگ روایت ها در تورم

چتر اخلاق

در چند سرمقاله اخیر نشریه اراده ملت و به دنبال ناامید شدن از ایفای نقش دولت در ایجاد زیرساخت های لازم برای رشد و توسعه متوازن در تعالی شخصی و عمومی مردم و کشور، بر آن شدیم تا روی صحبتمان با مردم باشد و توصیه هایی برای زیستی بهتر و رو به آینده به ایشان داشته باشیم.

در این گفتارها بر روی مباحث آموزش، محیط زیست و تشکیلاتی شدن تأکید کردیم. در این شماره بناداریم به بحث زیست اخلاقی بپردازیم.

۸ مارس روز جهانی زن

۸ مارس روزی است که زنان جهان بدون توجه به گرایشات مختلف فکری، عقیدتی، نژادی، مذهبی و... به یادآوری موفقیت ها و دستاوردهایشان می پردازند. در حقیقت، این روز مجالی است برای نگاه کردن به گذشته در مسیر تلاش ها، منازعه ها و فعالیت های پیشین، و بیشتر برای نگرستن در راستای حرکت های پیش رو برای باز کردن راه در جهت شکوفایی استعدادها و فرصت هایی که در انتظار نسل آینده زنان است

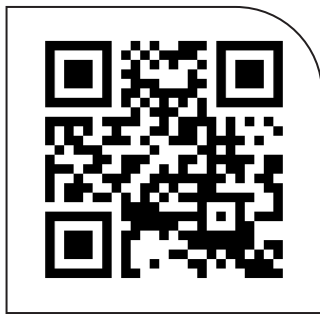
جامعه ایران: جامعه تضادها

در دنیای امروز آنچه باعث ایجاد آرامش و ثبات و تعالی در جامعه می شود، نه تنها یک صدایی و یک نواختی جامعه نیست، بلکه تعامل سلاقی و تبادل آرای مخالف است. آنچه جامعه را از سکون و جمود رهایی می بخشد، همانا تکرر عقاید و تضارب آرا و اندیشه ها است. تلاش برای یک نواخت کردن سلاقی، آرا و نظرات افشار مختلف، تلاشی بیهوده و هزینه زا است. جامعه ایران مدت ها است که نه تنها پویایی خود را از دست داده است، بلکه آرامش نیز ندارد. دلیل این عدم آرامش وجود تضادهای عمیق در لایه های مختلف اجتماع است.

در بسیاری از اوقات نیز این بحث های به ظاهر فنی و تخصصی با گرایشات سیاسی صاحب سخن، خلط می گردد. به طوریکه مدافعان دولت وقت از کاهش تورم و وضعیت خوب اقتصاد در سال بعد می گویند و مخالفان وضع موجود عکس این حرف را می زنند.

در روزهای اخیر نیز این جدل را مجددا شاهد بوده ایم. گویا در این میان قرار است جنگ روایت ها را داشته باشیم و هر گروه توپخانه رسانه ای خویش را بسیج کرده است تا در این جنگ قلمی عقب نماند.

به عادت دیرین و مألوف، وقتی در ماه های پایانی سال هستیم، بحث بودجه، تورم سالانه، میزان حقوق کارگری سال بعد و مسائلی نظری آن در محافل و رسانه ها داغ می شود. هر کسی که در این زمینه مختصر اطلاعات و تجربه ای دارد پا به میدان می گذارد و نظریات خود را ابراز می دارد. خصوصا در مورد پیش بینی تورم در اسفندماه و سال آینده صحبت های زیادی را می شنویم که بسیاری از آنها نیز فنی و تخصصی هستند و توده مردم چندان از آنها سر در نمی آورند.



هفته‌نامه غیر برخط اراده ملت

۳ اسفند ماه سال ۱۴۰۱ / شماره ۵۸



صاحب‌امتیاز:

حزب اراده ملت ایران

مدیرمسئول:

رحیم حمزه

زیر نظر شورای سردبیری

همکاران این شماره:

راضیه گمار / زهره رحیمی / فاطمه امامی

فاطمه قدم / فائزه صدر / مهتاب قصابی

مهشید قاسمی / افشین فرهنگچی / پیام فیض

حامد نامجو / حسن اسدی / حسن غلامی

حمید سپهری / علی رفیعی نیا / علیرضا مالمیر

مرتضی صادقیان / مهدی تروهید

نشانی:

خیابان اسکندری جنوبی، نرسیده به خیابان آزادی، بن

بست خلیلی پلاک ۱ واحد ۱

تلفن:

۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵/۰۲۱۶۶۵۶۲۳۰۶



این هفته نامه

ارگان رسمی حزب اراده ملت است

به جای مقدمه: توقیف روزنامه سازندگی و باقی قضا یا
کلام مدیر مسوول: بزنگاه تاریخی و دوری از کلیشه‌های رایج
سخن سردبیری: جنگ روایت‌ها در تورم
سرمقاله: چتر اخلاق
گفتگوی ویژه: ورزشکاران همیشه در کنار مردم بوده‌اند

۹..... نوشتار

جامعه ایران: جامعه تضادها

توسعه پایدار زیر چتر توانمندی زنان

۱۲..... گزارش

۸ مارس روز جهانی زن

زیست انتقادی، گفتگو، مای جمعی

۱۷..... اندیشه

اندیشه سیاسی و تحولات طبیعی

بررسی اندیشه و کنش سیاسی سلامه موسی در عرصهٔ سوسیالیسم (۱)

۲۳..... گفتگو

پکن نشان داد شراکت راهبردی با جمهوری اسلامی برایش اهمیت دارد

اجرایی شدن توافق ایران و چین برنامه ریزی غرب را به هم می زند

۲۷..... معرفی و پیشنهاد

با یکدیگر روبه‌رو شویم، جهان و اندیشه‌هایمان را لمس کنیم، چرا که حقیقت همین است.

آیا خلیات ایرانیان ضعف‌هایی دارد؟

زنی پیشگام در امنیت بین‌الملل

ابوالحسن ابتهاج و برنامه توسعه

برترین‌های موسیقی کلاسیک

یک رباعی و یک دوبیتی از دوزن روزگاران قدیم

به نام آنانی که رنج بشر را روزانه تحمل می‌کنند

بهینه‌سازی مصرف انرژی: گاز

۳۶..... تاریخ احزاب سیاسی ایران (۲): احزاب در قفقاز و عثمانی

۴۱..... نگاهی به رویدادهای اخیر جهان

۴۵..... اخبار حزب

۴۸..... صفحه آخر: شما احضار شده‌اید

(بعضی از مطالب این نشریه گردآوری می‌باشد و بسیاری از عکس‌ها از سایت‌های مختلف برداشته شده است. از

همه تهیه‌کنندگان اولیه تشکر مینمائیم)



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۷

۳ اسفندماه سال ۱۴۰۱

به جای مقدمه

توقیف روزنامه سازندگی و باقی قضایا

امیدوارم از بخش های بعدی این مطلب نیز استقبال گردد. دوم. با توجه به انتشار کتاب مشهور سلامه موسی با عنوان راقمان انقلاب توسط انتشارات حاما، بخش اول مقاله بررسی اندیشه و کنش سیاسی سلامه موسی در عرصه سوسیالیسم نوشته خانم دکتر یاسمن یاری در این شماره ارائه میگردد. و سوم اینکه روز جهانی زن را به تمامی زنان و دختران سرزمینمان تبریک میگوئیم.

به آخرین ماه سال رسیدیم و هنوز چشم انتظار روزهایی هستیم که برایمان آزادی و عدالت را به ارمغان بیاورند. شماره ۵۸ نشریه اراده ملت را تقدیم شما عزیزان مینمائیم در حالیکه خبر آمده است روزنامه سازندگی توقیف شده است که برایمان خبری بس دردناک است. در این شماره توجه شما گرامیان را به چند مطلب جلب میکنیم: اول. بخش تاریخ احزاب سیاسی ایران با استقبال خوب مخاطبان ما روبرو شدند و

بزنگاه تاریخی و دوری از کلیشه های رایج



رحیم حمزه

rahimhamzeh@gmail.com

از هیات حاکمه یا بیرون از آن، فرقی نمی کند، صرفاً می بایست به فکر یافتن ایده های رهایی بخش باشد و لا غیر

در این وضعیت، مبرم ترین وظیفه تحول خواهان شستن چشم ها و جور دیگر دیدن است

کشور در بزنگاه تاریخی صعب و دشواری قرار گرفته است. اتفاقات عجیب و غریب پشت سر هم می افتند و دشواری ها را افزونتر می کنند. طشت رسوایی و ناکارآمدی کلیشه های رایج تحلیل هم به تدریج از بام سیاست فرو می افتند. در این وضعیت، مبرم ترین وظیفه تحول خواهان شستن چشم ها و جور دیگر دیدن است. تنها قیدی که می توان بر این مدعا وارد کرد این است که هرگونه تلاشی باید معطوف به کاستن از هزینه ها باشد. این مهم جز با مشارکت میسر نمی شود. کوبیدن بر طبل جدایی ها همان آفتی است که هر چه از آن دوری کنیم آینده تحولات را به نفع مردم تضمین خواهد کرد. هر کس دل در گرو زندگی انسانی و شرافتمندانه در این جغرافیای دوست داشتنی دارد و خود را سمت مردم می داند



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۸

۳ اسفندماه سال ۱۴۰۱

جنگ روایت‌ها در تورم

به عادت‌های دیرین و مألوف، وقتی در ماه‌های پایانی سال هستیم، بحث بودجه، تورم سالانه، میزان حقوق کارگری سال بعد و مسائلی نظری آن در محافل و رسانه‌ها داغ می‌شود. هر کسی که در این زمینه مختصر اطلاعات و تجربه‌ای دارد پا به میدان می‌گذارد و نظریات خود را ابراز می‌دارد. خصوصاً در مورد پیش‌بینی تورم در اسفندماه و سال آینده صحبت‌های زیادی را می‌شنویم که بسیاری از آنها نیز فنی و تخصصی هستند و توده مردم چندان از آنها سر در نمی‌آورند. در بسیاری از اوقات نیز این بحث‌های به ظاهر فنی و تخصصی با گرایش‌های سیاسی صاحب سخن، خلط می‌گردد. به طوریکه مدافعان دولت وقت از کاهش تورم و وضعیت خوب اقتصاد در سال بعد می‌گویند و مخالفان وضع موجود عکس این حرف را می‌زنند.

طرفداران وضع موجود فراموش کرده‌اند که هر نارسائی و مشکلی را نمی‌شود با بهانه جنگ روایت‌ها و سواد رسانه‌ای حل و فصل کرد

در روزهای اخیر نیز این جدل را مجدداً شاهد بوده‌ایم. گویا در این میان قرار است جنگ روایت‌ها را داشته باشیم و هر گروه توپخانه رسانه‌ای خویش را بسیج کرده است تا در این جنگ قلمی عقب نماند. غافل از این که جنگ روایت‌ها جایی و مکانی دارد و در مورد بسیاری از موضوعاتی که این روزها می‌بینیم، این بحث موضوعیت ندارد. ظاهراً طرفداران وضع موجود فراموش کرده‌اند که هر نارسائی و مشکلی را نمی‌شود با بهانه جنگ روایت‌ها و سواد

رسانه‌ای حل و فصل کرد. تورم پدیده‌ای است که مردم هر روز با گوشت و پوست خود آن را احساس می‌کنند حالا شما استدلال کن که تورم طرف تولیدکننده طبق آمار فلان جا کم شده است و حتماً تورم کلی نیز کاهش خواهد شد. این داستان ما را یاد اصطلاح "تورم نقطه به نقطه" محمود احمدی‌نژاد می‌اندازد که برای کاهش بار روانی تورم موجود، وارد واژگان فضای رسانه‌ای شد و البته دردی را هم دوا نکرد.

نارسائی سیستم آموزش و پرورش و کم سواد و کم تربیت شدن دانش آموزان، دیگر جنگ روایت‌ها نیست. همه ما یا بچه داریم یا در اطرافمان بچه‌ها هستند و به بعینه می‌بینیم که وضعیت دانشی و بینشی آنها چگونه است. نارسائی‌های سیستم درمان و پزشکی و نارضایتی‌های بیماران و همراهانشان نیز اظهر من الشمس است و نیاز به قسم حضرت عباس ندارد. دم خروس بیرون است. لذا این بحث‌های رسانه‌ای دردی از مردم دوا نخواهد کرد.

مگر مشابه همین کارشناسان و مدیران در زمان دولت قبل نبودند که وعده‌های شیرین به مردم می‌دادند و از امید می‌گفتند. آخرش چه شد؟ رشد اقتصادی منفی و تورم‌های بالای ۵۰ درصدی. اکنون نیز ما بسیار بسیار خوشحال می‌شویم که دولتمردان بتوانند این مشکلات را رفع نمایند؛ حال از هر شاخصی که استفاده می‌کنند، بکنند. اما ما را ابله نپندارند! این نارسائی‌ها با به به و چه چه گفتن حل نمی‌شود. باید راه حلی دیگر جست‌وجو کرد که به نظر بدنه مدیریتی دولت فعلی، علی‌رغم یکدستی‌های فراوانی که در ارکان قدرت فراهم کرده است، در این مورد توانا تر از دولت قبلی نیست. و اما نکته آخر، اگر ما ساختاری حزبی داشتیم و دولت بر اساس احزاب شکل می‌گرفت، در این زمان و با این ناکارآمدی‌هایی که از دولت می‌دیدیم، انتخابات مجددی را شاهد بودیم؛ اما ساختار حقوقی ما به گونه‌ای است که دولت‌هائی چهار ساله را بر کشور تحمیل می‌کند و اصرار هم بر این است که علی‌رغم تمام نقایص و مشکلات چهار سال تمام به پای آن بنشینیم و دم نزنیم.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۷

۳ اسفندماه سال ۱۴۰۱

چتر اخلاق

اخلاقی زیستن است کاهش می دهد. اما در این میان چه باید کرد؟ سؤال این است که آیا اساساً می شود در جامعه ای با فرایندهای غیر اخلاقی، زیستی اخلاقی داشت؟ اگر ما اخلاقی زیستن را به عنوان یک هدف و آرزو در نظر بگیریم، آیا می توان در جامعه امروز ایران به آن دست یافت؟ تئوری ای بین متفکران حوزه اخلاق وجود دارد تحت عنوان «تئوری چتر اخلاقی»، «باین محتوا که حتی در فضای غیر اخلاقی نیز می توان زیستی اخلاقی یا نزدیک به اخلاقی داشت. همان گونه که می توان در روزی بارانی با یک چتر خود را از خیس شدن نجات داد.

از این رو در انتهای این یادداشت ما چند توصیه برای زیست اخلاقی در شرایط امروز ایران داریم.

توصیه اول: اصول اخلاقی جهان شمول را بشناسیم و تلاش کنیم که امور اخلاقی و غیر اخلاقی را در رفتارهای روزمره خود به طور مصداقی مشخص نماییم. لازم است که این مصداق را مداوماً به خودمان یادآوری کنیم.

توصیه دوم: رفتارهای اخلاقی و غیر اخلاقی را برای خودمان اولویت بندی نماییم و آن هایی که اهمیت بالاتری دارند را مشخص نماییم. تلاش کنیم که برای خود خط قرمزی از رفتارهای غیر اخلاقی ترسیم نماییم و تلاش کنیم آن را هیچ گاه زیر پانگزاریم.

توصیه سوم: مرز بین رفتارهای اخلاقی و غیر اخلاقی را دقیقاً معلوم نماییم و اگر به هر علت دست به رفتاری غیر اخلاقی زدیم، آن را همان گونه که هست با تمام بدی ها و پلشتی هایش بپذیریم و سعی نکنیم با انواع و اقسام توجیهات آن رفتار را اخلاقی جلوه دهیم. بسیاری برای این که از عذاب و جدان رفتارهای اخلاقی راحت شوند، دست به تغییر ارزش های اخلاقی می زنند. در حالی که اگر ضعیف بودن خود را بپذیریم، راه را برای اصلاح باز گذاشته ایم.

توصیه چهارم: از ورود به حوزه های مخاطره برانگیز و شبهه ناک خودداری کنیم. در این حوزه ها برای جلوگیری از رفتار غیر اخلاقی توان و استقامت بالایی نیاز است که ممکن است ما فاقد آن باشیم. این بحث در ارتباط با افراد دیگر نیز مهم است. از افرادی با رفتارهای غیر اخلاقی پرهیز نماییم.

توصیه پنجم: لزومی ندارد در همه امور هم رنگ جماعت شویم. هر کدام از مازیستی جدا و با خصوصیات متفاوت داریم. موج ها و تلاطم های روزمره ممکن است ما را به وادی هایی ببرند که ناگزیر مجبور شویم از زیست اخلاقی خود فاصله بگیریم. خیلی از این موج ها زودگذرند و تحت تبلیغات و رسانه ها بر فضای ما غالب می شوند و می توان با اندکی شناخت از آن ها پرهیز کرد.

توصیه ششم: اخلاق به زبان ساده یعنی رعایت حقوق دیگران؛ و این دیگران معمولاً طیفی هستند که در موقعیتی فروتر از ما قرار دارند. نسبت به اطرافیان مان، خصوصاً افرادی که آسیب پذیر هستند، حساس باشیم و تلاش کنیم برتری ما به ایشان باعث رفتارهای غیر اخلاقی در برابرشان نشود.

و نهایتاً توصیه هفتم: رفتارهای غیر اخلاقی در اطرافمان را آشکار کنیم. خصوصاً رفتارهای غیر اخلاقی قدرتمندان را که با توجه به موقعیت و قدرتش از دیگران سوءاستفاده می کنند. رفتارهای اخلاقی و غیر اخلاقی معمولاً در رابطه هایی که بین طرفین توازن قدرت و وجود ندارد بروز می یابد. مثلاً در رابطه بین حکومت و شهروندان، کارفرما و کارگر، رئیس و مرئوس، کارمند و ارباب رجوع، زندانبان و زندانی، قاضی و متهم و نظایر این ها. در این موارد نسبت به حقوق افراد پایین دست حساس باشیم.

در چند سرمقاله اخیر نشریه اراده ملت و به دنبال ناامید شدن از ایفای نقش دولت در ایجاد زیرساخت های لازم برای رشد و توسعه متوازن در تعالی شخصی و عمومی مردم و کشور، بر آن شدیم تا روی صحبتمان با مردم باشد و توصیه هایی برای زیستی بهتر و روبه آینده به ایشان داشته باشیم.

در این گفتارها بر روی مباحث آموزش، محیط زیست و تشکیلاتی شدن تأکید کردیم. در این شماره بنا داریم به بحث زیست اخلاقی بپردازیم.

یکی از آرزوها و ایده آل های هر فرد و جامعه ای زیست اخلاقی است. گرچه ممکن است که در مورد تعریف مشترک و واحد از اخلاق اتفاق نظر وجود نداشته باشد، ولی تقریباً بر روی اکثریت اصول اخلاقی توافق نسبی وجود دارد و این امر مربوط به امروز و دیروز نیست، بلکه تقریباً به درازای تاریخ مکتوب بشر این توافق نسبی وجود داشته است. از متون الواح گلی بر جای مانده از دوران باستان، مشخص می شود که دزدی، قتل، عدم وفای به عهد و ارزش هایی نظیر این ها به عنوان اصول اخلاقی همه شمول پذیرفته شده بودند و انسان پناهو انسان آن ها را جزو ارزش های بنیادی اخلاق می شناخته و با انجام آن ها احساس راحتی و لذت می کرده است. در مورد وجوب رعایت اخلاق نیز توافقی همگانی وجود دارد که اخلاقی زیستن و اخلاقی رفتار کردن حس آسایش و امنیت و ثبات به انسان می دهد و حتی رفتاری لذت بخش است. لزوم احترام به این ارزش ها برای پایداری و دوام جامعه انسانی نیز چندان محل بحث نیست. پس معمولاً ما تلاش می کنیم که اخلاقی زیست نماییم.

در این میان، معمولاً تلاش متولیان امور، روشن اندیشان و متفکرین بر این است که جامعه را به سمت اخلاقی زیستن سوق دهند و بسامد رفتارهای غیر اخلاقی را به کمینه ترین حد ممکن برسانند. مجموعه ای از اقدامات وجود دارند که باید از سوی حاکمیت صورت گیرد تا زیرساخت های لازم برای اخلاقی زیستن فراهم شود. لذا در همین ابتدای امر تأکید مؤکد داریم بر نقش حاکمیت در زیست اخلاقی شهروندان. اگر همه شهروندان از حداقل در آمد متناسب با یک زندگی معمولی برخوردار باشند یا میزان تبعیض و بی عدالتی حداقل باشد و یا حریم خصوصی محترم شمرده شود، طبعاً میزان بروز رفتارهای غیر اخلاقی کمتر خواهد شد. پس اگر حکومتی با ابزارهای اقتصادی یا قانونی در جهت تأمین این زیرساخت ها بکوشد به اخلاقی تر شدن فضای عمومی جامعه کمک کرده است.

اما در سال های اخیر شاهد هستیم که دولت های مختلف و حاکمیت در معنای عام آن در تأمین این زیرساخت ها کم توان یا ناتوان بوده اند. میزان فقر و شهروندان فقیر افزایش یافته است، تبعیض و بی عدالتی چه در جنبه اقتصادی و چه در جنبه رفتاری گسترش داشته است و در سایر مسائل نیز شاهد پیشرفت چندانی نبوده ایم.

جدا از این موضوع، به شیوه های مختلف بر رفتارهای غیر اخلاقی نیز دامن زده شده است. مثلاً شیوه پرداخت تسهیلات در بانک ها به صورتی است که شمار احتمالاً مجبور به رفتار غیر اخلاقی برای دریافت یک وام کوچک می کند. داستان وام های قالی بافی یا تعمیر مسکن هنوز حی و زنده جلوه چشم انداز است و می بینیم که حتی اخلاقی ترین افراد نیز نمی توانند بدون پذیرفتن این مکانیسم های غیر اخلاقی تسهیلاتی دریافت نمایند. از این نمونه ها بسیارند و ساختار مدیریتی کشور به گونه ای است که مدام این رفتارهای اخلاقی را باز تولید می نماید و مرزهای بین اخلاق و غیر اخلاق را مخدوش نموده است. قریه کشی فروش خود رو، دریافت ارز دولتی، ثبت نام در مدارس، کنکاش در احوالات شخصی و خیلی از پدیده های دیگر که هر روز به آن ها مواجه هستیم، مدام ما را در چرخه فرایندهای غیر اخلاقی می اندازد و حساسیت اخلاقی ما را که زیربنای



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۸

۳ اسفندماه سال ۱۴۰۱

این هفته پای صحبت آقای علیرضای برزویی مقدم نشستیم؛ عضو باسابقه حزب اراده ملت ایران و یکی از سه بازرس اصلی شورای مرکزی. ایشان سال‌هاست در کانون هواداران باشگاه استقلال نقش مدیریتی دارند. علاوه بر این، سابقه و تجربیات گسترده‌ای نیز در مبارزات سیاسی و حزبی دارند.

ورزشکاران همیشه در کنار مردم بوده‌اند



حمید سپهری

Miladsepehri00@yahoo.com



کنار مردم بودند و در جامعه با فقر، تبعیض و ناعدالتی مبارزه می‌کردند. ورزشکاران در سال‌های اخیر، در مسائلی که برای مردم پیش آمده، از قبیل سیل و زلزله، در کنار مردم بودند. بزرگ‌مرد فوتبال ایران، آقای دایی، در این‌گونه امور همیشه پیش‌قدم بوده‌اند و در این مسیر همواره متحمل هزینه شده‌اند. در زلزله بوئین‌زهرا، مرحوم تختی در بازار و بین اصناف می‌گشتند و کمک‌های مالی جمع‌آوری می‌کردند. جهان‌پهلوان تختی شخصاً این کمک‌ها را به منطقه برد و بین زلزله‌زدگان

جناب برزویی مقدم، ممنون از وقتی که به ما اختصاص داده‌اید. شما سال‌هاست که در قالب کانون هواداران استقلال هم با ورزشکاران و هم با طرفداران ایشان ارتباط نزدیک داشته‌اید. در اعتراضات فصل پاییز نقش ورزشکاران برجسته بود، علت این موضوع را چه می‌دانید؟ آیا این حضور مقطعی را مثبت ارزیابی می‌کنید؟

اگر تاریخ چندساله ایران را مطالعه بفرمایید، بانام پهلوانانی چون پوریای ولی یا مرحوم تختی مواجه می‌شوید که همیشه در



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۷

۳ اسفندماه سال ۱۴۰۱



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۸
۳ اسفندماه سال ۱۴۰۱

پخش کرد.

ورزشکاران در همین کوچه پس کوچه ها و محلات رشد و نمو کرده اند. اکثریت ایشان از طبقات متوسط و پایین جامعه هستند و مشکلات جامعه را و خصوصاً جوانان را خیلی خوب می دانند. درست است که حالا در سطح جامعه مشهور شده اند و ممکن است بعضی هایشان در آمد خوبی هم داشته باشند، اما خیلی خوب در مردم را می فهمند. لذا آن ها همیشه همراه مردم می مانند و در سختی ها و خوشی ها همراه مردمشان هستند.

اینکه می بینیم ورزشکاران در کنار مردم هستند و خواسته ها و مطالبات ایشان را همراه با آن ها دنبال می کنند چیز عجیبی نیست. این مسئله سابقه طولانی دارد و خیلی مسئله عادی ای است. ورزشکاران از دل مردم بیرون آمده اند و طبیعی است که در چنین مواقعی با مردم همراه باشند. حضور هایی این چنینی مقطعی نبوده است ولی بروز و انعکاس آن در این مقطع بیشتر شده است.

شما تخریبات سیاسی و اجتماعی گسترده ای دارید، با توجه به این سابقه پیش بینی شما از آینده چیست؟

به یاد می آورم که چند سال پیش در جلسه ای حضور داشتم و در آن صحبت از مسائل روز و پیش بینی آینده بود. من در آن جلسه عرض کردم که یک تحول اساسی باید در ایران رخ دهد. حال اگر دولت مردان، خودشان پیش قدم شوند و این تحول را رقم زنند، به این معنی که قانون اساسی را که بیش از چهل سال از عمر آن می گذرد و چندین نسل آن را تجربه کرده اند، مورد بازبینی و تغییر قرار دهند که بسیار خوب است، وگرنه مردم خود نسبت به این تغییر اقدام می کنند.

در پاییز ۱۴۰۱، تاریخ ما یک ورق جدیدی را رقم زد و می توان این گونه گفت که قبل از درگذشت مهسا امینی و بعد از آن، شرایط کاملاً فرق کرده است و به هیچ عنوان شرایط کشور

به قبل از پاییز ۱۴۰۱ باز نمی گردد.

این مسئله نشئت گرفته از این است که نیاز جوانان امروز با جوانان ۴۰ سال پیش فرق کرده و این نیاز باید محترم شمرده شود، وگرنه کار مملکت به سامان نخواهد رسید.

تغییر قانون اساسی احتیاج به کار کارشناسی و آسیب شناسی دارد تا ببینیم کجای قانون باید تغییر کند و اگر دولت مردان ما امروز این کار را نکنند فردا خیلی دیر است. موقعیت فعلی بسیار حساس است و با این شیوه گرفتن و زندانی کردن و حکم دادن مشکل حل نمی شود. چند روز پیش شنیدیم که برای ورزشکار جوان، کنعانی زادگان، حکم صادر کرده اند و جریمه اش کرده اند که باید به زلزله زدگان خوی جریمه بپردازد.

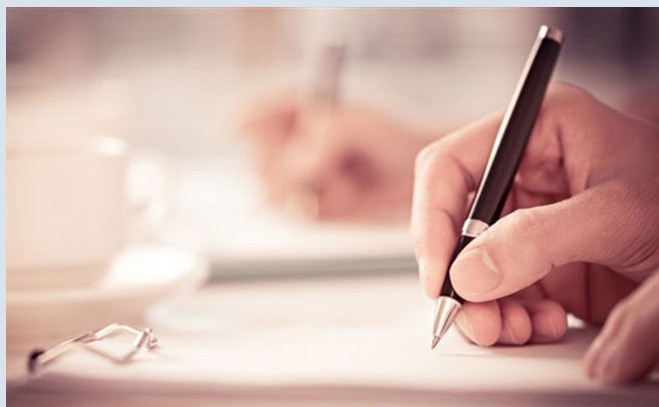
این حمایت ایرانیان خارج کشور از اعتراضات جوانان و اتحادشان، بخشی هم ناشی از تغییر ذائقه نسل هاست و امری کم سابقه است. این ها از جمله پیام ها و هشدار هایی است که به حکومت داده می شود و لازم است جدی گرفته شود. متأسفانه در داخل شاهد اقدامات مؤثری نیستیم. تهدید و ارباب جوانان هیچ مشکلی را حل نمی کند، بلکه لازم است پای صحبت آن ها نشست و حرف هایشان را گوش کرد و برای حل مشکلات و خواسته های ایشان کاری کرد.

ما امروز از نظر اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به بن بست ها و ناکامی هایی رسیده ایم. نمی دانم آقایان افق و دیدگاهی برای آینده ایران دارند یا نه؟ ولی بنده با این نحوه مدیریت، هیچ امید و آینده ای برای ایران متصور نیستم. امروز دلار به مرز ۵۰ هزار تومان نزدیک می شود، در حالی که در زمان تحویل دولت به ابراهیم رئیسی، دلار ۲۸ هزار تومان بود. یعنی در یک بازه زمانی خیلی کوتاه ارزش پول ملی نصف شده است. جامعه تحمل تورم بیشتر را ندارد و لازم است هر چه سریع تر برای این مسائل چاره اندیشی شود.





نوشتار





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۸

۳ اسفندماه سال ۱۴۰۱

جامعه ایران: جامعه تضادها

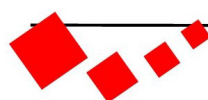


علی رفیعی

a.rafiee1388@gmail.com

در دنیای امروز آنچه باعث ایجاد آرامش و ثبات و تعالی در جامعه می شود، نه تنها یک صدایی و یک نواختی جامعه نیست، بلکه تعامل سلاقی و تبادل آرای مخالف است. آنچه جامعه را از سکون و جمود رهایی می بخشد، همانا تکثر عقاید و تضارب آرا و اندیشه هاست. تلاش برای یک نواخت کردن سلاقی، آرا و نظرات اقشار مختلف، تلاشی بیهوده و هزینه زا است. جامعه ایران مدت هاست که نه تنها پویایی خود را از دست داده است، بلکه آرامش نیز ندارد. دلیل این عدم آرامش وجود تضادهای عمیق در لایه های مختلف اجتماع است.

امروزه وجدان عمومی جامعه ایران از استانداردهای دوگانه و بعضاً چندگانه ای که در مناسبات حاکمیت و رابطه حکومت و مردم برقرار است، به شدت آزرده و حتی عصبانی است.



اگرچه همان گونه که اشاره شد، وجود اختلاف نظر و عقیده و رنگارنگی سلاقی امری طبیعی و حتی مطلوب نیز هست، اما آنچه باعث آسیب و حتی گسست در جامعه می گردد، تبدیل این گوناگونی های فکری _ شناختی به شکاف بین لایه های جامعه است. شکاف در جامعه می تواند بین لایه های مختلف جامعه یا بین جامعه و حاکمیت و یا حتی بین نسل های مختلف ایجاد شود. با عمیق تر شدن این شکاف ها، امکان گفت و گو و مفاهمه بین طرفین روز به روز تضعیف شده و زمینه را برای بروز تضادهای فکری، عقیدتی و نگرشی فراهم می کند. امروزه وجدان عمومی جامعه ایران از استانداردهای دوگانه و بعضاً چندگانه ای که در مناسبات حاکمیت و رابطه حکومت و مردم برقرار است، به شدت آزرده و حتی عصبانی است. تلاش های حاکمیت برای ایجاد تعریف استاندارد از مفاهیم و پدیده های روبه روی جامعه و اصرار و پافشاری بر قبول دادن تعاریف خود با استفاده از ابزارهای متفاوت، باعث تحمیل هزینه های اقتصادی، اجتماعی و روانی بر کشور شده و بر شکاف ایجاد شده بین ملت _ دولت عمق می بخشد. این موضوع که حاکمیت بهره مندی از میوه های فناوری نظیر شبکه های اجتماعی را برای خود مجاز و مباح می داند و در این حال ملت را از آن برحذر کرده و این امکانات را برای آنان غیر مجاز می داند، جلوه ای عیان از استاندارد دوگانه حاکمیت است.

در حالی که بسیاری از پلتفرم های شبکه های اجتماعی مجازی به عنوان عامل فساد و گمراهی مردم معرفی شده و فیلتر می شوند، تمامی مسئولین مملکتی در این شبکه ها عضو بوده و به شدت نیز فعال هستند.

در سپهر گفتمان رسمی حاکمیت، کشورهای غربی سمبل فساد، لابیگری و بی دینی و ناامنی هستند و زندگی در این کشورها نمونه ای از خسران و تباهی است، اما فرزندان شان را برای زندگی به این کشورها می فرستند و خود نیز تابعیت این کشورها را اخذ می کنند.

ایران امروز در گیر بحرانی عمیق است و نادیده گرفتن و یا انکار کردن این بحران باعث از بین رفتن آن نمی شود. ریشه های این بحران متعدد بوده و در بسیاری موارد مزمن نیز می باشند. اما به باور من آنچه بیش از همه باعث ایجاد شکاف عمیق بین حاکمیت و ملت شده دو عامل است: اولین عامل ایجاد این شکاف گفتمانی، اصرار و سماجت حاکمیت بر دخالت در تمام عرصه های خصوصی و اجتماعی و نگرشی اقشار مختلف جامعه است به گونه ای که حتی فعالیت ها و تصمیمات تشکلهای صنفی مردم نهاد نیز تنها زمانی به رسمیت شناخته می شود که با حضور و تأیید نماینده حاکمیت همراه باشد. غایت آرزوی حاکمیت داشتن جامعه ای است که قرائت مورد نظر او را در عرصه های مختلف زیست اجتماعی و خصوصی خود بپذیرد و آن را ترویج کند.

عامل دوم که بی گمان سبب تشدید شکاف موجود و حتی عصبانیت جامعه از حاکمیت شده است، عدم صداقت حاکمان در اجرای الگوهای است که با تمام توان آن را تبلیغ می کنند. اگر حکومت خود به استانداردهای مداخله جویانه ای که برای مردم تعیین می نماید، نیز پایبند بود، مصداق جمله معروف «ظلم علی السویه عدل است» می بود، اما شوربختانه حاکمیت در بسیاری از موارد توده جامعه را از خوردن رطبی منع می کند که خود در خوردنش سخت حریص است. دیدگاه و عملکرد متضاد حاکمیت در توصیه مردم بر ریاضت اقتصادی و در پیش گرفتن اقتصاد مقاومتی و در عین حال مسابقه مسئولین در کسب ثروت و غرق شدن در تشریفات، نمونه بارزی از استاندارد دوگانه ای است که جامعه ایران از آن رنج می برد.

حاکمیت برای خود نقش پدری را قائل است که جامعه ای از فرزندان صغیر و نادان و بعضاً سرکش دارد و وظیفه خود را تعریف مداوم باید ها و نبایدهای پی در پی می داند. از نگاه این پدر سختگیر، جامعه قدرت تشخیص ندارد و حاکمیت باید مدام پدیده ها را برایش تبیین و تشریح نموده و جامعه نیز باید قرائت رسمی را بپذیرد. نکته قابل تأمل این که در بسیاری از موارد این باید ها و نبایدها از سوی تبیین کنندگان زیر پا گذاشته می شود، گویی جامعه ایران بامی است که دو یا بعضاً چند هوا دارد.

توسعه پایدار زیر چتر توانمندی زنان



فاطمه امامی

Femami53@gmail.com

از دیرباز به این مفهوم رسیدیم که در محیط خانواده مدیریت همه چیز بر عهده‌ی زن است. مدیریت مصرف، نوع مصرف، نحوه‌ی مصرف با او می‌باشد و لازمه‌ی آن ایجاد آگاهی و ایجاد زمینه‌های آموزشی و تحصیلی بسیار عالی برای دختران و زنان است. هر دختر در خانواده که نقش زن و مادر را داشته باشد، به عنوان آموزشگر در خانواده ایفای نقش خواهد کرد.

کشورهایی که در آنها زنان نقش ضعیف دارند، نمی‌توانند در توسعه پایدار موفق شوند

زنانی که در سطح عالی و متوسطه مدارس یا دانشگاه آموزش دیده‌اند با ارتباط با سازمان‌های مردم‌نهاد و تحت آموزش قرار گرفتن در کمیته‌های تخصصی آنها و یا تأسیس این نهاد توسط خودشان می‌توانند در انتخاب وسایل خانگی، نحوه‌ی مصرف درست از نظر انرژی و پایداری آن، مصرف مواد غذایی و گیاهی و مهمترین مبحث به عنوان دورریز؛ راهبر باشند. القای آگاهی از طرف مصرف‌کننده باعث تغییر مثبت در خط تولید خواهد شد.

جهان امروز با پیشرفت آگاهی به طرف مصرف بهینه محیط‌زیست از نظر انرژی، پایداری، کم‌ضرر بودن و کم‌مصرف بودن انرژی حرکت می‌کند و این امر مستلزم توانمند شدن زنان است. انتخاب آنها در لوازم خانگی و مصرفی می‌تواند به عنوان یک انتخاب کلیدی برای وسیله‌ی مصرفی و مصارف خوراکی کم‌ضرر و بدون مواد افزودنی و همچنین شوینده‌های کم‌ضرر، مصرف بهینه لباس و کفش و مهم‌تر از آن مصرف بهینه‌ی مواد غذایی و مدیریت درست آن باشد. پس برای جلوگیری از هدر رفتن انرژی و سوء مصرف، یک نوع مدیریت مصرف را در خانواده دیکته می‌کند. با توجه به شرایط بحران محیط زیستی در دنیا، دیگر شعار بیشتر مصرف کن تا چرخه اقتصاد بچرخد، معنا ندارد و این شعار ارزش معنایی خود را به دلیل

تهدید کاهش مواد معدنی و آلی و غیره از دست داده است. فعالان محیط‌زیست به سوی بازیافت و تعمیر هرچه بیشتر وسایل مصرفی پیش می‌روند. این آموزش‌ها در خانواده توسط مادر مدیریت می‌شود.

آگاهی زنان و پیشرفت توانمندی‌های آنان یکی از ارکان مهم توسعه پایدار است. کشورهایی که در آنها زنان نقش ضعیف دارند، نمی‌توانند در توسعه پایدار موفق شوند. آموزش زنان و توانمندی آنها راهی برای خروج از فقر فرهنگی و رسیدن به توسعه اقتصادی و استفاده‌ی بهینه از وسایل و کالاهای مصرفی و به‌ویژه زمان است. مدیریت مصرف برق، آب و انرژی در خانواده، چه شهری و چه روستایی، با آموزش زنان رشد بیشتری خواهد داشت و این امر مستلزم آموزش مدارس از سطح مقطع ابتدایی تا حداقل پایان دبیرستان برای دختران است. حضور آن‌ها در دانشگاه باعث ارتقای سطح آموزشی آنها خواهد شد که روند رشد را سریع‌تر خواهد کرد.

از دواج‌های کودک همسری و خروج بی‌موقع او از مراحل آموزش، باعث خروج یک آموزشگر از خانواده و رها شدن یک خانواده بدون آموزشگر خواهد بود. و این امر تبعات منفی اجتماعی و اقتصادی برای جامعه به همراه خواهد داشت، و چنین مواردی باعث دور شدن از مسیر توسعه پایدار در کشور خواهد شد.

عدم احترام و ندادن حقوق اجتماعی و سیاسی به زنان و دختران، آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی و محیط زیستی به جامعه وارد خواهد کرد. خانواده‌ای که مادری قدرتمند از نظر آموزشی و آگاهی داشته باشد بهترین تربیت را در فرزندان آن خانواده چه از نظر شغلی، چه از نظر مدیریت درآمد و چه از نظر مسئولیت اجتماعی شاهد خواهیم بود. این مسئله تبعات مثبتی در جامعه ایجاد خواهد کرد. مسئولیت اجتماعی در این فرزندان به این صورت تقویت خواهد شد که مسئولیت‌پذیری در مورد وسایل مصرفی و انرژی و آب و ... را در آنها شاهد خواهیم بود و همچنین مسئولیت اقتصادی را با مدیریت مادر در خصوص نحوه خرید، نوع خرید، نوع برخورد با مسائل را در حریم خانواده خواهند آموخت. البته در خانواده‌ها خرید ممکن است توسط پدر انجام شود ولی مادر نحوه مصرف و نوع کالا و برند را مدیریت خواهد کرد. نحوه‌ی برخورد با این مسائل ارتباط مستقیم با آگاهی مادر در خانواده دارد. پس کشوری که زنان آگاه و با مطالعه و با اعتماد به نفس بیشتری داشته باشد، کشوری است که در مسیر توسعه پایدار قرار گرفته است. فقر فرهنگی مادر، فقر فرهنگی خانواده و اجتماع را ایجاد خواهد کرد که در راستای فقر اقتصادی پیش خواهد رفت و از توسعه پایدار و رشد متوازن فاصله خواهیم گرفت.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۷

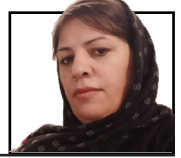
۳ اسفندماه سال ۱۴۰۱



گزارش



۸ مارس روز جهانی زن



فاطمه قدم
fatemehghadam56@gmail.com



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۷

۳ اسفندماه سال ۱۴۰۱

محرومیت و فشار کار و حقوق بسیار کم زنان را به یاد می آورد، دست به اعتصاب زدند. صاحب این کارخانه به همراه نگهبانان، برای جلوگیری از همبستگی کارگران بخش های دیگر با اعتصابگران و عدم سرایت آن به بخش های دیگر، این زنان را در محل کارشان محبوس ساخت و بعدا به دلایل نامعلوم کارخانه آتش گرفت و فقط تعداد کمی از زنان توانستند از این حادثه نجات یابند و مابقی ۱۲۹ تن کارگر در این آتش سوختند. به همین دلیل، روز هشتم مارس به طور سنتی به نام روز مبارزه زنان علیه بی عدالتی و فشار علیه زنان در خاطره ها باقی ماند. در سال های بعد در کشورهای مختلف اروپایی و آمریکا مبارزه زنان به شکل تظاهرات و اعتصاب کاری علیه فشار، تبعیض و استعمار کاری و همین طور برای داشتن حقوق برابر در اجتماع ادامه پیدا کرد.

از جمله یکی از مهم ترین مدافعان حقوق زن در آلمان خانم کلارا زتکین (۱۸۵۷-۱۹۳۳) خواسته های مبارزان زن در آلمان را مبنی بر هشت ساعت کار در روز، تعطیلات ویژه در ایام زایمان و سایر حقوق، طبق قانون تقاضا کرد.

در دومین کنفرانس سوسیالیستی زنان که در آن صد زن مبارز از هفده کشور جهان شرکت داشتند، در کپنهاگ پایتخت دانمارک، در اثر پیشنهاد خانم کلارا زتکین در روز ۲۷ آگوست سال ۱۹۱۰ میلادی، روز هشتم مارس به عنوان روز زن و روز همبستگی برای دفاع از حقوق زنان و مبارزه در مقابل تبعیض های گوناگون علیه زنان برگزیده شد.

درواقع می توان گفت آغاز حرکت برای شکل گیری اختصاص یک روز به زنان، ابتدا از دل فعالیت های اعتراضی زنان کارگر در آغاز قرن ۲۰ در آمریکای شمالی و سراسر اروپا نطفه بست :

۸ مارس روزی است که زنان جهان بدون توجه به گرایشات مختلف فکری، عقیدتی، نژادی، مذهبی و... به یادآوری موفقیت ها و دستاوردهایشان می پردازند. در حقیقت، این روز مجالی است برای نگاه کردن به گذشته در مسیر تلاش ها، منازعه ها و فعالیت های پیشین، و بیشتر برای نگرستن در راستای حرکت های پیش رو برای باز کردن راه در جهت شکوفایی استعدادها و فرصت هایی که در انتظار نسل آینده زنان است.

علت انتخاب ۸ مارس به عنوان روز جهانی زن

سالانه میلیون ها تن زن و مرد در اقصی نقاط جهان در روز هشتم مارس با ترتیب اجتماعات و گردهمایی ها این روز را گرامی می دارند. انتخاب روز هشتم مارس به عنوان روز زن، به مبارزه زنان کارگر فابریکه نساجی کتان در سال ۱۸۵۷ میلادی در شهر نیویورک آمریکا برمی گردد. شرایط کاری سخت و غیرانسانی کارگران زن با دستمزد کم، در اوایل قرن بیستم، که همراه با مردان در کشورهای صنعتی وارد فابریکات و بازار کاری شده بودند، آنان را وادار به مبارزه سازمان یافته و منظم علیه این بی عدالتی نمود. در این روز، کارگران نساجی زن در یک کارخانه بزرگ پوشاک، در اعتراض به شرایط بسیار سخت کاری و وضعیت اقتصادی، دست به اعتصاب زدند. خاطره این اعتصاب برای کارگران فابریکه نساجی باقی ماند. نارضایتی عمومی از این شرایط برای زنان کارگر ادامه داشت.

هشتم مارس سال ۱۹۰۸ میلادی:

بعد از گذشت بیش از پنجاه سال، کارگران زن کارخانه نساجی کتان در شهر نیویورک به منظور احیای خاطره اعتصاب این روز، که تبعیض و

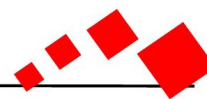




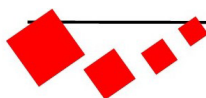
هفته‌نامه غیربرخط
اراده ملت

شماره ۵۸
۳ اسفندماه سال ۱۴۰۱

۱۹۰۹: نخستین روز جهانی زن در ایالات متحده در ۲۸ فوریه ۱۹۰۹ برپا شد. حزب سوسیالیست آمریکا این روز را به افتخار و برای تجلیل از اعتصاب کارگران نساجی نیویورک، که در آن زنان علیه شرایط کاری خود اعتراض کرده بودند، برگزید.



روز هشتم مارس به طور سنتی به نام روز مبارزه زنان علیه بی‌عدالتی و فشار علیه زنان در خاطره‌ها باقی ماند.



۱۹۱۰: کنگره جهانی سوسیالیست‌ها، طی جلسه‌ای در کپنهاگ، «روز زن» را روز بین‌المللی زنان اعلام و آن را به عنوان حرکتی در جهت کسب حقوق زنان و گسترش حمایت به منظور دستیابی زنان به حق رأی در سراسر جهان، تثبیت کرد. طرح پیشنهادی با موافقت بیش از یکصد تن از زنان از ۱۷ کشور جهان در این کنگره به تصویب رسید، و نخستین پیامد آن، انتخاب سه زن در پارلمان فنلاند بود. در این کنگره تاریخ ثابتی برای برگزاری مراسم انتخاب نشد.

۱۹۱۱: بازتاب کنگره کپنهاگ سبب شد که روز جهانی زن برای نخستین بار (۱۹ مارس) در اتریش، دانمارک، آلمان و سوئیس برگزار شود، یعنی در کشورهایی که بیش از یک میلیون زن و مرد در تظاهرات بزرگی شرکت و حق رأی برای زنان، امکان دستیابی به مشاغل دولتی، حقوق زنان برای کار، آموزش حرفه‌ای و پایان تبعیض شغلی را مطالبه کردند.

۱۹۱۳-۱۹۱۴: با شروع جنگ جهانی، روز جهانی زن دستمایه‌ای برای جنبش‌های زنان در سراسر جهان شد تا آن را به روزی برای اعتراض به جنگ جهانی تبدیل کنند. زنان روسی، به عنوان بخشی از جنبش صلح‌خواهی، نخستین مراسم روز جهانی زن را در آخرین

یکشنبه ماه فوریه برگزار کردند. زنان در دیگر نقاط اروپا نیز حول و حوش ۸ مارس در اعتراض به جنگ و با ابراز همبستگی با دیگر فعالان، تظاهرات باشکوهی برپا ساختند.

۱۹۱۷: زنان روسی، علیه عاقبت شوم جنگ، آخرین یکشنبه فوریه را برای اعتراض و اعتصاب خود و با درخواست «نان و صلح» انتخاب کردند (که بر اساس تقویم گرگوری روز ۸ مارس قطعیت پیدا کرد). چهار روز بعد، تزار روسیه استعفا داد و دولت موقت حق رأی برای زنان را به رسمیت شناخت.

سازمان ملل متحد و برابری جنسی

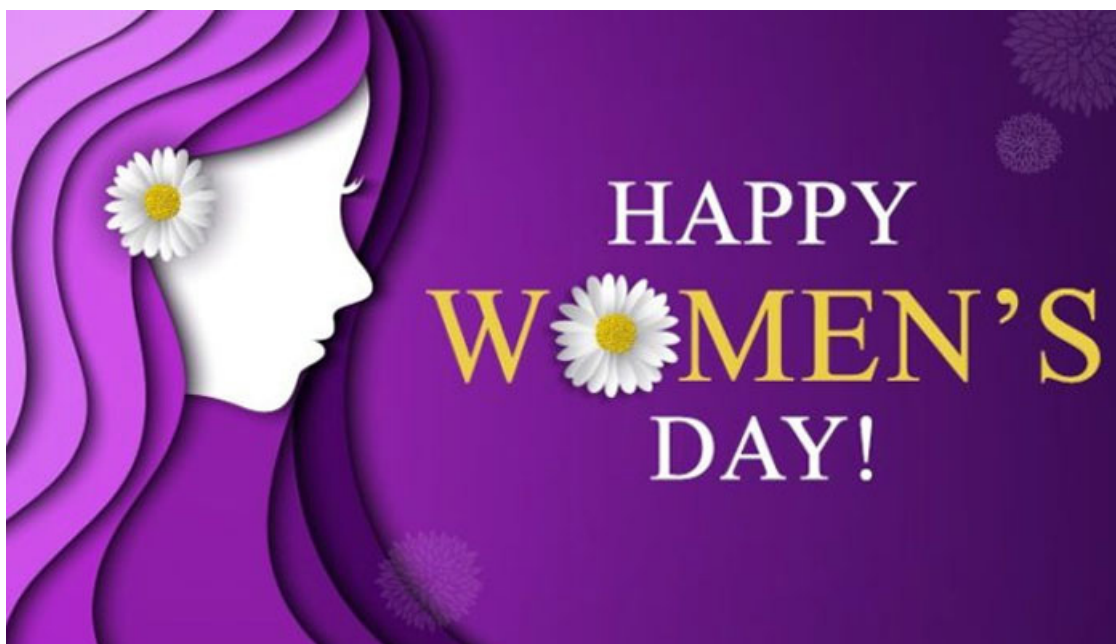
قطعنامه سازمان ملل متحد که در سال ۱۹۴۵ امضا شد، نخستین توافقنامه‌ای بود که اصل برابری زن و مرد را تصریح کرد. از آن زمان تاکنون، این قطعنامه بین‌المللی که منجر به ارائه استراتژی‌ها، استانداردها، برنامه‌ها و اهداف مختلف از سوی سازمان ملل شده، در پیشرفت موقعیت و وضعیت زنان در سرتاسر جهان مؤثر بوده است.

پس از سال‌ها، سازمان ملل متحد و آژانس‌های تخصصی‌اش مشارکت زنان را به عنوان شرکای برابر با مردان در دستیابی به پرورش، صلح، امنیت، و احترام کامل برای حقوق بشر مداوم، ترفیع داده‌اند. قدرت و اختیار زنان، نشان از چهره آشکار تلاش‌های سازمان ملل متحد با نظارت و تصحیح چالش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در سراسر جهان دارد.

امروزه و تجلیل از روز جهانی زن

در چند ساله اخیر، ۸ مارس روز جهانی زن، نه تنها در کشورهای توسعه‌یافته که در جوامع در حال توسعه نیز به صورت گسترده‌تری مطرح و ابعاد تازه‌ای به خود گرفته است. جنبش رو به رشد جهانی زنان، در تبدیل روز جهانی زن به صف‌آرایی و اعتراض در جهت دستیابی زنان به حقوق خود و مشارکت آنان در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی یاری بسیار رسانده است.

علاوه بر این، زنان جهان در روز جهانی زن تلاش کرده‌اند تا این روز را به فرصتی برای انعکاس پیشرفت‌ها و دستاوردهای به دست آمده، و کنش‌های شجاعانه و نیز عزم راسخ زنان عادی (که نقش شگفت‌آوری را در تاریخ کشورها و جوامع خود ایفا کرده‌اند) تبدیل کرده و این دستاوردها را گرامی بدارند.



زیست انتقادی، گفتگو، مای جمعی



فاطمه قدم

fatemehghadam56@gmail.com

نشستی در مؤسسه رحمان، در روز دوشنبه ۳ بهمن ۱۴۰۱ در خصوص «زیست انتقادی، گفتگو، مای جمعی»، با حضور هادی خانیکی، استاد علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی، مینو مرتاضی، فعال حقوق زنان و اردشیر منصوری، دانش آموخته فلسفه علم برگزار شد.

ضرورت طرفین برابر برای گفتگو

دکتر هادی خانیکی در خصوص دو پرسش مطرح شده:

۱. شهروند جهانی بودن چیست و چه مزایا و مشکلاتی را به همراه دارد؟
۲. همه طردشدگان این جنبش وقتی به میدان سیاست بازگشته‌اند و سعی دارند تا عرصه عمومی را پس بگیرند، چطور به رسمیت شناخته می‌شوند و چگونه می‌توانند تکرار خود را به رسمیت شناخته و با یکدیگر گفت‌وگو کنند؟

گفت:

برای پاسخ به زیست انتقادی باید به سؤال دوم پاسخ داد. جامعه ایران در یک زیست انتقادی و جنبش اعتراضی به سر می‌برد، گرچه سرشت این اعتراضات با هم متفاوت است، ولی آنچه مشخص است این است که همه معترضند و از دیده نشدن به فغان آمده‌اند.

وی عنوان «جنبش نادیده گرفته‌شدگان» را به این اعتراضات داد و گفت کسانی که به رسمیت شناخته نشده بودند، در مرحله اثبات خود هستند و مطالبات خود را بیان می‌کنند و نقطه مشترکشان این است که همه

غافلگیر شده‌اند، لازم به ذکر است که این تغییرات، حداقل ۳۰ سال پیش در مطالعات اجتماعی و فرهنگی و سیاسی که در ایران انجام شده با دو مشخصه همراه است: ۱. سفارش دهنده همه این دستگاه‌های مسئول دولتی هستند. ۲. توسط برجسته‌ترین محققان کشور انجام گرفته‌اند. این استاد دانشگاه بیان داشتند که به نظر من برای ساده‌تر شدن موضوع باید گفت که وجه اشتراک، دیده نشدن است. دیده نشدن در اشتغال، تحصیل، تصویب مقررات حقوقی و غیره. وقتی رسانه داخل برای افراد مرجعیت خود را از دست می‌دهد، وارد فضای مجازی می‌شود و در نتیجه توازن رسانه‌های داخلی و خارجی به هم می‌خورد. پس بعد از ویژگی اول این جهان زیست انتقادی، یعنی دیده نشدن، اگر بتوانیم به رسمیت شناخته شدن را حل کنیم، گفت‌وگو را هم می‌توانیم حل کنیم. گفت‌وگو طرفین برابر لازم دارد.

دکتر خانیکی در ادامه از اندیشه اکسل هونت گفت که معتقد است لازمه شکل‌گیری گفت‌وگو به رسمیت‌شناسی است و وی از اخلاقی به رسمیت‌شناسی حرف می‌زند. رابطه «من» و دیگری برای این که به «ما» تبدیل شود نیازمند دیگرپذیری است. این که کاری کنیم رقیب ما نتواند حرف بزند، این گفت‌وگو نیست و اکسل هونت گفت‌وگو را فراتر از کنش ارتباطی می‌بیند. دستاورد جنبش اعتراضی تاکنون، به رسمیت شناخته شدن بوده است.

در ادامه، ایشان خاطر نشان کرد که جامعه ایران در طی ۳۰ سال تغییرات گفته‌شده دارای سه ویژگی متکثر، متفاوت و سیال است. سیالیت اگر از مجراهای مدنی پیش رود جامعه را قوی می‌کند و جامعه قوی می‌تواند با حکومت حرف بزند. آنچه مبرهن است این است که گفت‌وگو با قدرت رابطه مستقیم دارد. گفت‌وگو یعنی اثربخشی، نه مذاکره و نه محدود بودن به عرصه سیاست. در گفت‌وگو شنیدن مقدم است بر دیدن. سایر مؤلفه‌ها چون اخلاق، عقل و قانون عناصری است که باید در گفت‌وگو به آن



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۷

۳ اسفندماه سال ۱۴۰۱

زیست انتقادی، گفت‌وگو، مای جمعی

سخنرانان:
هادی خانیکی
مینو مرتاضی
اردشیر منصوری





هفته‌نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۸

۳ اسفندماه سال ۱۴۰۱

توجه کرد. پس نگاه اکسل هونتی به گفت‌وگو با توجه به شرایط امروز ما، نگاه مناسبی است. در نتیجه دو گانه‌سازی از سوی دولت، نخبگان و جامعه مدنی می‌تواند برای جامعه ما تهدیدکننده و خطرناک باشد و روزه‌های ورود به گفت‌وگو را ببندد.

و در پایان اذعان داشتند که آینده را روشن می‌بینند، زیرا لحظات افول و بحران، لحظات روشنی و فرصت نیز است و ما جمعیتی باید شکل بگیرد و همه باید در آن مشارکت کنند.

شکل‌گیری گفتمان سوم حول جنسیت

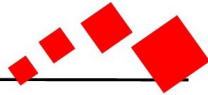
خانم مینو مرتضی درخصوص شکل گرفتن گفتمان سوم صحبت کرد و گفت که مرگ مهسا امینی، برای به حاشیه رانده شدن نمادی برای آنچه بود که از سر می‌گذراند. از طرفی تنوع مطالبات این اعتراضات به نحوی بود که هرگز آن را تجربه نکرده بودیم. همچنین آمار افرادی که با این اعتراضات همدل و از وضع موجود ناراضی بودند نشان‌دهنده این است که نمی‌شود این حجم از نارضایتی وجود داشته باشد اما گفتمانی شکل نگیرد. وی گفت بدون توجه به و قیاس با آنچه بر جنسیت زنانه قبل از انقلاب و امروز رفته، نمی‌توان به راه سومی رسید. گفتمان جنسیت از مشروطه به بعد، به دنبال نوعی گفتمان نوگرایانه است. عاملیت نوگرایی یک ملت به شخص شاه تحویل داده می‌شد و او هر چیزی را در قالب یک امتیاز تقدیم می‌کرد. در حوزه جنسیت نیز نوگرایی و مدرنیته به جای ارتباط با اندیشه، با تن زن و مرد ارتباط برقرار می‌کند و به تبع آن در حوزه روشنفکری نوعی ترجمه‌اندیشی به جای تولید پا می‌گیرد و مؤلفه‌های اصلی مدرنیته مثل آزادی، به رسمیت شناختن فردیت و عقلانیت اساساً مطرح نمی‌شود. در گفتمان جنسیت هم تن زن مطرح می‌شود.

پس از انقلاب نیز همچنان همان گفتمان پدرسالارانه مطرح است. گفتمان‌ها از هم تأثیر می‌پذیرند. گفتمان جنسیت تحت تأثیر گفتمان انقلاب قرار گرفت. پس از انقلاب با وجود این که افراد خودشان انتخاب کردند که چه پوششی داشته باشند، اما گفتمان جنسیت باز هم با محور زن انقلابی مسلمان، تنانه شد. در این سال‌ها استراتژی زن برای زن، ارزش‌های زنان را خواه‌ناخواه وارد جهان اجتماعی کرد و فقط آن‌هایی که از این گفتمان پیروی می‌کنند، می‌توانند پیشرفت کنند. چنین گفتمانی آن‌هایی را که خودشان توانمند شده‌اند را دچار تعارض نقش می‌کند.

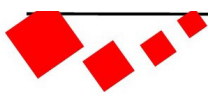
خانم مرتضی گفت که بعد از جنگ در گفتمان «سازندگی» به جهت خارج شدن فضا از رخوت، شعار دادند که زنان می‌توانند با کت و شلوار تردد یا دوچرخه‌سواری کنند و باز هم زنان ابزاری برای شادسازی و زیباسازی فضا شدند، بدون این که نقش‌های کلیدی داشته باشند. با کنار رفتن دولت اصلاحات و روی کار آمدن دولت اصولگرا، زنان دوباره به حاشیه رانده می‌شوند.

گفتمان‌ها، همه سویه‌های ایدئولوژیک دارند و نمی‌توانند تماماً بر عینیت استوار شوند. به همین دلیل این که تصور کنیم گفتمان سکولار نشانی از سنت ندارد، جعلی است. گفتمان‌ها بر اساس عینیت موجود است که زن موردنظر را بازنمایی می‌کنند و در این بازنمایی است که به قدرت نیاز دارند تا رژیم حقیقت خود را بسازند. بنابراین گفتمان سوم از سنت و مدرنیته چیزی را خواهد گرفت که ادغام می‌کند. گفتمان در خلاء به وجود نمی‌آید، بلکه با تکیه بر سویه‌های ایدئولوژیک خاص خود، راه سومی را بر اساس ارزش‌های خود می‌سازد و داوری را بر همین اساس نقایص و کمالات زنی که می‌خواهد، نشان خواهد داد. اگر دال مرکزی در گفتمان جنسیت، پدرسالاری و عاملیت با پدر است و آن را از زن و مرد انقلابی دریغ می‌کند، مانند ابژه‌هایی فاقد سوژگی که تحت عاملیتی هستند و نمی‌توانند خودشان حق انتخابی داشته باشند، در این نقطه است که زنان تازمانی مورد تأیید هستند که تحت اقتدار و گفتمان رسمی عمل کنند. وی در پایان با اشاره به اعتراضات اخیر بیان داشت که زنان خواهان بازنمایی در مقام سوژه بدنمند و نه الزاماً تنانه و دارای عاملیت در همه

ابعاد جهان اجتماعی هستند. گفتمان سوم باید از تضادهای بیرون کشیده شود و با بدن و اندیشه زنان گره بخورد و مجموعه‌ای از اندیشه‌ها و باورهای زنان را گرد آورد تا به تولید دانش برسد و این دانش را در خدمت جنسیت و سایر نیروهای حذف‌شده قرار دهد. این گفتمان تازه، نه تنها زنان را بلکه سیاست را باید بر پایه اخلاق مراقبت و نهاد مدنی دوباره بازتعریف کند و از سیاست بر پایه رقابت‌های جناحی بگذرد تا بتواند به‌طور ایجابی عدالت و برابری را برای زنان و همه جامعه به ارمغان بیاورد.



پس از انقلاب گفتمان جنسیت تحت تأثیر گفتمان انقلاب قرار گرفت



به نقد کشیدن گفتمان غالب

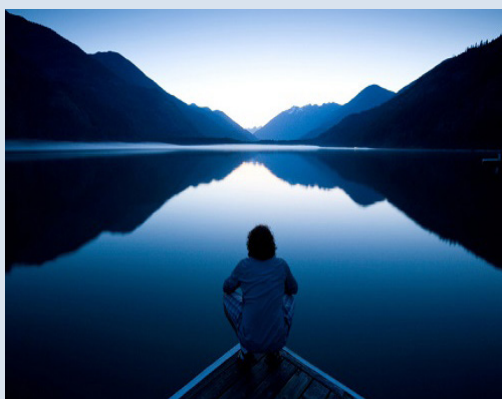
اردشیر منصوری معتقد است که جامعه‌ای که در آن التفات جمعی مختل شود، در آستانه بحران قرار دارد. وی گفت که یک جامعه هشیار مرز بین حادثه، بحران و فاجعه را باید بداند. حادثه یک اتفاق نامطلوب است که پیش می‌آید، اما زود حل و فصل می‌شود. بحران زمانی است که آن حادثه به گره بزرگ‌تر و پیامدهای بیشتری می‌انجامد و فاجعه زمانی است که اثرات نامطلوب یک بحران بدون این که مشخص باشد چه زمانی به پایان می‌رسد، همچنان ادامه دارد. جامعه ما گاهی با ندیدن بحران به سمت پاک کردن صورت مسئله و انباشت بحران‌های مغمول گام برمی‌دارد. در کی که انسان و به‌طور مضاعف زن امروز از حق خود دارد، نقطه مقابل فهم نهادینه‌شده انسان از فقه سنتی است. اتفاقی که ما با آن مواجهیم، غلبه یک گفتمان حاکمیتی با خوانش سنتی از دین است که حتی در میان دین‌داران و دین‌شناسان متکثر نیست. با این گفتمان واحد، ورودی عقلانیت‌های متکثر مسدود شده و دیگر عقلانیت عمومی تصمیم‌گیر نیست. تا حدی که شهروندی که خود را محق می‌داند، محروم از بیان آنچه برای او عقلانی به نظر می‌آید، است.

به این ترتیب، تا زمانی که بی‌قدرتان با هم ائتلاف نکرده‌اند و در جامعه شبکه‌ای شده گفتمان شکل نگرفته، نوعی گفت‌وگوی طیفی شکل می‌گیرد و گاهی میان نابرابرها این گفت‌وگو پا می‌گیرد که چندان هم با معیارهای گفت‌وگوی آزادانه و آرمانی تطابق ندارد. کسانی که معترضند نباید منادی نفی گفت‌وگو باشند، بلکه باید فرایند گفت‌وگو را با هر استدلال و اندیشه‌ای ادامه دهند. هر چند که در این شرایط گفت‌وگو بعید می‌نماید، اما اگر شرایط گفت‌وگو رعایت شود، اثری در گفت‌وگو دارد و مطلوب است.

من معتقدم که نهاد مدنی، گرچه ضعیف، ولی وجود دارد و باید برای میل گفت‌وگوی مطلوب برابر، شروطی بگذارد تا گفت‌وگوی نقادانه شکل بگیرد. ما گفت‌وگوی نقادانه را یاد نگرفته‌ایم، ولی باید آن را تمرین کنیم. همان‌طور که گلاس می‌گوید، برای گفت‌وگوی نقادانه باید به این چهار شاخص توجه کنیم: ۱. نگرش نقادانه و معطوف به حقیقت، نه مچ‌گیری؛ ۲. دانش و مغالطه‌شناسی؛ ۳. مهارت؛ ۴. تلاش. ما قطعاً در بحرانی اجتماعی و سیاسی هستیم و تا زمانی که گفتمان غالب به نقادی کشیده نشود و به التفات جمعی نرسیم، عبور از این بحران برای ما دشوار خواهد بود.



اندیشه





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۸
۳ اسفندماه سال ۱۴۰۱

اندیشه سیاسی و تحولات طبیعی



حسن اسدی

فرصت را داشته باشند و یا برای این فرصت تلاش کنند که در تولید امکان سلطه منفعت بر هزینه مسئولیت و مأموریتی داشته باشند. اما صد افسوس که تا رسیدن به چنین احتمالی، آن هم با شیوه حاکم بر حوزه تصمیم گیری حاکمیتی ما، قرن ها فاصله است.

در چرایی گرفتار آمدن در این فاصله حرف و سخن بسیار است. اما آیتم هایی وجود دارند که می شود با تأکید بر آن ها حداقل از افزایش فاصله جلوگیری کرد. آیتم هایی چون:

ارتقای درک سیاسی ما از این واقعیت که اگر در منطق خلقت بازه ای زمانی به عنوان پایان سال و آغاز سال نو در نظر گرفته شده است، این فرصت از برای آن است که به یک حسابرسی عالمانه از خودمان اقدام کنیم و به این پرسش پاسخ دهیم که

در سالی که گذشت کدام عمل و اقدام ما برای مردمان و مملکت رهاوردی در مسیر کاستن از هزینه ها داشت و به نوعی امکان آن را فراهم کرد، که بگوییم به عنوان حزب سیاسی، البته از نوع همیشه محروم و به دور از قدرت، حداقل شناختیم مشکلاتی را که در مسیر کاستن از هزینه ها بود و به زبانی شیوا بیان کردیم راه هایی را که فکر می کردیم می شود از طریق آن ها هزینه ها را به حداقل رساند، اما کسی گوشش بدان بدهکار نبود.

بله، کار بسیار کردیم و حرف با محتوای فراوانی تولید کردیم که اگر حاکمیت بدان ها گوش می داد و یا آن ها را به عنوان تلنگری بر خود تلقی می کرد، هزینه های بسیاری کاسته می شد. اما نکرد و نشد. و این از آن جهت بود که افکار عمومی مؤثر بر تغییر رفتارها شکل نگرفت و یا هم آوایی لازم در میان روشنفکران و عناصر طبقه متوسط جامعه به وجود نیامد. و این نه از آن جهت بود که سببه ما زور نداشت، بلکه از آن جهت بود که پوست آنانی که باید می شنیدند کلفت تر از آن بود که سببه ما کار گرفتند. این مهم نیاز به تراشکاری و لایه برداری بسیاری دارد که همه آن با کار بیشتر و ابرام و اصرار مصممانه تر به دست می آید. پس باید سال جدید را فرصت دیگری برای خودمان بدانیم تا ابتدا برای تولید محتوای علمی تر اقدام کنیم، و در کنار آن به همراهانی بیاندیشیم که می دانیم همچون ما درد ملک و ملت دارند و چون ما مغضوب حاکمیتی هستیم که دوست ندارند حرفی غیر از حرف او تکرار شود و با استفاده از تریبون های مختلف تلاش می کند تا صدای منتقدان خود را خاموش کند تا بلکه با گرد هم آمدن هم کوشان هم هدف بتوانیم صدایمان را چنان گسترده و پرتین کنیم که در کنار همه تریبون های حاکمیت برای برقراری رابطه با ملت به کار آید و روز هایی را به مردمان نجیب و رنجور نوید دهد که در آن همه عاملان به اعمال قدرت جز برای حل مشکلات مردم و کاستن از درد و آمل آن ها قدمی برندارند.

طبیعت در حرکتی دوار و منظم اما با تحولاتی عمیق و شگرف در درون ادامه حیات دارد و انسان در متن این نظم و تحول بی گمان محوری ترین مسئولیت ها و تعهدات را بر دمه دارد. تا جایی که با شکاف هایی که در طبیعت ایجاد می کند، انرژی بزرگی از تحولات را آزاد می سازد تا ضمن دستیابی به رفاه، تحقق منطق خلقت را ممکن سازد؛ و این میسر نمی شود مگر آنکه او بتواند با دگرگونی های مستمری که در تدبیر و یا همان مدیریت منابع و فرصت ها به کار می برد، منطق هزینه به فایده را با چربش فایده به هزینه به جلو ببرد. پس سیاست را می توان تلاشی دانست که برای تحقق امکان چربش فایده بر هزینه به کار گرفته می شود.

بر این سیاق، اندیشه سیاسی را می باید مجموعه ای به هم متصل از شناسایی مشکل و کشف راه حل های بدیع برای حل آن دانست که متفکر سیاسی آن را برای کنشگران در این عرصه تولید می کند تا ایشان بتوانند در همه گستره تصمیم سازی و تصمیم گیری، محوریت را به اقدام و فعالیتی بدهند که برای کاستن از هزینه و افزودن به سرعت تولید منابع و فرصت های جدید به کار گرفته می شود.

حزب سیاسی عبارت از مجموعه به هم برآمده ای از متفکران و کنشگران سیاسی است که وظیفه عمده خود را تولید روش های ممکن شناسایی مسئله می دانند و کمک به ارائه راه حل های لازم برای گذر از آن ها؛ چه خود قدرت را در دست داشته باشد، چه به عنوان رقیب حزب در قدرت بکوشند که با نظارت بر نحوه دخل و خرج ها امور را در جهت منافع ملی با اولویت دادن به استفاده از بهترین مدل ها به چرخش در آورد.

اندیشه سیاسی را می باید مجموعه ای به هم متصل از شناسایی مشکل و کشف راه حل های بدیع برای حل آن دانست

به تحقیق اگر این مشی در کشور ما جا بیفتد و عملیاتی شود و یا به عبارتی کار و فرهنگ سیاسی ما به سمتی حرکت کند که در آن حکمرانی تنها برای ایجاد شرایط و زمینه های سلطه منفعت بر هزینه و مصلحت به کار گرفته شود، می شود امیدوار بود که احزاب ما نیز این

بررسی اندیشه و کنش سیاسی سلامه موسی در عرصه سوسیالیسم

(بخش اول)

نویسنده: یاسمن یاری

به دنبال چاپ کتاب راقمان انقلاب اثر مشهور متفکر و نویسنده مصری-سلامه موسی- به زبان فارسی توسط انتشارات حزب اراده ملت ایران؛ شایسته دیدیم که در بخش اندیشه نشریه اراده ملت به باز نشر مقاله "بررسی اندیشه و کنش سیاسی سلامه موسی در عرصه سوسیالیسم" نوشته خانم دکتر یاسمن یاری بپردازیم. این مقاله قبلاً در نشریه مطالعات تاریخ اسلام (سال هشتم / شماره ۲۹ / تابستان ۱۳۹۵) به چاپ رسیده است. خانم دکتر یاری در این مقاله تفکر و زندگی سلامه موسی را در دو عرصه اندیشه و سیاست مورد بررسی قرار داده است. در این شماره نشریه، بخش اول این مقاله تقدیم میگردد و در شماره بعدی بخش دوم و پایانی این مقاله را تقدیم شما عزیزان خواهیم نمود.

سوسیالیسم در مصر، با متفکران غیربومی راه خود را شروع کرد؛ اندیشمندانی که از دیار شامات و از بی رهایی از استبداد سلطان عبدالحمید ثانی، راهی مصر شده بودند، اما سلامه موسی نخستین سوسیالیست مصری بود که پا به عرصه این مکتب گذاشت و در میدان اندیشه و سیاست، مجاهدت‌های فراوان کرد؛ برخلاف سوسیالیست‌های مهاجر که حوزه اندیشه را مأمونی امن برای گسترش این مکتب یافتند و پا به میدان مبارزات سیاسی نگذاشتند.

فعالیت‌های سلامه موسی در حوزه مطبوعات، نگارش کتاب و همچنین ورود به سیاست، با ایجاد نخستین حزب سوسیالیست مصری، به این او و شناخت زندگی وی، اهمیت ویژه‌ای بخشیده است. این پژوهش می‌تواند همگام با بازخوانی اندیشه‌های سلامه موسی، تصویری از سوسیالیسم مصری، آن هم در برهه‌های حساس تاریخ این مملکت ارائه دهد؛ حساس به این دلیل که درست در همین زمان، مبارزات مردمی برای کسب استقلال مصر در جریان است. انقلاب ۱۹۱۹م. در پی پایان جنگ جهانی اول آغاز می‌شود. مردم مصر همچون بسیاری از کشورهای دیگر جهان، پس از انقلاب ۱۹۱۷م. روسیه، از این انقلاب تأثیر می‌پذیرند و جهان با سوسیالیسم و کمونیسم، می‌رفت تا چهره‌های کاملاً متفاوت یابد. این موارد، اهمیت این اندیشمند را در زمانه خویش به خوبی نمایان می‌سازد و کار بر روی اندیشه‌ها و فعالیت‌های سیاسی و فکری او را برای کسانی که شناخت جریان فکری سوسیالیسم در مصر را خواستارند، لازم می‌کند.

در این پژوهش و در گام نخست، اندیشه سلامه موسی مورد بازخوانی قرار گرفته و در گام بعدی کنش سیاسی وی بررسی و

واکاوی شده است. امیدواریم که شناخت این مرد، به درک سوسیالیسم در مصر در نیمه نخست قرن بیستم کمک کند.

سلامه موسی در عرصه اندیشه

برای شناخت این متفکر سوسیالیست، باید از زندگی شخصی وی آغاز کرد. سلامه موسی متولد روستایی در هفت کیلومتری شهری به نام زقازیق است. این روستا در دوران اشغال مصر توسط ناپلئون بنا شد. سلامه در سال ۱۸۸۷م. و درست چند سال پس از اشغال مصر به دنیا آمد. او پسری درون‌گرا بود که از دست دادن پدر در دوسالگی، این درون‌گرایی را تشدید کرد، اما این انزوا، چندان بد نبود و او را مشتاق به خواندن کتاب و مطالعه کرد. سلامه موسی قبطی بود و از میان اقلیت ده درصدی جمعیت مصر برخاست. او در سال ۱۹۰۳م. و پس از گذراندن دوره دبیرستان در مدارس توفیقیه و خدیویه، توانست مدرک دوره متوسطه خویش را اخذ کند.

در اوان جوانی و در سال ۱۹۰۸م. به اروپا سفر کرد و بی‌شک این سفر، بزرگ‌ترین تأثیر را افکار این اندیشمند گذاشت. این سرآغاز برخاستن وی برای یافتن راه حلی برای نجات مصر از انحطاط بود. او در همین سال‌ها سوسیالیسم را شناخت. به جامعه فابین‌های انگلیس پیوست و در سال ۱۹۱۰م. کتاب سوپرمن را به عربی ترجمه کرد. او در این باره چنین می‌گوید: در جامعه جدید انگلیسی وارد شدم. فابین‌ها را جمعیتی متفکر و پژوهشگر یافتیم که پاسخگو به معضلات زمانه خود بودند. همه چیز در این سال‌ها در راه تغییر و تطور و در حال ذوب شدن است. سوسیالیسم در تمام اروپا در حال گسترش است و آزاداندیشان، خودشان از این رشد سریع در تعجب‌اند. در بین دست‌راستی‌ها و سوسیالیست‌ها سرگردان بودم و نمی‌دانستم که کدام را انتخاب کنم، اما در این روزها سوسیالیسم را از طریق ادبیات، بیشتر از سیاست درک کردم. مکتب تطور داروین هم‌هنوز مکتبی بیشتر علمی بود. خردگرایان بیشتر تلاش را خود بر مقاومت سلبی در مقابل کتب مقدس گذاشته بودند و کمتر به شرح و روشن ساختن حقایق موجود در تطور پرداختند، در حالی که فابین برعکس عمل می‌کرد.

این اظهارات، جنبه‌های مختلف اندیشه موسی را آشکار می‌سازد. اینکه سفر به اروپا نقطه عزیمت تفکر وی به سوی سوسیالیسم بوده، به این علت بوده است که به شدت تحت تأثیر فابین‌ها قرار داشته است و بیشتر مایل است درباره تحقیقات علمی و نظریه تکامل سخن بگوید تا وارد مسئله مذهب شود.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۷

۳ اسفندماه سال ۱۴۰۱



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۸

۳ اسفندماه سال ۱۴۰۱

سلامه از ابتدای دوران جوانی به سوسیالیسم روی آورد و تا آخر عمر به این مکتب اعتقاد راسخ داشت. او خود نیز به این مهم اشاره کرده است که عقاید او بعد از سال ۱۹۰۹ م. هیچ تغییر و یا چرخشی نداشته، بلکه فقط راه بلوغ را طی کرده است. سلامه در سال ۱۹۵۸ م. و در ۷۱ سالگی از دنیا رفت؛ در حالی که رخدادهای بزرگی را پشت سر گذاشته بود.

نخستین ویژگی اندیشه سلامه موسی، غرب گرایی او است. این گرایی، در خط به خط اندیشه‌های وی دیده می‌شود و خط سیر فکری او را آشکار می‌سازد. او درباره تمدن غرب چنین می‌گوید: ما یقین داریم که همانگونه که خورشید در شرق طلوع می‌کند، اینک این خورشید، نور خود را از غرب می‌گیرد.

سلامه به مانند دیگر همفکران خویش، در گام نخست، به سوی نظریه تکامل داروین می‌رود. اعتقاد وی به داروین بسیار عمیق است. این متفکر بسیاری از اندیشه‌های خود را با الهام گرفتن از قوانین این مکتب، توجیه می‌کرد. او خود در اینباره چنین می‌گوید: من یکی از کسانی‌ام که با نظریه داروین دگرگون شدم. تطور، نزد من مذهبی نیکو است. تطور، برای من فقط یک تفکر نیست، بلکه برای من احساس، عاطفه، عشق و روحیه است.

سلامه موسی در پی ترسیم مسیری است که بشر طی کرده تا به اتوپیایا (به قول خودش) طوبای اصلی و حقیقی دست یابد

سلامه معتقد بود که نظریه تکامل، نظریه آرزو و پیشرفت است؛ همان کلیدی است که برای ما قفل‌های ابهامات گذشته را می‌گشاید. تفاوت کسانی که نظریه تطور را درک کرده و به کنه آن پی برده‌اند، با کسانی که نسبت به آن جاهلند، مانند تفاوت میان انسانی است که ملکوت عظیم خدا را درک کرده و کسانی که عمر خویش را محبوس در صومعه‌ها گذرانند؛ زاهدانی که فقط در مورد کائنات و مخلوقات و مکنونات و اسرار گمانه‌زنی می‌کردند. سلامه در این عشق‌ورزی چنان پیش رفت که اعتقاد به نظریه تکامل داروین را دین و مذهب خویش دانست. او با مکتب داروین به صورت مستقیم درگیر نشد و دریافت‌هایش را از فلاسفه انگلیسی، به‌ویژه برنارد شاو گرفت. سلامه در مورد احساس خود به شاو می‌گوید: احساس می‌کنم می‌توانم فکر و قلب برنارد شاو را لمس و حس کنم.

موسی از عشق برنارد شاو به مکتب تکامل می‌گفت. شاو به حدی به مکتب تکامل اعتقاد داشت که حتی خواستار ایجاد وزارت تطور در کابینه دولت شد. از نظر سلامه، وظیفه این وزیر فراهم کردن روش‌ها و ایجاد تسهیلات لازم است که به ایجاد روش جدید زندگی بینجامد؛ روشی که انسان‌ها را جسماً قوی‌تر و باهوش‌تر و سالم‌تر می‌کند و نسلی در آینده ایجاد می‌کند که می‌تواند تبدیل به سوپرمن شود. سلامه از برنارد شاو بسیار آموخت و از وی به عنوان فردی یاد

می‌کرد که درباره آینده فکر می‌کند. او شاو را حکیمی می‌داند که در عصر کنونی زندگی می‌کند و نوری برای همه کسانی کاو را شناخته‌اند، محسوب می‌شود. او اذعان دارد که شکی نیست که شاو در روزگار ما، همان فرزند روحی و معنوی ولتر است. او کسی است که به آموزش اعتقاد فراوان دارد. همچنین به نظریه تطور مؤمن است. او برای انسان آینده، یک سوپرمن را آرزو می‌کرد؛ سوپرمنی که نسبت او به ما، مانند نسبت ما به میمون است. سلامه همچون شاو مسئله مبارزه برای تنازع بقا را نمی‌پذیرد و نوعی تطور جدید را تعریف می‌کند. با این پیش فرض که انسان از طبیعت پیشرفته‌تر است. طبیعت شهوت را می‌آفریند و انسان، عشق را؛ طبیعت تنازع را ارائه می‌کند و انسان تعاون را بنا می‌نهد. منطق طبیعت بر غریزه موقت قرار دارد، ولی منطق انسان بر عقل بصیر استوار است. بنابراین بنا به گفته خود سلامه، چند مورد اساسی از اندیشه‌های شاو بر ایستار وی، تأثیر مستقیم و انکارناپذیر گذاشت که اولین آنها سوسیالیسم بود؛ سوسیالیسمی که به تعبیر خود موسی، سوسیالیسم انسانی بود و با سوسیالیسم علمی مارکس تفاوت اساسی داشت. سلامه همانند شاو اعتقاد به اصل تنازع بقا نداشت. سومین اعتقادات، ایمان به علم و سلوک عملی در کنار ایمان به دین بود. او نیز به مانند شاو اعتقاد داشت که علم بدون دین، فاجعه بمب اتم را می‌آفریند. در نتیجه، با الحاد نهفته در سوسیالیسم علمی مشکل داشت و آن را رد می‌کرد.

موسی بعد از شاو، هربرت جورج ولز (۱۸۶۶-۱۹۴۶ م) را یکی از مؤثرترین اشخاص در زندگی خویش معرفی می‌کند. تفاوت این دو را در این می‌بیند که شاو به اعماق و آفاق می‌نگرد و به ماورای آن می‌اندیشد، در حالی که ولز بر روی زمین زندگی می‌کند و به زمین می‌اندیشد. سلامه در مورد ولز چنین می‌گوید: تطور انسان، از نظر شاو آنگونه است که از نظر جسمی و درونی دچار دگرگونی و تطور می‌شود، ولی ولز این تطور و تحول را در نظم و اخلاق متصور است. اینکه وسایلی هستند که قدرت‌های جدید اقتصادی را با خود می‌آورند و نتیجه آن، حرکت ملت‌های جهان به سوی یک واحد و یک ملت شدن است. ولز بلاشک پدر روح عالم جدید است و جهان را به زبان واحد و فرهنگ واحد می‌خواند، اما تأثیر ولز بر من بیشتر از تأثیر فکری صرف است. من از وی جهان وطنی را آموختم. این حس به حس ملی گرایی من افضل شد. پس نهضت ناسیونالیسم در هند برایم همان احساسی را داشت که ناسیونالیسم در مصر و همین‌طور در آفریقا. من از ولز خوی جستجوگری و کنجکاوی را کسب کردم و دانش خود را در علم، ادبیات و هنر افزایش دادم. اینکه یک مسیحی که در اقلیت جامعه مسلمان مصر قرار دارد، به جهان وطنی فکر کند، یک امر واضح و عادی است؛ آن هم زمانی که ناسیونالیسم مصری، در قسمت اعظم گفتمانی که تولید می‌کند، اسلام را به عنوان یک شاخصه هویتی معرفی می‌کند. در نتیجه، جای چندانی برای هموطن مسیحی خویش باقی نمی‌گذارد تا عرصه ناسیونالیسم را مناسب برای رسیدن به خواسته‌های خویش بداند. همین امر، افکار ولز و اعتقاد او به جهان وطنی را برای سلامه موسی جذاب می‌کند. در نهایت، تأثیر شاو و ولز، او را معتقد به سوسیالیسم فابین‌ها می‌کند و از سوسیالیسم علمی مارکس دور می‌سازد؛ همین امر کنش سیاسی وی را نیز توجیه می‌کند.

با تمام مطالبی که در بالا به آن اشاره شد، باید اذعان داشت

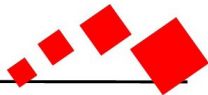


هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

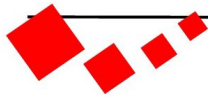
شماره ۵۷

۳ اسفندماه سال ۱۴۰۱

سر راه برمی دارد. حتی انسان در راه ترقی خویش، جان فدا می کند. اگر جامعه ای روند طبیعی خود را طی نکند و به طور اجتماعی دست نیابد، لاجرم انقلاب را به خود خواهد دید. این شکاف ایجاد شده، فقط با انقلاب پر می شود. البته این انقلاب را در صورتی تأیید می کند که جامعه، روند طبیعی پیشرفت را طی نکند. پیشرفت و تطور، همان هدف و مرادی است که تمام مصلحان جهان از انبیا، علما و فلاسفه در راه آن کوشیده اند و حتی برایش جان فدا کرده اند. این همان جام زهری است که سقراط نوشید.



با گسترش دانش و آگاهی در میان توده مردم، امکان ایجاد جامعه ای که تمام افراد آن بتوانند در سر نوشت خویش مؤثر واقع شوند، فراهم می آید



سلامه بر این باور است که مصر نتوانسته است مسیر تطور و تکامل را به صورت طبیعی طی کند. علت این شکست و عدم توفیق را نوع حکومتی می داند که در سالیان دراز مصر را تحت تسلط خویش داشته و اذهان مردم را به سوی خرافات و اوهام کشانده است. او مشکلات حکومت کنونی را اینگونه برمی شمارد:

۱. ما همه مشغول جمع آوری مال هستیم، تمام وقت خویش را مصروف آن می داریم و به کار مفید دیگری نمی پردازیم، اما در نظام سوسیالیسم، مردم فقط به اشتغال روی می آورند تا غذا، لباس و مسکن خویش را تهیه کنند. در نتیجه، ساعت یا چند ساعتی را بیشتر مصروف این امر نمی کنند، ولی ما همگی فقط به رقابت، حسد و زیاده طلبی در به دست آوردن مال می پردازیم. در حالی که باید وقت مان را به تألیف کتاب، اختراع یا اکتشاف حقیقت یا بهره بردن از سیاحت بگذرانیم.
 ۲. ما به گروه های مختلف تقسیم می شویم. گروهی ثروتمند که شکم های شان از غذاهای چرب پر شده است و گروهی دیگر، فقرایی که رمق حیات ندارند.
 ۳. وجود مشاغلی که به درد بشریت نمی خورد و در نظام ما وجود دارد و هیچ بهره ای از آن برده نمی شود؛ مشاغلی مانند وکالت، فاحشگی و قماربازی و امثال آن. این شغل ها در نظام سوسیالیسم وجود ندارد.
 ۴. در نظام ما شرافت انسانی مورد احترام قرار نمی گیرد و دروغ و خدعه امری رایج است.
 ۵. جرایم بزرگ نتیجه فقر است و نه جهل. نظام اقتصادی که به راحتی کارگر را از کار بیکار می کند، منتج به این جرایم می شود.
 ۶. جنگ و نتایج مخرب آن و همچنین علت ایجاد جنگ؛ یعنی سرمایه و اقتصاد، نتیجه عملکرد حکومت کنونی ما و مفاسد موجود در نظام اقتصادی است که آن نیز از مالکیت خصوصی نشأت می گیرد؛ و ما یادآور می شویم که سوسیالیسم علاج آن و بدیلی برای آن محسوب می شود.
- سلامه موسی می پرسد که چگونه می توان سوسیالیسم را در مصر پیاده کرد؟ در جواب می گوید: از طریق آموزش و اشاعه اصول

که اصلی ترین و محوری ترین بخش نظام اندیشگی سلامه موسی، متعلق به سوسیالیسم است. شاید واضح ترین متنی که نگاه وی به سوسیالیسم را ترسیم می کند، کتاب الأحلام الفلاسفه است. در این اثر، سلامه موسی به رؤیایی می پردازد که بر ساخته انسان درمانده از ستم مستبدان روزگار است؛ رؤیایی که با ساختن جهانی دیگر، آرزوهای هرگز تحقق نیافته انسان را برآورده کرده است. این رؤیا، سعادت را که در زمین از انسان دریغ شده است، به او عطا خواهد کرد. سپس به روند فلسفی می پردازد که از افلاطون شروع می شود. همچنین با اتوپیاها رؤیایی که تا حدی با حقایق مطابقت دارند، ادامه می دهد. این اتوپیاها سعادت انسان را زمینی می کنند. در تمام این مسیر، راهی را بررسی می کند که به سوسیالیسم منجر می شود.

سلامه موسی در پی ترسیم مسیری است که بشر طی کرده تا به اتوپیا یا (به قول خودش) طوبای اصلی و حقیقی دست یابد. این مسیری است که بر ساخته خود انسان است و از اتوپیا یا مدینه فاضله ای در جهان دیگر آغاز کرده تا به مدینه فاضله ای می رسد که فلاسفه بنا کردند. سلامه در این مسیر، سه نوع اتوپیا یا مدینه فاضله بر ساخته انسان در طول تاریخ را شرح می دهد. نوع نخست آن، مدینه فاضله عامه مردم است که در جهانی دیگر ترسیم می شود. این مدینه، تسلی دهنده نقصان های زندگی این جهانی انسان است و به نوعی این نقصان ها را تکمیل می کند. اتوپیا نوع دوم هم که توسط ادیان تصویر شده، همین گونه است. این اتوپیا در جهانی دیگر قرار دارد و منوط به تغییر نفس مؤمن است و به جزای اعمال، وعده داده شده است. پس اگر تغییر نفس و پذیرش ایمان، تعارضی با اتوپیا زمینی نداشته باشد، دین برای نظام زندگی دنیا بر روی زمین نیز آن را ترسیم می کند. در نهایت، سومین مدینه فاضله را فلاسفه تعریف کرده اند و آن امکان پیدانمی کنند، مگر به یک هدف؛ و آن هدف همان سعادت و ترقی انسان است، یا همان حیات طیبه ایست که برای راحتی فرد و توسعه و پیشرفت نسل های بعد ساخته می شود. بدینگونه سلامه موسی در این کتاب سیری را مورد بررسی قرار می دهد که فلسفه طی کرده است تا به اتوپیا حقیقی برسد. البته در بررسی این روند، فقط به فلسفه غرب می پردازد و هیچ گونه اشاره ای به فلسفه شرق و سهم آن نمی کند. در بررسی فلسفه غرب نیز روند را به گونه ای پیگیری می کند تا به سوسیالیسم برسد. به صورت مشخص به سراغ سوسیالیسم تخیلی رفته و از آن آغاز کرده است. در نهایت، سلامه موسی به این مکتب به عنوان درمانی در مقابل دردهای انقلاب صنعتی می پردازد. او می گوید: عجیب نیست که لفظ سوسیالیسم در حوالی سال ۱۸۲۵م. به این جریان داده شده است و نظام سوسیالیستی همان اتوپیا است که انسان به دنبال آن قرن ها مجاهدت کرده است. امری که خواست کارگران بوده و توسط ایشان به شکوفایی رسیده است.

پس از تغییر اوضاع سیاسی در ملت های غربی، ایشان به ایجاد این سعادت یا چیزی شبیه به آن متمایل شدند. این سوسیالیست ها بودند که از بی عدالتی موجود پرسش کردند و خواستار عدالت و مساوات شدند و راهکارهایی ارائه دادند که سازنده یک جهان بهتر بود.

از سوی دیگر، سلامه رسیدن به طوبی را امری برخاسته از تطور و تکامل اجتماعی می داند. این تطور امری حتمی و اجتناب ناپذیر است. تمایل به تلاش برای نیل به این تکامل، به حدیست که هر سیستم اجتماعی را که مانع نیل به آن باشد، از



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۸

۳ اسفندماه سال ۱۴۰۱

حکومت پارلمانی، دموکراسی و سوسیالیسم در میان مردم، این امکان به وجود می آید. با ورود تدریجی بعضی از این اصول به بدنه حکومت، تا به مردم نوشیده شود، راه هموار می گردد؛ تا مردم، قدر آن را بدانند و متوجه اهمیت سوسیالیسم شوند. این امر با پیشرفت آموزش و تنویر مردم توسط مطبوعات امکانپذیر است. بنابراین راه رسیدن به سوسیالیسم را یک حکومت دموکرات می داند. البته معتقد است که اقلیت روشنفکر بایستی در گام نخست این حکومت را بنا نهند. با گسترش دانش و آگاهی در میان توده مردم، امکان ایجاد جامعه ای که تمام افراد آن بتوانند در سرنوشت خویش مؤثر واقع شوند، فراهم می آید. او این جامعه را جامعه علمی می نامد. پس راه گذار به جامعه ای سوسیالیست را دستیابی به دموکراسی می داند. سوسیالیسم باعث بازگشت ثروت مردم به دست خودشان می شود و دست استعمار را در بهره کشی از مصریان می بندد. این آرزو به تدریج و با آموزش به دست می آید. او با نظر شاو در مورد انقلاب موافق است و انقلاب را امری شکست خورده می داند. اما در صورت اجبار و عدم پیشرفت جامعه به سوی سوسیالیسم، به اجبار آن را می پذیرد. در نتیجه از این نظر، دیدگاهش تفاوت زیادی با سوسیالیسم علمی دارد. در نهایت، علاقه وافری به مارکس نیز منجر به گرایش وی به مارکسیسم نشد و آنچه ارائه می دهد آمیزه ای از سوسیالیسم تخیلی و علمی است. سلامه از اینکه او را کمونیست معرفی کنند، واهمه داشت و بارها از این موضوع صحبت کرده است. شاید ایستار خاص وی، به دلیل ملاحظات

اجتماعی و سیاسی مصر بوده باشد.

در مجله جدیدیه از سلامه موسی پرسش شده بود که چه تفاوتی میان سوسیالیسم، فابین، بلشویسم و کمونیسم وجود دارد؟ در پاسخ گفته: سوسیالیسم در حقیقت به صورت تدریجی و از طریق پارلمانی و قانونی جلوی بهره کشی از کارگرانی را که روی زمین، در بخش صنعت یا معدن کار می کنند، می گیرد. نظام سوسیالیستی، پست، راه آهن، آموزش و بهداشت و بیمارستان ها را در مصر تا حد زیادی اشتراکی می کند. بدینگونه این ثروت های ملی در دست حکومت قرار می گیرد، نه در دست افراد. سوسیالیسم دوست ندارد این بخش ها به صورت خصوصی اداره شود و هیچ کنترل حکومتی بر آنها صورت نگیرد. کمونیسم و بلشویسم و غیره چنین اهدافی دارند، ولی روش رسیدن به این اهداف، برایش متفاوت است. آنها به انقلاب و قیام اعتقاد دارند، به همان روشی که در روسیه رخ داده است. سوسیالیسم به دنبال رسیدن به خواست های خود به صورت تدریجی و از مجرای قانونی است، اما فاشیسم ایتالیا و کمونیسم شبیه کمونیسم روسی، با روی آوردن به خشونت و عنف و از طریق قهری (که فقط به ضرر مردم به پایان می رسد)، به دنبال دستیابی به هدف خویش اند.

آنچه در نظام اندیشگانی سلامه موسی مشاهده شد، بخشی از آن به واسطه تأثیر ناشی از محیط اجتماعی و سیاسی زمانه است که در کنار شناخت عرصه سیاسی که سلامه موسی در آن فعالیت داشت، قابل درک می شود.



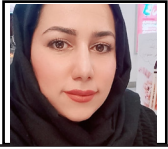


گفتگو



حسن هانی زاده، تحلیلگر روابط بین الملل در گفت و گو با اراده ملت عنوان کرد:

پکن نشان داد شراکت راهبردی با جمهوری اسلامی برایش اهمیت دارد



فائزه صدر

Facehsadr7@gmail.com

اخیر خود به عربستان، با بی توجهی به نقش برجسته ایران در منطقه، رفتاری تاجر مأبانه داشت و نسبت به ایران و تمامیت ارضی کشورمان موضع گیری درستی اتخاذ نکرد. محمد بن سلمان با دعوت از چین قصد داشت فضا سازی گسترده ای علیه ایران فراهم کند. ولیعهد ماجراجوی عربستان سعی کرد ضمن اینکه با نزدیکی به چین به آمریکا اخطار می دهد با این فضا سازی جدید اش چنین القا کند که چین با نزدیکی به اعراب خلیج فارس از ایران جدا شده و در جبهه سیاسی اعراب منطقه قرار گرفته است. در مقابل پکن با دعوت رسمی از رئیس جمهور ایران نشان داد که شراکت راهبردی با جمهوری اسلامی برایش اهمیت ویژه ای دارد و این دوستی در سایه هیچ رابطه یا داد و ستدی قرار نمی گیرد. البته نباید دو طرفه بودن این رابطه را نادیده گرفت. چین عضو دائم شورای امنیت است و در طول دهه های گذشته، بزرگترین و پایدارترین داد و ستد های اقتصادی ایران با این کشور انجام شده همینطور چین در دوره های مختلف تحریم هادر کنار ایران ایستاد و یک متحد استراتژیک برای جمهوری اسلامی محسوب می شود. پس ایران نیز نباید اجازه دهد که رابطه سیاسی و اقتصادی اش با چین دستخوش تنگ نظری ها و رقابت های منطقه ای شود.

جدا از نقش تبلیغاتی و سیاسی این دیدارها، چه دستاورد هایی را می توان بر این سفر برشمرد؟ آیا با وجود تحریم ها می توان به دستاورد های این سفر دل بست؟

اولین دستاورد این سفر را باید حول اجرایی شدن مفاد سند همکاری های راهبردی ۲۵ ساله ایران و چین دانست. این توافق نامه به نوبه خود یکی از مهم ترین سند های همکاری بین دو کشور در منطقه و جهان است، همانطور که دیدیم در زمان تدوین این سند چه هجمه هایی بر آن شد و همین نشان دهنده درجه اهمیت این توافق است. سفر رئیس جمهور ایران به پکن می تواند زمینه اجرایی شدن این سند را فراهم کند که ظرفیت های اقتصادی و سیاسی بزرگی در دل خود دارد. اجرای مفاد این سند، سقف همکاری های دو کشور را افزایش می دهد. همچنین این سفر فضای شراکت راهبردی ایران و چین را تثبیت می کند. منطقه و جهان به تصویر جدیدی از رهبران دو کشور در کنار هم نیاز داشت تا دشمنان منطقه ای و جهانی ایران و چین متوجه اتحاد راهبردی باشند که از مدت ها پیش در شرق شکل گرفته است. تجارب چند دهه گذشته نشان داده که نمی توان با غرب به توافق رسید. ضمن اینکه در توافق های حاصل شده نیز شاهد عهد شکنی غرب بودیم. از این رو تقویت همکاری



اراده ملت، فائزه صدر: در هفته ای که گذشت رئیس جمهور در راس هیاتی بلند پایه عازم پکن شد. تبلیغات فراوان رسانه های داخلی از روزها پیش از این سفر آغاز شد و همواره تاکید بر این بود که این سفر رسمی به دعوت رئیس جمهور چین انجام شده است. گزارشات منتشر شده از این سفر حاکی از آن است که طی دیدار های انجام شده، ۲۰ تفاهمنامه اقتصادی در حوزه های مختلف از جمله کشاورزی، ترانزیت، حمل و نقل، ارتباطات و انرژی به امضای مسئولان دو کشور رسیده است. با توجه به اینکه چین بزرگترین شریک تجاری جمهوری اسلامی ایران به شمار می رود، با وجود تمامی تبلیغات و بزرگنمایی ها باز هم نمی توان نقش دیدار سران دو کشور بر اقتصاد و سیاست ایران را نادیده گرفت اما نظر تحلیلگران مستقل نشان می دهد که تا سایه تحریم ها از سر ایران کم نشود، نمی توان به دریافت تاثیر مثبت توافقات فی مابین ایران و چین دل بست. راده ملت در رابطه با این سفر گفت و گویی با حسن هانی زاده، تحلیلگر حوزه بین الملل انجام داده که در ادامه می خوانید:

تبلیغات گسترده ای در مورد سفر رئیس جمهور به چین انجام شد. چرا توجه به این سفر تا این اندازه مهم است؟

چین به دنبال دلجویی از ایران است. با توجه به روابط راهبردی ایران و چین پیش بینی می شد که بعد از رفتار غیردوستانه ای که رئیس جمهور چین در عربستان نسبت به ایران داشت، این کشور به ترمیم روابط اش با ایران اقدام کند. چین برای حضور خود در خاورمیانه به تایید جمهوری اسلامی ایران نیاز دارد، اما رئیس جمهور چین در سفر



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۸

۳ اسفندماه سال ۱۴۰۱



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۷

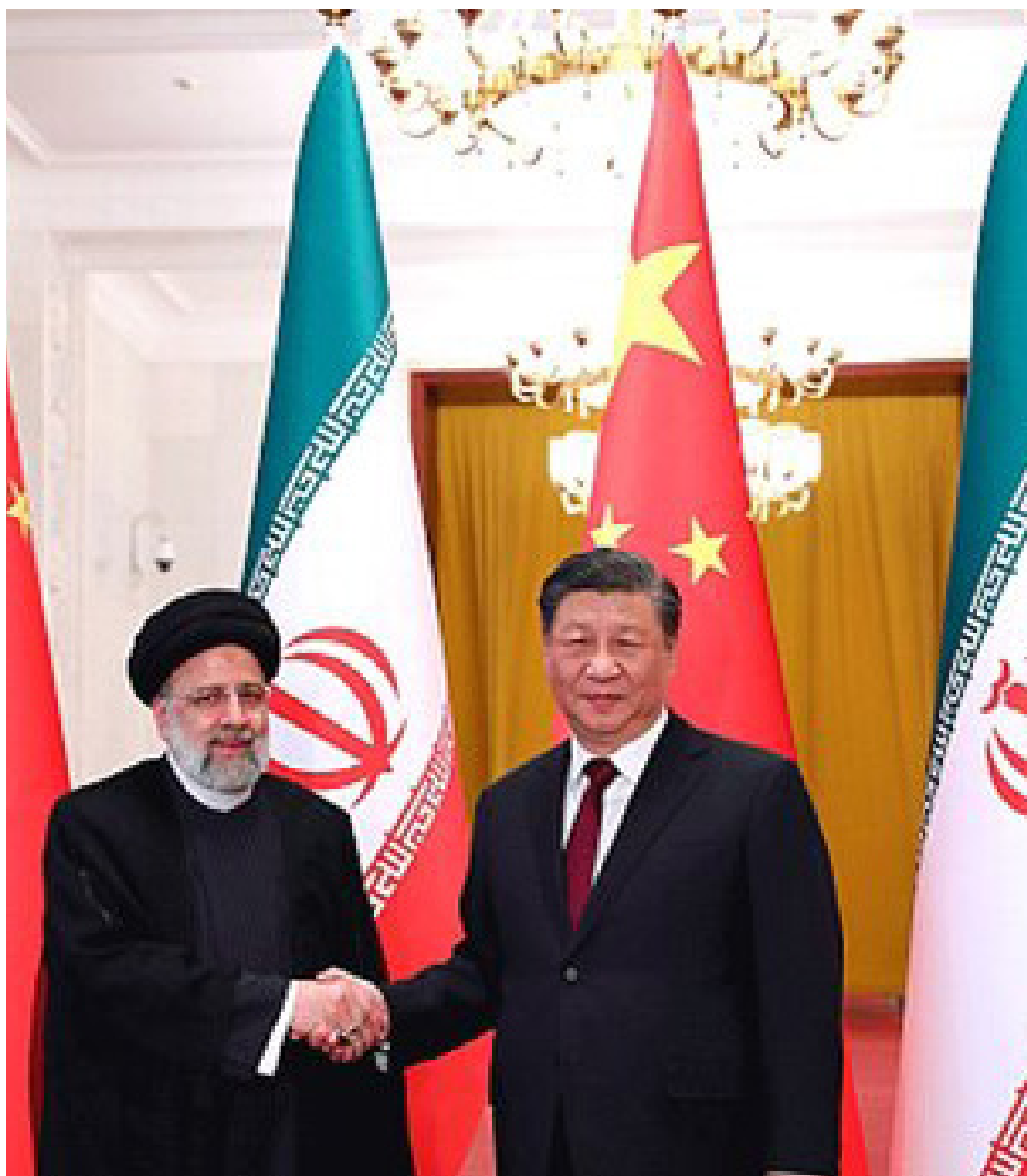
۳ اسفندماه سال ۱۴۰۱

برای ایجاد بحران در چین مرتبا در سایه رشد اقتصادی این کشور قرار گرفته است و سرخوردگی عمیقی در آمریکا نسبت به موقعیت صعودی چین در رده بندی های جهانی وجود دارد. از این رو امروز آمریکا پروژه افزایش چین هراسی در شرق آسیا را دنبال می کند و در صدد ایجاد بحران بین چین و تایوان است. اما چین با درسی که از بحران اوکراین گرفته از گرفتار شدن در تله تایوان پرهیز می کند. هرچند که ظرفیت آمریکا برای تقابل هم زمان با روسیه و چین بسیار پایین است. در این فاصله چین به غرب نشان داده از فرصت نبود آمریکا در منطقه به خوبی استفاده می کند و در حال شکل دادن به اتحادی جدید در شرق است.

ها با کشوری مثل چین که دومین قدرت اقتصادی جهان است، برای ایران که در تحریم غرب قرار گرفته است ضرورت دارد.

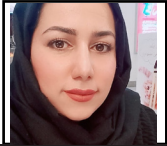
با توجه به این خصومت بین آمریکا و چین در حال فزونی است، پیام این سفر برای آمریکا چیست؟

تنش بین آمریکا و چین، تنشی جدی است. اما رابطه چین و آمریکا از جنس ارتباطات معمول جهانی که بین دو قدرت بزرگ وجود دارد نیست، چون اقتصاد این دو کشور در هم تنیده است. از این رو تلاش های آمریکا برای تضعیف چین دائما به بن بست می خورد. تئوری های آمریکا



عبدالرضا فرجی راد، دیپلمات پیشین در گفت و گو با اراده ملت عنوان کرد:

اجرایی شدن توافق ایران و چین برنامه ریزی غرب را به هم می زند



فائزه صدر

Faehsadr7@gmail.com

حالتی از انزوای، خصومت و تنش را تجربه می کند. در حالیکه وقتی تحریم شده ایم باید از ظرفیت همسایگانی که پیرامون کشور وجود دارند بهره ببریم اما ژئوپولیتیک بسته جمهوری اسلامی باعث می شود حلقه تحریم هارا آنچنان تنگ کنند که همسایگان با وجود داد و ستد با ایران متحمل ضرر شوند و از ادامه ارتباطشان پشیمان شوند.

با توجه به نزدیکی ایران و چین، آیا می توان مدل اقتصادی چین در مسیر توسعه را الگوی خوبی برای ایران دانست؟

اقتصاد رابطه ای تنگاتنگ با سیاست دارد و از تصمیمات سیاسی تأثیر مستقیم می گیرد. درهای اقتصاد کشور وقتی باز می شود که ابتدا درهای سیاست خارجی باز شده باشند. کشور برای بهبود در حوزه اقتصاد نیاز دارد که با دنیا در ارتباط باشد تا سرمایه جذب کند، تولید را افزایش دهد و بازار هایی برای محصولاتش داشته باشد. اشتباه است اگر فکر کنیم ریاضت اقتصادی قفل فقر را می شکند! قفل فقر با کلید باز شدن درهای سیاست خارجی گشوده خواهد شد. فقر وقتی از بین می رود که رشد اقتصادی داشته باشیم و برای این منظور باید پذیرنده سرمایه های خارجی باشیم. سیاست چین بعد از مائو مدارا با جهان بود و با این شیوه سرمایه جذب کرد و تولید را افزایش داد و فرصت های شغلی ایجاد کرد و فقر را از زندگی میلیون ها چینی زدود. چین کمونیست برای بهبود وضعیت اقتصادی کشورش سیاست های ریاضت اقتصادی را دنبال نکرد و درهای کشور را باز کرد و از سرمایه های غرب استقبال کرد. چین توانست از تکنولوژی و سرمایه ای که در دنیا وجود داشت برای رشد و توسعه استفاده کند و امروز می بینیم به چنین مرحله ای رسیده و غرب توان رقابت با این کشور را ندارد. مدارای چین با جهان بود که باعث شد کشورهای غربی روی چین که جمعیت عظیم و نیروی کار ارزان دارد، سرمایه گذاری کنند.

آیا می توان دعوت از رئیس جمهور ایران را حرکتی با انگیزه های تبلیغاتی و در حوزه تنش بین چین و آمریکا تحلیل کرد؟

وقتی توافق ۲۵ ساله بین ایران و چین تنظیم شد و خبر آن در رسانه ها منتشر شد بایدن در روز نخست انتشار این خبر اعلام کرد که مانگران هستیم. اگر توافق ایران و چین به قرارداد های عملیاتی منجر شود برنامه ریزی غرب برای ایران کاملاً به هم خواهد خورد. این رو آمریکا به شدت نگران اجرایی شدن این توافق است. در شرایط فعلی که تنش بر روابط بین پکن و واشنگتن حاکم شده است چین با به میان آوردن پای این توافق به رسانه ها به آمریکا پیام می فرستد که پکن و تهران کار تجاری و اقتصادی خود را از سر خواهند گرفت. با توجه به اینکه یک سال از زمان انعقاد این تفاهم نامه گذشته و کاری صورت نگرفته، در این مقطع فعال شدن دو طرف بر سر ظرفیت های این توافق می تواند پیامی از چین برای آمریکا باشد.



اراده ملت، فائزه صدر: سفر رئیس جمهور ایران به چین در میانه تنش پکن و واشنگتن انجام گرفت. اگر چه این سفر برای ایران در راستای تقویت روابط اش با کشوری دوست تعریف می شود اما از نگاه میزبان می توان به انگیزه های دیگر چین از این دعوت اشاره کرد. رابطه با چین شاهرگ حیاتی اقتصاد جمهوری اسلامی است. همچنین چین باز یگر قدرتمندی در ماجرای احیای توافق هسته ای به شمار می رود. اما دعوت از رئیس جمهور ایران می توان پیامی از پکن به واشنگتن باشد. اراده ملت در گفت و گو با عبدالرضا فرجی راد، دیپلمات پیشین به بررسی این موضوع پرداخته که در ادامه می خوانید:

سفر اخیر رئیس جمهور به چین با پوشش رسانه ای گسترده ای همراه بود. آیا این سفر می تواند آنطور که مورد توجه قرار گرفته موثر و پر برکت باشد؟

ایران در قدم اول باید توافق برجام را به امضا برساند. عدم احیای این توافق هر نوع دستاوردی در هر زمینه ای و با هر کشوری را در پوشش قرار داده و مانع از بالا رفتن ظرفیت های تجاری و اقتصادی کشور شده است. قدم بعدی نیز تعریف جدیدی از شرح وظایف در حوزه سیاست خارجی است که در استراتژی ژئوپولیتیک کشور تعریف می شود. وضعیت امروز ایران نشان می دهد که باید با تعریفی جدید در این حوزه کار کنیم تا از انزوایی که امروز در آن قرار داریم خارج شویم. آمار هایی از میزان مراودات ایران با برخی از همسایگانش وجود دارد و کالایی می آید و می رود ولی این میزان مراوده اقتصادی در شان کشوری نیست که خود را قدرت منطقه معرفی می کند! جایگاه اقتصادی و درآمد سرانه ای که امروز در ایران وجود دارد در شان ملت نیست. با توجه به دشمنانی که در منطقه و در جهان داریم، قدرت نظامی برای کشور لازم است ولی قدرت اقتصادی نیاز اول ایران است. در شرایط فعلی ضرورت قدرت اقتصادی بیشتر از لزوم قدرت نظامی حس می شود زیرا بهبود وضعیت اقتصادی کشور است که رضایت ملت را جلب می کند. رضایت در داخل است که به حاکمیت قدرت می دهد. انزوای ژئوپولیتیک در حوزه اقتصادی ایران را ضعیف می کند. امروز کشور حتی در قبال همسایگانش



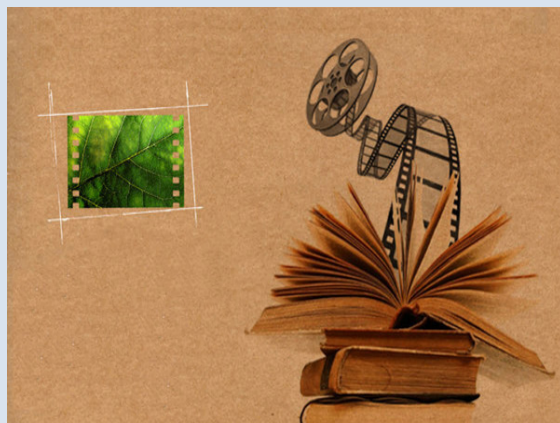
هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۸

۳ اسفندماه سال ۱۴۰۱



معرفی و پیشنهاد



بایکدیگر روبه رو شویم، جهان و اندیشه هایمان را لمس کنیم، چرا که حقیقت همین است.



راضیه گمار

r.gomar901@gmail.com

نام اثر: «انسان» Human

کارگردان: یان آرتوس برتراند

ژانر: مستند

محصول: فرانسه

سال انتشار: ۲۰۱۵

زبان: انگلیسی، فرانسوی



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۸

۳ اسفندماه سال ۱۴۰۱

مستند «انسان» داستانی تماشایی محصول کشور فرانسه به کارگردانی یان آرتوس برتراند است که در سال ۲۰۱۶ میلادی منتشر شد.

«انسان» شامل مجموعه‌ای از داستان‌هایی از افراد بشر و ماهیت دنیایی است که تلاش دارد معنای واقعی انسان بودن را به مخاطب نشان دهد. داستان‌هایی سرشار از تناقض‌های بشری با بن‌مایه عشق، شادی و همچنین تنفر و خشونت. مستند «انسان» به ما این امکان را می‌دهد تا به جهان طوری دیگر نگریم و درباره انسان بودنمان و هم‌نوعان خود کمی تأمل کنیم.

طرح اصلی این مستند با بیان ۴۰ سؤال مشخص در مصاحبه‌چهره به چهره با انسان‌ها شروع می‌شود و انسان‌هایی مختلف با چهره‌ها و لباس‌ها و زندگی‌هایی متفاوت که شامل ۲۰۰۰ فرد از ۶۰ کشور جهان هستند، در این مستند سخن می‌گویند. مخاطب شاهد مواجهه‌چهره به چهره با دیگر انسان‌ها از تمام جهان است تا در نهایت به این سؤال برسد که معنای انسانیت چیست؟ فیلم در واقع منعکس‌کننده داستان‌های زندگی هرروزه ما و تجربه‌ای از زیست انسان است که گاه برای دیگری باورکردنی نیست. در مصاحبه‌های این مستند، شما انسان‌ها را در زمینه‌های بسیار ساده و متمایز می‌بینید، زمینه‌ای سیاه، قاب دوربین یکسان و بدون هیچ گونه موسیقی در متن سخن‌ها، به صورتی که از کشور و نام مصاحبه‌شونده هیچ اطلاعاتی در دست نیست. گویی کارگردان می‌خواهد در پس این اختلافات و تفاوت‌ها، اشتراک ذات بشر را یادآوری کند.

نگاهی از چشم پرنده به انسانیت، با ترکیبی از مصاحبه‌های مختلف و تصاویر بی‌نظیر از اجتماعات متمایز انسانی و طبیعت، با رنگ‌بندی‌های فوق‌العاده، انسان را به عمق نگاه ناظرانه به هستی و بشریت می‌برد و سپس اشک‌های دختر بچه‌ای با گذشته‌ای سیاه قلبت را می‌فشرد.

و لازم است بدانیم که:

هر ذره که در هوا و در هامونست

نیکو نگرش که همچو ما مجنونست

هر ذره اگر خوش است اگر محزونست

سرگشته خورشید خوش بیچونست



آیا خلیقات ایرانیان ضعف‌هایی دارد؟



علیر ضامالمیر

Malmira287@gmail.com

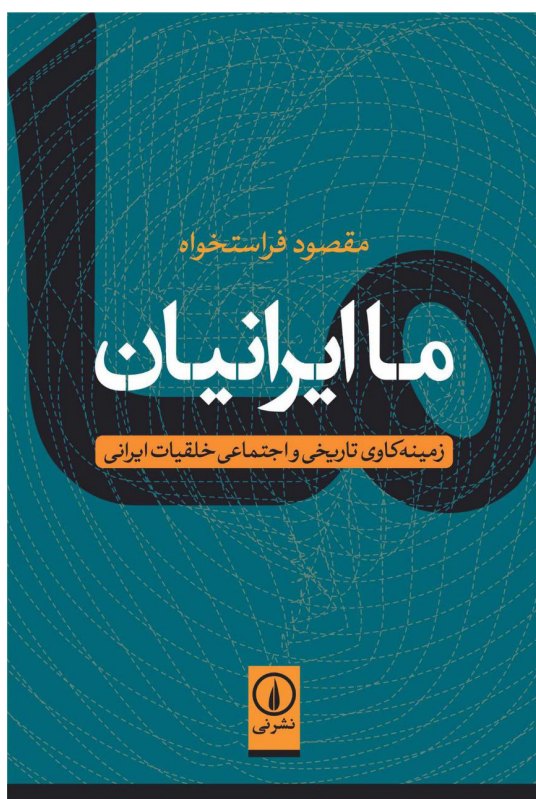
معرفی کتاب «ما ایرانیان»
نویسنده: مقصود فرستخواه
نشر: نی
تعداد صفحه: ۲۷۸



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۷

۳ اسفندماه سال ۱۴۰۱



«ما ایرانیان» اثری است به قلم مقصود فرستخواه درباره زمینه تاریخی و اجتماعی خلیقات ایرانی که رفتارهای ایرانیان را از این دریچه بررسی می کند. ما ایرانیان در واقع نتیجه تحقیقات گسترده مقصود فرستخواه است که به شکل سخنرانی هایی از وی در نیمه دوم دهه هشتاد شمسی ایراد شده است. آنچه در اصل در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته، پاسخ به این سؤال است که آیا به خلیقات و رفتار ما ایرانیان ضعف هایی وارد هست؟

در پاسخ به این سؤال ۹۶ درصد از جامعه آماری، متشکل از اعضای هیئت علمی و گروهی از نخبه های کشور، پاسخ مثبت داده اند. آن ها مشکل را در ضعف فرهنگ کار جمعی، انتقادپذیری، رودربایستی، عدم شفافیت، خودمحوری، غلبه احساسات بر خردورزی، رواج دروغ و رفتارهای غیر قابل پیش بینی برشمرده اند. آن ها عوامل معرفتی، کاهش سرمایه های اجتماعی، ساختار دولت، مناسبات دین و دولت، نوع آموزه های دینی، پر حادثه بودن تاریخ، مناسبات تولید و ساختار اقتصادی و کشمکش نخبگان را بر خلیقات ایرانی مؤثر دانسته اند و برای حل این مشکل آموزش مداوم، برنامه های توسعه فرهنگی و اجتماعی، وضع قوانین خوب، تقویت اجتماعات محلی و نهادهای عمومی، ایجاد رفاه و فقرزدایی، توسعه سیاسی و اصلاح نهاد دولت را پیشنهاد داده اند.

در کتاب «ما ایرانیان»، خلیقات ایرانیان، ضعف ها و راه حل های رفع آن بانگاهی علمی مورد واکاوی و مطالعه قرار گرفته است.

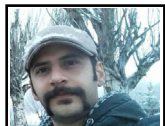
فرهنگ، الگوهای آموخته ای است که خود را با تجلیات متنوع اجتماعی نشان می دهد. به این معنا نمی شود فرهنگ را به خلق و خواها، عادات و روحیات فرو کاست. این الگوهای آموخته عناصر گوناگونی را در بر می گیرد و تجلیات فرهنگی متنوعی را منعکس نمی کند. بنابراین در بررسی فرهنگ باید دو نکته را در نظر داشته باشیم:

۱. تقلیل گرایی و نگاه جامع و کامل به همه و جوه و ابعاد فرهنگ نداشته باشیم.
۲. نگاه ایستا و ذات باورانه به روح ایرانی موجب نادیده گرفته شدن منطبق تحول و پیچیدگی در فرهنگ و نگارش ها و گرایش ها و رفتار جمعی ایرانیان می شود.

ضعف فرهنگ کار جمعی، آزردگی از انتقاد، رودربایستی زیاد، تعریف و تمجید در حضور دیگران و قضاوت های منفی در غیاب هم، پنهانکاری و عدم شفافیت، خودمداری، چیرگی احساسات بر خرد و رواج دروغ از مؤلفه های بحث انگیز خلیقات ایرانی هستند.

خواندن این کتاب را به کسانی که دغدغه مند ایران و ایرانیان هستند، پیشنهاد می کنیم.

زنی پیشگام در امنیت بین الملل



حامد نامجو

Hamed.namjoo@gmail.com

می دانست که موانع این راه بسیار زیاد است. میراث کاترین نسل های زنان جوان و با استعداد است که اکنون در امنیت ملی و بین المللی کار می کنند. کتر دکترای خود را در علوم سیاسی از مؤسسه فناوری ماساچوست در سال ۱۹۶۷ با رساله ای به نام معضلات هسته ای آلمان، ۱۹۶۵-۱۹۵۵ دریافت کرد. با تخصصی که در مطالعات امنیتی و دفاعی داشت، درباره طیف وسیعی از مسائل امنیتی و دفاعی نوشت، اما اساسا در مورد امنیت اروپا و با علاقه به موضوع روسیه به فعالیت پرداخت.

او نویسنده بیش از ۷۰ کتاب، تئنگاری و مقاله است. کتابش در مورد سیاست سلاح های هسته ای آلمان هنوز یک کتاب کلاسیک در نظر گرفته می شود. در تعدادی از دانشگاه ها از جمله دانشگاه مرلند، دانشگاه براون، دانشگاه کلمبیا، دانشکده مطالعات بین المللی جوزف کوربل در دانشگاه دنور و کالج جنگ دریایی تدریس کرد.

در دوران تصدی خود در دانشگاه مرلند، در کالج پارک، مدیر مؤسس مرکز مطالعات بین المللی و امنیتی در دانشگاه مرلند (CISSM) و همچنین بنیانگذار WIIS بود. از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۱، مک کتر به عنوان مدیر مؤسسه آسپن برلین فعالیت کرد.

دکتر کتر که برای خدمات عمومی خود توسط هر دو دولت آمریکا و آلمان تجلیل شده بود، مدال خدمات عمومی ممتاز وزارت دفاع، مدال مدیر از سازمان اطلاعات دفاعی و صلیب افتخار طلا از نیروهای مسلح فدرال آلمان دریافت کرد.

از نوشته های اخیر او می توان به دفاع موشکی منطقه ای از دیدگاه جهانی (با ویرایش مشترک پیترو دامبروفسکی) و رسیدن به صفر: مسیر خلع سلاح هسته ای (ویرایش مشترک با جودیت رپی) اشاره کرد.

دکتر کاترین مک آردل کتر (۱۹ ژانویه ۱۹۳۹ - ۱۵ فوریه ۲۰۲۳) یک محقق، نویسنده، استاد، مربی، تحلیلگر، و دانشمند در مطالعات امنیت ملی و بین المللی در ۸۴ سالگی درگذشت. او جزو زنان پیشگام و مؤثر در زمینه امنیت ملی و بین المللی بود.

در سال ۱۹۸۸، کتر به عنوان اولین رئیس، سازمان زنان در امنیت بین المللی (WIIS) را تأسیس کرد و مدت ها در آنجا فعالیت کرد. در مصاحبه ای، وقتی از وی پرسیده شد که چرا WIIS را تأسیس کرد، پاسخ داد: «من WIIS را عمدتا به دلیل عصبانیت شروع کردم. واضح بود که زنان واجد شرایط زیادی در سن من در بسیاری از زمینه ها وجود داشتند که به کنفرانس ها دعوت نمی شدند و پیشنهاد شغلی دریافت نمی کردند. به سادگی به آن ها فکر نمی شد. از روی میزت می توانی به اطراف دفتر نگاه کنی و بیش از یک زن را نخواهی دید.»

کتر در زمانی که زنان تنها ۱۴ درصد از مناصب برتر را در اختیار داشتند، در شورای امنیت ملی در دوره ریاست جمهوری کارتر خدمت می کرد. او به عنوان معاون دستیار وزیر دفاع در امور روسیه، اوکراین و اوراسیا و نماینده وزیر دفاع در ناتو نیز در دولت کلینتون منصوب شد.

تعداد اندک زنانی که در پست های بالای دولتی در اختیار داشتند، او را واداشت تا برای ایجاد WIIS به بنیاد فوردم مراجعه کند. در آن زمان، هیچ زمینه فعالیتی برای زنان در عرصه امنیت بین الملل وجود نداشت و همچنین هیچ مسیر و فرصتی برای زنان برای ورود به پست های رهبری عالی وجود نداشت.

وی به عنوان استاد دانشگاه مرلند، زنان جوان بیشتری را که علاقه مند به اشتغال در امنیت بین المللی بودند تربیت کرد. با این حال، او به تجربه



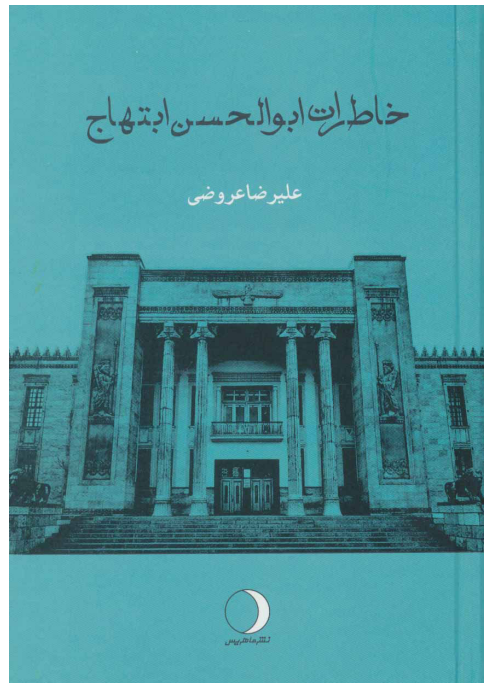
هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۸

۳ اسفندماه سال ۱۴۰۱



ابوالحسن ابتهاج و برنامه توسعه



جامعه اهل فرهنگ، شاعر دوست و ادیب پرور ایران ابوالحسن ابتهاج را به عنوان عمومی هوشنگ ابتهاج (سایه) می شناسد. اما واقعیت این است که برای بررسی اقتصاد معاصر ایران نمی توان به راحتی از کنار نام ابوالحسن ابتهاج گذشت. او از پایه گذاران اصلی اندیشه توسعه و به کارگیری دانش برنامه ریزی برای توسعه اقتصادی در ایران بود. او هشتم آذرماه ۱۲۷۸ زاده شد و در ششم اسفندماه ۱۳۷۷ در لندن درگذشت. خوش بختانه فایل های صوتی و متن مصاحبه مفصل و شایان توجه او به کوشش حبیب لاجوردی (مجموعه تاریخ شفاهی) در دسترس است. هم چنین کتابی با عنوان «خاطرات ابوالحسن ابتهاج» به کوشش علیرضا عروزی منتشر شده است.

ابتهاج مدارج ترقی را یک به یک پیمود. در آغاز مترجم یک افسر انگلیسی در رشت بود. سپس به استخدام بانک شاهنشاهی ایران درآمد و بعدها مدیر دارالتربیه و بعدتر از مدیران ارشد بانک شد و به سمت معاون بازرسی کل برگزیده شد. به دعوت علی اکبرخان داور به وزارت مالیه رفت. سپس معاون بانک ملی ایران شد. در سال ۱۳۱۹ رئیس بانک رهنی و از دی ماه ۱۳۲۰ برای هفت سال مدیرعامل بانک ملی ایران بود. بانکی که می توان گفت وظایف بانک مرکزی را برای دولت ایران ایفا می کرد و حق انحصاری نشر اسکناس در ایران را در اختیار داشت. از سال ۱۳۳۹ به مدت دو سال سفیر ایران در فرانسه شد و سپس به مدیریت بخش خاورمیانه صندوق بین المللی رسید. ابتهاج بین سال های ۱۳۳۳ وارد مهم ترین و تأثیرگذارترین مقطع مدیریتی خود شد و به عنوان مدیرعامل سازمان برنامه و بودجه مشغول شد.

در آن مقطع، برنامه های توسعه کشور نه پنج ساله بلکه هفت ساله بود. برنامه عمرانی اول از سال ۱۳۲۷ تا سال ۱۳۳۳ ادامه داشت و به علت حوادث بسیار مهم سیاسی که در این مقطع روی داد، چندان مورد توجه نبود. حضور ابتهاج در سازمان برنامه و بودجه با سال پایانی برنامه یکم هم زمان شد. او و کارشناسان این سازمان آغاز به تدوین برنامه عمرانی دوم کردند. برنامه ای که از سال ۱۳۳۴ تا ۱۳۴۰ در کشور اجرا شد.

ابتهاج دفتر اقتصادی در سازمان برنامه را تأسیس کرد و توانست برای تأمین مالی مشاوران اقتصادی با بنیاد فورد وارد مذاکره شود. او تلاش کرد تا کادر دفتر اقتصادی خود را نه از پرسنل ایرانی وزارت مالیه - که خود بخشی از مشکلات کشور بودند - بلکه از بهر روزترین و باسوادترین کارشناسان خارجی تأمین کند. با مشورت پروفیسور میسن،

مشاوران اقتصادی ای را از دانشگاه هاروارد به ایران آورد؛ کسانی که به گروه مشاوران هاروارد معروف شدند و برنامه پنج ساله سوم عمرانی کشور را نیز تدوین کردند.

اهداف برنامه دوم در زمینه صنعت، عبارت بود از حمایت از تأمین کالاهای ضروری مصرفی به ویژه منسوجات و قند، افزایش تولید مصالح ساختمانی از جمله سیمان برای شهرسازی و ساختمان های دولتی، ایجاد صنایع و کارخانه های پلاستیک سازی، روغن کشی، کاغذسازی، کود شیمیایی، نیشکر، ذوب آهن و... بود. در این دوره برای نخستین بار بخش خصوصی به بازی گرفته شد و با تأسیس مؤسسات تأمین اعتبار، خصوصاً بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران، نقش مهمی در جلب مشارکت بخش خصوصی در فعالیتهای صنعتی کشور ایفا شد.

در آغاز، قرار بود که چهل تا هشتاد درصد درآمد نفت دولت زیر نظر سازمان برنامه صرف کارهای عمرانی شود. با افزایش درآمد نفت به بیش از یک میلیارد دلار، تنها ۳۰ درصد درآمد نفت به سازمان بودجه اختصاص می یافت و مابقی آن صرف خرید اسلحه و تقویت ارتش شد.

سخنان و انتقادات سیاسی او در سال های بعد باعث شد تا در دولت علی امینی بازداشت شود. او در کنفرانس بین المللی صنایع در سانفرانسیسکو گفته بود که کمک های مالی یک کشور به کشور دیگر موجب می شود که منابع مالی مزبور بر اساس ملاحظات نظامی و سیاسی خرج شوند و به کار توسعه نمی آیند و در این باب، از ایران مثال زده بود. در خاطرمای دیگر ابتهاج می گوید «اواسط آبان سال چهل بود که امینی تلفن کرد و گفت امروز صبح شرفیاب بودم و صحبت تو بود و در نظر است تعدادی از بانک هایی که وضعیتشان خراب است در هم ادغام شوند و تو را در رأس آن ها قرار دهند. گفتم خیلی تعجب می کنم، چون شنیده ام دولت تو مشغول پرونده سازی علیه من است. امینی با خنده گفت: این حرف ها چیه، چرا هذیان می گی؟ چنین صحبتی در بین نیست. ولی تو خودت هم شاه را تحریک می کنی. قبل از تلفن امینی مدیر مجله فردوسی به من اطلاع داد که چند روز قبل عده ای از مدیران روزنامه ها همزمان نخست وزیر بودند و سر میز غذا امینی می گوید اگر لازم باشد من دوست خودم ابوالحسن ابتهاج را هم توقیف خواهم کرد. یکی دو روز بعد از تلفن امینی، در ۱۸ آبان ۱۳۴۰ حضاریه ای از دیوان کیفر به دست من رسید که خواسته بود ظرف پنج روز خودم را به دیوان کیفر معرفی نمایم.»



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۷

۳ اسفندماه سال ۱۴۰۱

برترین های موسیقی کلاسیک

این اثر وجود دارد را من تا کنون در هیچ اثر کلاسیک دیگری ندیده‌ام.

رتبه دوم: «نوکتورن شماره ۲» از شوپن

برای آن که -مثلاً- حس غم ایجاد شود یا لاف قوی تر شود، باید در پی موسیقی غمگین بود. برای آن که -مثلاً- حس شادی ایجاد شود، باید به دنبال موسیقی شاد بود و به همین ترتیب. جالب قصه این جاست که این نوکتورن شماره ۲ از شوپن تمامی حس‌ها را در خود دارد و مهم این است که کدام حس را از آن دریافت کنی!

رتبه اول: «بولرو» از موریس راول

و اما به رتبه نخست بهترین موسیقی‌های کلاسیک غرب رسیدیم. در بسیاری از فهرست‌هایی که از بهترین موسیقی‌های کلاسیک غربی نوشته می‌شود، حتی اثری از بولرو هم نیست، چه رسد به آن که این اثر در صدر فهرست باشد. اما بولرو بهترین قطعه موسیقی‌ای است که تا کنون شنیده‌ام. ممکن است بعدها آثار دیگری بشنوم یا حال و هوایی دیگر در من باشد و بولرو رتبه نخست خود را از دست بدهد، اما در حال حاضر چندین سال است که موسیقی‌ای زیباتر از بولرو نشنیده‌ام. ترکیب ماهرانه سازهای بادی و زهی، به همراه ریتم تکراری درام که از صدا و سرعت کم آغاز می‌شود و به صدا و سرعت بالا می‌رسد، موجب خلق زیباترین موسیقی کلاسیک شده است. این شاهکار فوق العاده در سال ۱۹۲۸ برای نخستین بار نواخته شده، اما پس از آن بارها در کشورهای مختلف اجرا شده است. توصیه می‌کنیم این سه قطعه را حتما گوش کنید.

در این شماره ستون موسیقی برای همه نگاهی انداختیم به بحث برترین‌ها در دنیای موسیقی کلاسیک. برای انسان راحت طلب قرن بیست و یکم، خصوصاً در این دنیای پر از نویز و نوفه، بسیاری بر اساس اصول علمی یا سلیقه‌ای دست به انتخاب برترین موسیقی‌های کلاسیک دوران زده‌اند. این افراد در قالب‌های مختلف صدتایی یا پنجاه تایی، بهترین قطعات موسیقی را معرفی کرده‌اند و البته افراد خوش ذوق بهترین اجراهای این قطعات را گردآوری نموده‌اند و در قالب آلبوم روانه بازار کرده‌اند، البته برای گوش کنندگان آماتور موسیقی این کارها بسیار سودمند بوده‌اند و لاف لاف باعث شدند ما بتوانیم قطعات برجسته تر را از میان هزاران هزار قطعه مهم شناسایی کنیم.

در ادامه نگاهی می‌اندازیم به سه قطعه برتر موسیقی کلاسیک دنیا به انتخاب آرش شمسی. وی ۲۵ انتخاب خود را در مجله لوکتوم منتشر کرده است. ایشان در حوزه فلسفه و موسیقی صاحب نظر است.

رتبه سوم: «آداجیو» در «جی مینور» از توماسو آلبیونینی

آداجیوهای بسیاری توسط آهنگسازان مختلف ساخته شده، اما به نظر من هیچ آداجیویی به اندازه آداجیوی آلبیونینی زیبا و دل انگیز و حزن آور نیست. البته گفته می‌شود این اثر مربوط به آلبیونینی نیست، بلکه بیوگرافی نویس او یعنی رمو جیازوتو این اثر را در قرن بیستم نوشته. به هر صورت این اثر ساخته هر کس که باشد، از زیباترین و بهترین موسیقی‌های کلاسیک تاریخ غرب است. آرامش و حزنی که در



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۸

۳ اسفندماه سال ۱۴۰۱



یک رباعی و یک دوبیتی از دوزنِ روزگاران قدیم



مرتضی صادقیان



اول، رباعی:
از زنی با تخلص زبوناته «ضعیفی». در سدهٔ نهم هجری قمری زندگی می کرده است که زبانی زنانه دارد و درواقع بیانگر دردهای زنی جوان، حساس، نکته‌بین است که همخانهٔ پیرمردی بدخو، ناتوان و خودخواه است.

ای مرد تو را به مهر انگیزی نیست
هم پیری و ضعیفی و تو را چیزی نیست
با این همه می دهی نهیبم به زدن
خود قوت آن ترا که برخیزی نیست

دوم، دوبیتی:
مهری هرّوی، زنی شوخ و شاداب و صاحب دل نیز دوبیتی ای شبیه به این دارد که از چگونگی زندگانی او در کنار همسر ناتوان سالخورده اش خواجه عبدالعزیز صحبت به میان می آورد.

مرا با تو سر یاری نمانده
سر مهر و وفاداری نمانده
تو را از ضعف و پیری، قوت و زور
چنان که پای برداری، نمانده



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۷

۳ اسفندماه سال ۱۴۰۱



زهره رحیمی

RAHIMI_ZOZO2003@yahoo.com

هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۸

۳ اسفندماه سال ۱۴۰۱

به نام آنانی که رنج بشر را روزانه تحمل می کنند

مناطق محروم در ایران بسیارند. در این مناطق، مدارس از ملزومات و امکانات آموزش از راه دور مثل سیستم های رایانه ای، تبلت و اینترنت محرومند و این محرومیت در دوران هجوم کووید ۱۹، موجب «یأس آموزشی» و ناتوانی چنین مراکزی در همگام شدن با آموزش های الکترونیک شد و نرخ ترک تحصیل را به شدت افزایش داد. معلمان در این مناطق شاهدند که بسیاری از خانواده ها به سختی از عهده تأمین معاش برمی آیند، لذا تأمین هزینه های سرسام آور گوشی های هوشمند و بسته های اینترنتی، برایشان امر ناممکنی است که سرانجام کار را به ترک کلاس و مدرسه، گاهی برای همیشه، می کشاند. معلمان در مناطق غیر محروم امکان ارتقای مهارت خود را دارند، مثلاً کم توانی در تدریس آنالیز و فقدان زیرساخت های آموزشی برای ایشان به سادگی رفع می شود. در حالی که ارتقای مهارت در مناطق محروم برای معلمان خود چالش عمده ای است. بسیاری از این معلمان روزانه با کیلومترها مسیر صعب العبور برای رسیدن به مدرسه، دست و پنجه نرم می کنند. به دلیل جمعیت کم برخی روستاها، مدرسه ای برایشان ساخته نشده است. به همین دلیل معلمان و دانش آموزان برای رسیدن به مدرسه در روستاهای مجاور باید هر روز مسافتی دشوار گاهی تا چندین کیلومتر پیاده روی در مسیرهای سنگلاخی حتی در شرایط نامناسب آب و هوایی را طی کنند. تشکیل کلاس با یک دانش آموز یا تشکیل چند پایه آموزشی در یک کلاس برای دانش آموزانی که محرومیت تا عمق زندگی شان نفوذ کرده، چالش دیگر این معلمان است. بارها دانش آموزان و معلمان به دلیل استفاده از سرویس نامناسب در مسیرهایی این چنین دچار حادثه شده اند. حمله حیوانات، عبور از رودخانه و مسیر کوهستانی گاهی چاشنی دائمی راه مدرسه است و انواع ترس هایش، رویای مسیر شاعرانه مدرسه را برای آنان به کابوسی ناخوشایند بدل می کند. گاهی معلمان با روستاهایی مواجه می شوند که کودکان دختر و پسرش به ۱۲ سالگی رسیده اند، اما روی کلاس و مدرسه و معلم را به خود ندیده اند. بدیهی است آغاز آموزش با این کودکان چقدر مسیر پر چالش و پر دردسری خواهد بود. برخورد با والدینی که از سواد چندانی برخوردار نیستند و این کم سوادی و بی سوادی کار تعامل سازنده با دانش آموز را به شدت برای آموزگاران دشوار و گاه ناممکن می کند. در این مناطق، بسیاری از کلاس ها و مدارس با سنگ، چوب و گل ساخته شده اند که در زمان بارندگی امکان ریزش دارند. سرما یا گرمای شدید هوا، ساعات درس خواندن در اتاق های نامناسب را تلخ و غیر قابل تحمل می کند. نور و رطوبت نامناسب و کیفیت فیزیکی بد و ناچیز اتاق ها و دیوارهای کثیف و نامن کلاس دغدغه دیگر معلم است. فقدان حداقل امکانات چون میز و صندلی و تخته سیاه، دغدغه معلم برای افزایش مهارت های دانش آموزان را به دغدغه های پایه ای برای حفظ حیات و سلامت دانش آموزان تبدیل می کند. در مناطق غیر محروم خانواده ها می توانند به مدرسه و دانش آموزان کمک کنند که در خصوص مناطق محروم چنین امکانی نزدیک به صفر است. معلمان با درآمدهای بسیار اندک که گاهی هم بخشی از آن را صرف دانش آموزان خود می کنند، گذران زندگی می کنند. و کماکان عدم توازن توسعه، امکانات را به شهرهای بزرگ تر و بر خوردار تر روانه می کنند. در شهرهای بر خوردار امکان دریافت پول از خانواده ها بیشتر است و سطح درآمد بالاتری وجود دارد. در این مناطق حتی بسیاری کودکان برای کمک به خانواده ها مجبورند که خودشان کار کنند. دانش آموزان مناطق محروم ریشه های فرهنگی و اجتماعی ضعیفی دارند و خانواده ها نمی توانند از لحاظ آموزشی معلمان را حمایت کنند. اما در مناطق پر خوردار، بخش زیادی از پوشش آموزشی و رسیدگی به تحصیل فرزندان بر دوش خانواده هاست. افراد وطن دوست و دلسوزی که مصائب و محرومیت این مناطق را به جان می خردند، تنها امید کودکان و نوجوانان این مناطقند. چرا که شرایط بسیار نامطلوب و فاقد چشم انداز در این مناطق، آموزگاران را وامی دارد تا به محض رسمی شدن، درخواست انتقال بنویسند و به شهرهای پر خوردار تر باز گردند. معلم های بسیار اندکی هم هستند که چند سال پایانی کار خود را به مناطق محروم می روند تا موقع باز نشستگی حقوق بیشتری دریافت کنند. اما این مبلغ بر خلاف تصور جامعه، رقمی بسیار نازل و مایه تأسف و تأثر است. معلمان در شکل های مختلف استخدامی که برخی فاقد امنیت شغلی است، مشغول به خدمتند. در شهرهای بزرگ و پر خوردار، چنانچه معلمی از شغل خود ناراضی باشد، شغل دیگری را محل در آمدی اضافه برای خودش فراهم می کند. اما معلم های مناطق محروم از این گزینه هم محرومند. برایشان آرزوی شکیبایی و سلامت می کنیم و آرزو مندیم که مام وطن، این جان های عزیز را در آغوش مهر خویش مراقبت کند.

مشاغل دور از نظر

تهیه شده توسط کمیته آموزش و توانمندسازی حزب اراده ملت ایران



مهشید قاسمی

gha3mg.m@gmail.com

بهینه‌سازی مصرف انرژی؛ گاز

منابع طبیعی برای حفظ محیط‌زیست مورد توجه قرار گیرد. در فصل سرما، مصرف گاز در کشور افزایش چشمگیری پیدا خواهد داشت، طوری که ۷۰ درصد از انرژی مصرفی در ایران صرف گرمایش و حدود ۱۵ درصد انرژی مصرفی صرف تولید آب گرم می‌شود. با گرم‌تر شدن زمین و تغییرات آب‌وهوایی، تلاش برای کاهش مصرف و اتلاف انرژی اهمیت یافته است. با توجه به تجدیدنظیر بودن گاز و افزایش میزان مصرف گاز در سال‌های اخیر، جوامع و دولت‌ها تنها راه استفاده مداوم از این منبع ارزشمند را بهینه‌سازی مصرف آن می‌دانند. بر این اساس، ماده ۴۴ قانون برنامه ششم مصوب سال ۱۳۹۵ مجلس شورای اسلامی، دولت را مکلف کرده است به منظور افزایش ارزش افزوده انرژی و تکمیل زنجیره ارزش و کاهش شدت انرژی، همسو با مصرف انرژی برای واحد تولید، در طول اجرای قانون برنامه اقدام‌هایی را انجام دهد و باید ترتیبی اتخاذ کند که سالانه تلفات انرژی در بخش ساختمان ۵ درصد کاهش یابد. از این رو همه باید عادت‌های زندگی را تغییر دهیم تا گام‌های مؤثری برای حفاظت از محیط‌زیست برداریم. در اینفوگرافیک این هفته که توسط پدram آقایی برای خبرگزاری ایسنا تهیه شده است، راهکارهایی برای تغییر الگوی مصرف گاز به‌ویژه در فصل سرد سال ارائه شده است.

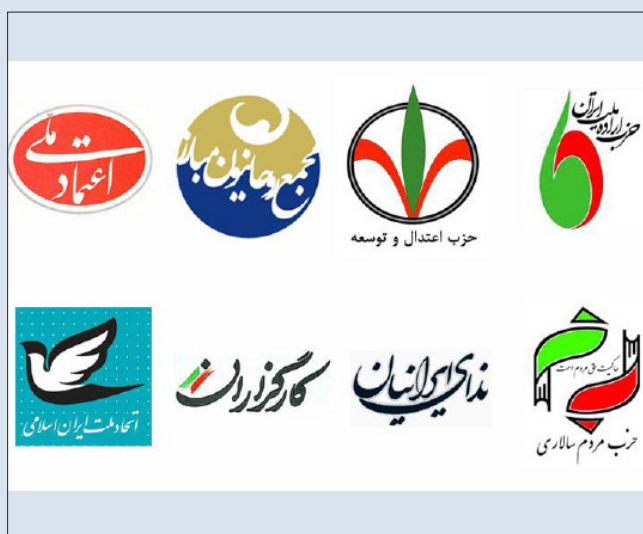
گاز طبیعی از منابع ارزشمند انرژی است که در مقایسه با سایر منابع انرژی، به‌ویژه سوخت‌های فسیلی، استفاده از آن موجب کاهش آلودگی هوا و حفظ محیط‌زیست خواهد شد.

بنابر برخی از اسناد تاریخی، ایرانیان قبل از سومری‌ها به نفت و گاز دست یافته و از آن به صورت ابتدایی و تصادفی (برای روشن نگه داشتن آتش مقدس) استفاده می‌کردند. در سال ۱۷۹۲ استفاده از گاز برای فعالیت‌های صنعتی شروع شد، اما به دلیل عدم انتقال از چاه‌ها، استفاده عمومی از آن نمی‌شد. تا این که در سال ۱۹۳۰، با توسعه شبکه انتقال، به عنوان منبع جدید انرژی مورد استفاده عموم قرار گرفت. سال ۱۲۸۰ اولین چاه گاز ایران در قصر شیرین زده شد و در سال ۱۳۴۴ برای استفاده از گاز، شرکت ملی گاز ایران تأسیس شد.

علاوه بر اهمیت گاز در محیط‌زیست، گاز به عنوان یک کالای استراتژیک، عامل امنیت‌زا و قدرت‌آفرین در سیاست و اقتصاد جهانی است. ایران با ۳۴۰۷۶۶۴ میلیارد مکعب، بعد از روسیه رتبه دوم ذخایر گازی جهان را دارد (۲/۱۸ درصد از ذخایر گاز طبیعی جهان). اما به دلیل تحریم‌ها و نبودن ایران به FATF در بازار جهانی جایگاه ویژه‌ای ندارد. در راستای توسعه پایدار باید استفاده صحیح، کارآمد و بهینه از



تاریخ احزاب سیاسی ایران





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۷

۳ اسفندماه سال ۱۴۰۱

تاریخ احزاب سیاسی ایران (۲)

احزاب در قفقاز و عثمانی

قفقاز

منطقه‌ای واقع در جنوب غربی روسیه، شمال غربی ایران و شمال شرقی ترکیه است. رشته کوه‌های عظیمی به همین نام در این منطقه امتداد دارند. مساحت آن حدود ۴۴۰۰۰۰ کیلومتر مربع و عمدتاً کوهستانی است. قفقاز شامل کشورهای جمهوری آذربایجان، ارمنستان، گرجستان و بخش‌هایی از ایران و ترکیه و روسیه است. از اهمیت ژئواستراتژیکی برخوردار است و به دو بخش قفقاز جنوبی و قفقاز شمالی تقسیم می‌شود. هیچ گونه وحدت سرزمینی، جغرافیایی، زبانی، مذهبی، و حتی قومی در این منطقه وجود ندارد و به نوعی کانون تنش در قلب اوراسیای نوپاست. پراکندگی اقوام در این منطقه شاخص است و بیش از ۵۰ قوم مختلف در قفقاز زندگی می‌کنند. مهم‌ترین زبان قفقازی «گرجی» است. این منطقه تا زمانی که در قرن ۱۸ تا ۱۹ به دست روسیه فتح شد، تحت فرمانروایی پارس و ترک بود. قفقاز از دیرباز به عنوان رابط بین اروپا و آسیا نقش ایفا کرده و مسیر گسترش فرهنگ بین‌النهرین بوده است. تاریخ تهاجمات و همچنین تأثیرات خاورمیانه به ویژه زبان‌های ایران از یک سو و دین مسیحیت و اسلام از سوی دیگر، اثر خود را در قفقاز به جا گذاشته است. تاریخ‌نویس مشهور، هرودوت، از قفقاز نام برده است.



نخستین شکل سیاسی زیرزمینی روشنفکران مسلمان چپ، سازمان «همت» بود که در ۱۳۲۲ در باکو تشکیل شد. در این سازمان دو گروه وجود داشت: گروهی چون اسدالله آخوندوف و سلطان مجید افندیف، که در کمیته باکوی حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه نیز عضویت داشتند و از مشی این کمیته پیروی می‌کردند. گروهی هم چون محمدامین رسول‌زاده، عباس کاظم‌زاده و محمدحسن حاجینسکی، که ضمن اظهار علاقه به برخی اصول مارکسیسم، از ورود به کمیته یادشده پرهیز می‌کردند. برخی اعضای گروه اخیر، که ملی‌گرا بودند، بعدها از سازمان همت کناره گرفتند و در سال ۱۳۲۹ حزب مساوات را تأسیس کردند. سازمان همت از سال ۱۳۲۴ فرقه (حزب) نامیده شد و بر اثر سرکوبی‌های سال ۱۳۲۵، در آستانه فروپاشی قرار گرفت؛ ولی در انقلاب ۱۳۳۵/۱۹۱۷ بار دیگر به فعالیت پرداخت.

دومین شکل سیاسی زیرزمینی، که بیشتر جنبه نظامی داشت، حزب

ابتدای سال ۱۴۰۱ و بعد از پیشنهاد یکی از جوانان حزبی مبنی بر تهیه یادکست‌هایی در رابطه با احزاب سیاسی، این ایده در انتشارات حزب اراده ملت ایران شکل گرفت که با توجه به منابع موجود، جای کتابی ساده و موجز اما کامل در حوزه تاریخ احزاب سیاسی ایران خالی است. لذا جلساتی با استادان صاحب‌نظر برگزار شد تا شاید بتوانیم این نقیصه را جبران نماییم.

بعد از ساعت‌ها تفکر و تعمق و بررسی الگوهای موجود، تصمیم نهایی بر این شد که کتابی در چهار جلد مجزا و بر اساس روند تاریخی به این موضوع اختصاص یابد. الگوی کار نیز نمونه کتاب‌های تاریخ برای جوانان و نوجوانان نشر ققنوس قرار داده شد که نثری روان همراه با توضیحات ساده و موجز داشتند.

برای این کار گروهی پنج‌نفره از جوانان حزبی در قالب کارگروه تاریخ احزاب سیاسی ایران شکل گرفت و ایشان تحت نظارت یک استاد شناخته‌شده تاریخ، کار بررسی منابع و مآخذ را برای تدوین این مجموعه چهارجلدی آغاز کردند.

با توجه به کثرت منابع و مآخذ و وسواس‌هایی که معمولاً در این گونه کارها وجود دارد، فرایند تدوین این مجموعه چهارجلدی به طول انجامید. لذا بر آن شدیم با استفاده از فضایی که نشریه حزب در اختیار ما قرار می‌داد، بخش‌هایی از این کتاب را به تدریج برای خوانندگان محترم منتشر کنیم تا زمانی که متن کامل کتاب‌ها آماده شود.

برای شناخت احزاب سیاسی ایران لازم است که ابتدا نگاهی داشته باشیم به وضعیت احزاب در مناطق پیرامونی ایران. به علت ارتباط بیشتر این مناطق با اروپا که مهد احزاب امروزی است، تشکیلات سیاسی حزبی در آن‌ها زودتر از ایران شکل گرفته است و از این جهت تأثیر مهمی بر نحوه شکل‌گیری احزاب در ایران داشته‌اند. از این رو در این بخش می‌پردازیم به وضعیت احزاب در مناطق قفقاز و امپراتوری عثمانی.

حزب در قفقاز

رونق اقتصادی حاصل از بهره‌برداری از منابع زیرزمینی، به ویژه نفت کرانه‌های خزر، و توسعه برخی شهرهای مسلمان‌نشین بخش خاوری قفقاز جنوبی به کمک سرمایه‌های روسی و ارمنی و اروپایی، به ویژه رشد بی‌سابقه باکو در نیمه دوم قرن سیزدهم/اواسط نوزدهم موجب دگرگونی ساختار اقتصادی-اجتماعی و پیدایش طبقات و مناسبات جدید اجتماعی و نیز شکل‌گیری قشری از روشنفکران تحصیل کرده در مؤسسات آموزشی روسی و حتی اروپایی در منطقه قفقاز شد. این امر زمینه را برای پیدایش جمعیت‌ها و احزاب سیاسی در میان اقوام ساکن قفقاز جنوبی، از جمله مسلمانان، فراهم آورد.



هفته‌نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۸

۳ اسفندماه سال ۱۴۰۱



«دفاعی» بود. این حزب در جریان جنگ‌های ارمنی - مسلمان (در پی انقلاب ۱۳۲۳/۱۹۰۵ روسیه) شکل گرفته بود و بیش از یک سال در شهرها و روستاهای منطقه ادامه داشت. حزب دفاعی در واکنش به عملیات حزب ملی‌گرای ارمنی داشناک/داشناکتسونیون/داشناکسیون تشکیل گردید و شاخه‌هایش در مناطق مسلمان نشین گسترش یافت. حزب دفاعی ضمن سازماندهی دسته‌های رزمنده برای دفاع از مسلمانان، از اتحاد مردم قفقاز جنوبی در برابر دولت تزاری دفاع می‌کرد و دولت، با تفرقه‌افکنی بین اقوام قلمرو خویش، سعی در ادامه استیلا بر آنان داشت.

احمدبیگ آقاییف (بعداً آقاوولو)، از رهبران حزب دفاعی، معتقد بود که مسلمانان و ارمنیان، پیش از آمدن روس‌ها به قفقاز، قرن‌ها در صلح و صفا در کنار هم می‌زیستند. تشکیلات حزب دفاعی پس از تشدید فشار روسیه و مهاجرت اجباری آقاییف به عثمانی در اواخر ۱۳۲۶ یا اوایل ۱۳۲۷، از هم پاشید. همچنان که اهداف حزب دفاعی در مرامنامه حزب مساوات بی‌تأثیر نبود، شماری از اعضا و هوادارانش هم بعدها به حزب مساوات پیوستند.

برخی نمایندگان طبقات مرفه جوامع مسلمان قفقاز - که در دوره پیش از انقلاب ۱۹۰۵ نه حزبی سیاسی تأسیس کرده بودند و نه برنامه مشخصی داشتند - در همان سال‌ها در نهادهای خودگردان شهرهایی چون باکو، شماخی، قبه و لنکران فعالیت می‌کردند. گروهی از لیبرال‌های باکو پس از صدور بیانیه اکتبر ۱۹۰۵ تزار که وعده اعطای پاره‌ای از آزادی‌های مدنی و به‌ویژه ایجاد مجلس دولتی (دوما) را می‌داد، «حزب مشروطه‌خواه مسلمان» (مشروطیت‌چی مسلمان پارتی) را تأسیس کردند و به شاخه باکوی حزب دموکرات مشروطه‌خواه یعنی کادتها که هسته نیرومند لیبرالیسم روس به‌شمار می‌رفت، پیوستند.

آنان، برخلاف اعضا و هواداران حزب دفاعی، با روسیه خصومتی نداشتند، اما برای بازسازی قفقاز جنوبی به‌صورت منطقه‌ای مستقل و متشکل از بخش‌های خودمختار دارای همگونی قومی، پیشنهادهایی دادند و به همین سبب، سوسیال دموکرات‌های روسیه آنان را به طرح شعار قفقاز برای قفقازیان متهم کردند.

حزب مشروطه‌خواه مسلمان در عین حال از اتحاد مسلمانان روسیه پشتیبانی کرد و نمایندگانش از شرکت‌کنندگان کنگره‌های سه‌گانه مسلمانان در ۱۳۲۳ و ۱۳۲۴ بودند، چنان که علی‌مردان بیگ طوپچی‌باشی‌یف، احمدبیگ آقاییف و علی‌بیگ حسین‌زاده در کنگره اول شرکت داشتند و طوپچی‌باشی‌یف به ریاست کنگره سوم انتخاب شد. گفتنی است این کنگره‌ها با حزب دموکرات مشروطه‌خواه - که در برنامه خود از حقوقی چون آزادی مذهبی و آموزش به زبان مادری دفاع می‌کرد و نماینده مسلمانان را نیز به کمیته مرکزی خود راه داده بود - همسویی و در انتخابات دوما دولتی همکاری داشتند.

بیشتر نمایندگان منتخب مسلمانان قفقاز جنوبی در دوما دولتی که از لیبرال‌ها بودند، به فراکسیون «اتفاق» دوما پیوستند. «اتفاق مسلمین»

یا «روسیه مسلمانلری اتفاقی» (اتفاق مسلمانان روسیه)، که «اتفاق» نیز نامیده می‌شد، سازمانی برای متحد کردن مسلمانان روسیه بود که در کنگره اول پدید آمد و با تصمیم کنگره سوم به حزب بدل شد. نظام‌نامه این حزب را طوپچی‌باشی‌یف براساس نظام‌نامه حزب کادتها تدوین کرده بود که با تعدیلاتی، به تصویب کنگره سوم رسید. این حزب در جریان سرکوبی انقلاب اول روسیه از اواسط ۱۳۲۵/۱۹۰۷ تا تابستان ۱۹۰۷ به بعد از هم فروپاشید. سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۵/۱۹۰۷-۱۹۱۷ دوره رکود فعالیت علنی احزاب سیاسی در سراسر روسیه و از آن جمله در قفقاز بود. در این دوره، جز تعدادی تشکیلات سیاسی زیرزمینی چپ و حزب مساوات که در ۱۳۲۹ در باکو تأسیس شده بود، تشکیلات سیاسی دیگری فعالیت نداشت.



تنها پس از انقلاب فوریه ۱۹۱۷ بود که برخی احزاب قبلی احیا و احزاب جدیدی نیز تأسیس شدند. احزاب مهم مسلمانان قفقاز جنوبی که در ۱۶ شعبان ۱۳۳۶/۲۸ مه ۱۹۱۸ جمهوری آذربایجان نامیده شد، در این دوره که تا پیروزی ارتش سرخ بر قفقاز جنوبی و تشکیل جمهوری شوروی آذربایجان در بهار ۱۳۹۹ ش/ ۱۹۲۰ ادامه یافت، عبارت بودند از: حزب ملی‌گرای مساوات که نقشی عمده در تشکیل جمهوری آذربایجان و اداره آن داشت؛ و حزب فدرالیست ترک. این حزب اندکی پس از انقلاب فوریه، در اواسط ۱۳۳۵/بهار ۱۹۱۷ در گنجه تأسیس شد. در تابستان همان سال به حزب مساوات پیوست و حزب جدید، حزب عدم مرکزیت ترک - مساوات نام گرفت، ولی همچنان «مساوات» خوانده شد و به این نام شناخته می‌شد. افزون بر این، حزب مساوات - با ائتلاف با گروه دموکرات‌های بی‌طرف - نیرومندترین فراکسیون مجلس را تشکیل می‌داد. دیگر فراکسیون‌های دوما عبارت بودند از: فراکسیون‌های حزب اتحاد، که نام قبلی‌اش مسلمانی در روسیه (روسیه‌ده مسلمانی) و آرمان رسمی آن اتحاد اسلام بود. بلوک سوسیالیست (سوسیالیست بلوکی)، متشکل از نمایندگان احزاب سوسیال دموکرات‌ها (اجتماعیون عامیون) و سوسیالیست‌های انقلابی (اجتماعیون انقلابیون) یا اس‌آرها. حزب احراز، که آرمانش خلق‌گرایی ترک و از نظر برنامه به حزب مساوات نزدیک و دارای دیدگاه طرفداری از ترکیه و تسنن و خلافت بود.

پس از سقوط جمهوری آذربایجان و تأسیس جمهوری آذربایجان



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۷

۳ اسفندماه سال ۱۴۰۱



قتل سلطان عبدالمجید و برخی از دولتمردان مدرنیست و به سلطنت رساندن عبدالعزیز برنامه ریزی کرده بودند؛ که پیش از اجرا با کشف و بازداشت عوامل آن خنثی شد و به واقعه قوُللی معروف شد. بعضی این واقعه را کوششی آزادی خواهانه برای برقراری حکومت قانون و مشروطه به شمار آورده اند و برخی دیگر آن را یک توطئه بی اهمیت واپس گرایانه دانسته اند. جمعیت فداییان نخستین انجمن سیاسی ضد تنظیمات شناخته می شود. گفته شده است که مرام حاکم بر این جمعیت به اصول جمعیت های انقلابی سرتی در کشورهای اروپایی - مانند ایتالیا - شباهت داشته است.

جمعیت سیاسی دیگری که درباره آن به پیروی از روش های جمعیت های انقلابی سرتی اروپایی اشاره شده است، جمعیت «تفاق و حریت» نام دارد. شش تن از جوان تحصیل کرده جدید این جمعیت را در سال ۱۲۸۲ در استانبول بنیاد گذاشتند. بعدها این جمعیت توسعه یافت و به بزرگترین تشکیلات سیاسی آزادی خواه و مشروطه طلب پیش از مشروطیت اول تبدیل شد. آرمان ها و اهداف این جمعیت در شکل گیری جنبش مشروطیت اول عثمانی و تدوین قانون اساسی و تشکیل نخستین مجلس مبعوثان بین سال های ۱۲۹۳-۱۲۹۵ تأثیر به سزایی گذاشت و به الگویی برای جنبش ها و احزاب سیاسی دهه های بعد بدل شد.

گفته شده است که مؤسسين این جمعیت از فرهنگ و تمدن مدرن اروپا آگاهی نسبی داشتند و به زبان فرانسه آشنا بودند. آن ها با نگرانی از فروپاشی خلافت عثمانی، به ضرورت ایجاد نظام مشروطه پی برده بودند. کنش گران جمعیت اتفاق و حریت به فاصله دو سال از تأسیس حزب خود دچار فرار و تبعید به پاریس شدند و در آن جا دست به بازسازی سازمان خود زدند و نوعثمانیان خوانده شدند.

این جمعیت ضمن این که خواهان استقرار نظام مشروطه بود، اما از منتقدان اصلاحات دوره تنظیمات عثمانی به شمار می رفت. جمعیت معتقد بود که شریعت اسلام در آن مدنظر قرار نگرفته و با مبانی معنوی حکومت عثمانی در تضاد است و به وسیله اعمال استبداد تبدیل شده است.

از نوعثمانیان به عنوان نخستین حزب مخالف نظام حاکم به مفهوم جدید آن و همین طور به نام نخستین تشکل سیاسی بزرگ مشروطه طلب در میان عثمانیان یاد شده است.

نام جمعیت اتفاق و حریت به الگویی برای نام گذاری احزاب سیاسی بعدی در عثمانی و ترکیه شد. برای مثال تا پایان جنگ جهانی اول به نام

شوروی، تمام احزاب سیاسی در آن جمهوری قلع و قمع شدند و حزب کمونیست آذربایجان جانشین آن ها گردید که تا از هم پاشیدن اتحاد جماهیر شوروی در ۱۳۷۰ ش / ۱۹۹۱ فعال بود. پس از آن، احزاب و جمعیت های سیاسی زیادی در آذربایجان شکل گرفت که برخی از آن ها عبارتند از: مساوات، مساوات نو (پنی مساوات)، حزب استقلال دموکراتیک آذربایجان (آذربایجان دموکراتیک استقلال پارتیاسی)، و حزب استقلال ملی آذربایجان (آذربایجان ملی استقلال پارتیاسی)، حزب کمونیست آذربایجان (آذربایجان کمونیست پارتیاسی)، حزب اسلام آذربایجان (آذربایجان اسلام پارتیاسی)، و حزب آذربایجان جدید.

حزب در امپراتوری عثمانی

«تنظیمات» یا «تنظیمات خیریه» جنبشی نوگرا و اصلاح طلب در ساختار سیاسی، حقوقی، فرهنگی و اجتماعی امپراتوری عثمانی بود که از سال ۱۸۳۹ میلادی (۱۲۱۸ خورشیدی) آغاز شد و تا سال ۱۸۷۶ میلادی (۱۲۵۴ خورشیدی) یا دوره قانون اساسی اول پایان یافت. در این دوره برای نوسازی جامعه و دستگاه حاکمیت امپراتوری خلافت عثمانی و یکپارچه کردن اقوام غیرمسلمان و غیر ترک ساکن امپراتوری از راه تغییر قانون ها و روش ها، اعطای حقوق اجتماعی، آزادی های مدنی و مقابله با حرکت های ناسیونالیستی اصلاحاتی انجام شد.

امپراتوری عثمانی

عثمان بن ارطغرل برخاسته از قبیله قایی اغوز از قبایل ترک آسیای مرکزی، پس از مهاجرت از قبیله اش از ترکستان به آناتولی، توفیق یافت تا با انقراض امپراتوری های آسیای صغیر و انقراض سلاجقه روم، پایه و اساس حکومتی را بنا نهد که دوره اش ۶۰۰ سال به طول انجامید و تا ۱۹۲۲ میلادی ادامه یافت. عثمانی ها در مراحل اولیه گسترش خود، رهبران جنگجوی ترک با ایمان به اسلام بودند که با عنوان افتخاری غازی (مهاجم) شناخته می شدند و علیه دولت روبه زوال مسیحی بیزانس می جنگیدند. امپراتوری عثمانی از بزرگترین امپراتوری های جهان و از سویی بزرگترین دولت اسلامی است که موفق شد سرزمین های وسیعی را در قاره آسیا، آفریقا و اروپا تحت سلطه در آورد. محدوده جغرافیایی آن از شمال مجارستان تا جنوب شبه جزیره عربستان و از کریمه تا آفریقای شمالی و تا اقیانوس اطلس فرارفته است. این امپراتوری در کارنامه خود ابعاد متنوع اعتقادی، سیاسی، نظامی، اقتصادی، هنری، علمی، فرهنگی و اجتماعی مهمی را به یادگار گذاشته است.



در این دوره بود که مجلس والای احکام عدلیه تأسیس شد. این مجلس عهده دار وضع قوانین بود و یک رئیس و نه عضو داشت و در تدوین قوانین، از احکام شرع اسلام، حقوق و قوانین اروپایی و برخی مفاد اعلامیه حقوق بشر فرانسه استفاده می کرد. در این دوره نهادهای مدرن و قشری از تحصیل کردگان مدرن در دستگاه اداری به کار گرفته شدند. برخی حقوق و آزادی ها به رسمیت شناخته شد. روزنامه های غیردولتی امکان انتشار یافتند.

چنین گرایش هایی به فرهنگ مدرن باعث بروز واکنش هایی منفی در میان شهروندان شد. برخی رخدادهای آتش این اعتراضات را فروخته تر می کرد، رخدادهایی هم چون اعطای امتیازهایی به شهروندان غیرمسلمان در قلمرو عثمانی با صدور فرمان اصلاحات سال ۱۲۷۲ در پی فشار دولت های غربی.

از جمله این واکنش ها، واکنش تروریستی جمعیت فداییان بود که برای

احزابی هم چون «بنی عثمانلی لار»، «گنج عثمانلی لار» (عثمانیان جوان)، «ژؤن ترکلر» (ترکهای جوان)، «اتحاد عثمانی»، «اتفاق و ترقی»، و «اتحاد و ترقی» برمی خوریم.

- بخش هایی از فرمان تنظیمات خبریه (خط شریف گلخانه)
- تضمین حق زندگی، اموال، عزت و امنیت کامل اتباع امپراتوری عثمانی
 - سازماندهی مجدد سیستم مالی و قوانین مدنی و جزایی با توجه به مدل فرانسه
 - صدور شناسنامه یا اولین کارت های هویت ملی
 - لغو برده داری و تجارت برده
 - تأسیس اولین دانشگاه مدرن به نام دارالفنون و دارالمعلمین
 - اولین دادگاه به سبک اروپا و شورای عالی قضایی
 - لغو سرانه جزیه از غیرمسلمانان و جانشینی آن با یک روش منظم جمع آوری مالیات
 - اجازه دادن به غیرمسلمانان به خدمت سربازی
 - ایجاد اولین شبکه تلگراف و شبکه های راه آهن
 - جرم زدایی از همجنسگرایی
 - استقرار شهرداری مدرن استانبول و شورای برنامه ریزی شهر
 - اولین سرشماری عمومی در سراسر امپراتوری عثمانی
 - به جریان انداختن اولین اسکناس های دولت عثمانی
 - نظام نامه مطبوعات و روزنامه نگاری



پس از برگزاری آخرین کنگره حزب اتحاد و ترقی در پاییز ۱۹۱۸ میلادی، حزب منحل شد و فعالیت های آن با نام «حزب تجدد» ادامه پیدا کرد. اما دولت فریدپاشا این حزب نوپا را به فاصله هفت ماه پس از تشکیل آن منحل و غیرقانونی اعلام کرد. بعضی وابستگان به حزب در واپسین مجلس عثمانی و نیز در «مجلس ملی کبیر ترکیه» در دوره جمهوریت حضور داشتند. سرانجام با محاکمه شماری از آنان به اتهام شرکت در توطئه ترور مصطفی کمال پاشا، بقایای حزب نیز از بین برده شد. حزب اتحاد و ترقی با انشعاب های مختلفی روبه رو بود. برای ایجاد اتحاد دوباره گروه های پراکنده ترک های جوان (ژؤن ترک) در قالب یک حزب، همایشی در فوریه ۱۹۰۲ در پاریس برگزار شد.

برای مثال شاهزاده صباح الدین و هوادارانش با تشکیل جمعیت حریت پروران عثمانی، از جمعیت اصلی جدا شدند و تشکیلات اصلی مدتی بعد جمعیت ترقی و اتحاد عثمانی شناخته شد. همین جمعیت بعدها با جمعیت حریت عثمانی، که در سال ۱۹۰۶ تشکیل شده بود، متحد شد و حزب نوپدید، جمعیت اتحاد و ترقی عثمانی و خلاصه وار «اتحاد و ترقی» نامیده شد.

با «اعلان حریت» در جولای ۱۹۰۸، به دوره سی ساله استبداد سلطان عبدالحمید دوم خاتمه داده شد و فضایی برای شکل گیری احزاب گوناگون ایجاد شد. در این مقطع حزب اتحاد و ترقی در واداشتن سلطان عبدالحمید دوم به احیای قانون اساسی نقشی عمده بازی کرد و به مؤثرترین بانفوذترین حزب در دوران مشروطیت عثمانی بدل شد.

این حزب که در نیمه دوم سال ۱۹۱۲ از قدرت کنار زده شد، از اوایل سال ۱۹۱۳ تا اوایل سال ۱۹۱۸ تنها حزب حاکم عثمانی بود. مهم ترین احزاب مخالف حزب اتحاد و ترقی عبارت بودند از:

حزب احرار عثمانی که به فاصله یک ماه و اندی پس از اعلان حریت تشکیل شد. این حزب ادامه حزب «تشبث شخصی و عدم مرکزیت» شاهزاده صباح الدین و از بنیان واقعه روز ۱۳ آوریل ۱۹۰۹ ضد اتحاد و ترقی بود که به سرکوب احزاب مخالف و خلع سلطان عبدالحمید دوم از سلطنت انجامید.

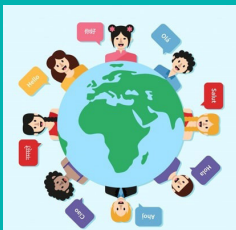
حزب دموکرات عثمانی که «فرقه عباد» نیز نامیده می شد و عبدالله جودت و ابراهیم تمواز بنیادگذاران آن بودند. این دواز بنیان گذاران حزب جمعیت اتحاد عثمانی در ۱۸۸۸ میلادی به شمار آمده اند.

سه حزب «معتدل حریت پروران»، «اصلاحات اساسیه عثمانی» و «اهالی» که بعدها به حزب حریت و ائتلاف پیوستند. مؤسسان حزب اهالی، نمایندگان انشعاب کرده از حزب اتحاد و ترقی بودند.

حزب مشروطیت ملی که مؤسسانش از اتحادیون قدیمی و عثمانی گرا و نخستین حزب ملی گرا در برابر دیگر احزاب - که غالباً عثمانی گرا و فدرالیست بودند. این حزب اندکی پس از تشکیل، در ژوئیه ۱۹۱۲ از فعالیت بازماند.

زبان مادری

زبان اصلی یا زبان مادری، زبانی است که فرد از بدو تولد یا در دوره ای حساس با آن مواجه بوده است و به نوعی زبان بومی ماست. اولین نوع حرف زدن است که فرامی گیریم و به عبارتی به معنای زبان غالب گوینده است. در بسیاری کشورها به زبان قومی فرد اشاره دارد و زبانی ست که از مادر، پدر و نزدیکانمان می آموزیم. کودک در رحم مادرش با این زبان آشنا می شود و هنگام به دنیا آمدن با این زبان با وی سخن گفته می شود. به مرور احساسات و خواسته های خود را با این زبان به اطرافیان تفهیم می کند. بازی و خنده و گریه و مشاخره با زبان مادری صورت می گیرد. هنگامی که ما به زبان مادری سخن می گوئیم، بین ذهن و زبان رابطه ای مستقیم برقرار می شود. این زبان لحظات زندگی و تجارب گذشته مان را تداعی کرده و آن ها را در ذهن و روانمان زنده می کند، احساسات ما را برمی انگیزد، خرسندی و ناخشنودی و حسرت و انتظار را با آن اعلام می کنیم.



حزب سوسیالیست عثمانی

حزب اتحاد محمدی که حزبی اسلام گرا بود.

دیگر انجمن ها و تشکلهای سیاسی مانند محفل های فراماسونی، انجمن های ملی گرا و ترک گرا، و جمعیت های اقوام و ملل مختلف عثمانی مانند ارمنیان، کردها، یونانیان، بلغارها، آلبانیایی ها، صرب ها، یهودیان، عرب ها.

پس از شکست حکومت اتحاد و ترقی در جنگ جهانی اول، سلطه دولت های متفقین بر مناطق گوناگون عثمانی از سال ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۲ (مشهور به دوره «متارکه») آغاز شد. احزاب و جمعیت های سیاسی گوناگونی نیز در دوره اخیر فعالیت داشتند که عبارت بودند از: حزب «تجدد»، که ادامه حزب اتحاد و ترقی بود؛ حزب حریت پرور عوام عثمانی؛ حزب رادیکال عوام؛ حزب سلامت عثمانیه؛ حزب صلح و سلامت عثمانیه؛ حزب حریت و ائتلاف؛ حزب مساعی عثمانی؛ احرار ملی؛ ترک ملی؛ حزب سوسیال دموکرات؛ حزب سوسیالیست ترکیه؛ سوسیالیست کارگر و دهقان ترکیه؛ حزب عمه؛ حزب سوسیالیست مستقل.



رویدادهای منتخب جهان



جهان در هفته‌ای که گذشت

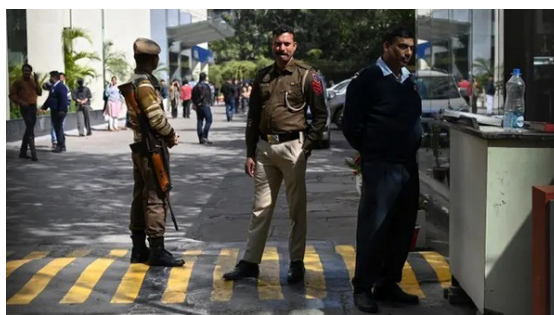
وی در پاسخ به سوال خبرنگار تاس که پرسید «آیا دو کشور در خصوص لغو روادید در سال جاری به توافق خواهند رسید؟» اظهار داشت: چنین دیدگاهی وجود دارد. جلالی تصریح کرد: ما به عنوان جمهوری اسلامی ایران موافق لغو روادید بین دو کشور هستیم و حتی گام‌هایی در این زمینه از جانب خود برداشته‌ایم. ما در انتظار نظر مقامات روسیه هستیم. اگر مسکو مانند ما آمادگی خود را اعلام می‌کرد، می‌توانستیم ظرف مدت کوتاهی رژیم بدون روادید را اعلام کنیم. وی در ادامه خاطر نشان کرد که ایران این اطلاعات را به طرف روسی رسانده است. این دیپلمات ارشد ایران افزود: اگر روسیه چنین تصمیمی را در بالاترین سطح اتخاذ کند، ما قادر خواهیم بود در ماه‌های آینده در سال ۲۰۲۳ رژیم لغو روادید را اعلام کنیم. جمهوری اسلامی ایران نه تنها موافق است، بلکه در حال کار روی این موضوع است. این دیپلمات ارشد ایران افزود: اگر روسیه چنین تصمیمی را در بالاترین سطح اتخاذ کند، ما قادر خواهیم بود در ماه‌های آینده در سال ۲۰۲۳ رژیم لغو روادید را اعلام کنیم. جمهوری اسلامی ایران نه تنها موافق است، بلکه در حال کار روی این موضوع است.

مخالفت واشنگتن با درخواست کی‌یف برای ارسال موشک‌های دوربرد «آتاکمس»



روزنامه پلئیکو در گزارشی نوشت که ایالات متحده به دلیل ترس از اتمام ذخایر خود از ارائه موشک‌های دوربرد «آتاکمس» به اوکراین خودداری کرده است. براساس گزارش منتشر شده، ایالات متحده تنها ۴ هزار موشک از این نوع دارد. مقامات کاخ سفید اعلام کردند که به کی‌یف ابلاغ شده است که در سال‌های اخیر تسلیحاتی موجب کاهش زرادخانه‌های آمریکا شده و آمادگی نظامی کشور را در صورت درگیری‌های آینده تضعیف می‌کند. این منابع گفتند: «علاوه بر این، دولت جو بایدن نگران است که نیروهای مسلح اوکراین اقدام به حمله به عمق خاک روسیه کنند که این امر می‌تواند منجر به تشدید درگیری شود».

یورش ماموران مالیاتی هند به ساختمان شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی



ماموران مالیاتی هند به ساختمان شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی دو شهر دهلی و بمبئی حمله کردند. بنابر گزارش‌ها، ماموران مالیاتی طبقات ساختمان‌های این شبکه انگلیسی را اشغال کرده و همه خطوط تلفن را قطع کرده‌اند. این در حالی است که چند هفته پیش مستندی از اقدامات «نارندرا مودی»، نخست‌وزیر هند در جریان شورش‌های فرقه‌ای مرگبار در سال ۲۰۰۲ از سوی بی‌بی‌سی منتشر شد. هند این مستند را ممنوع کرده است. این ماموران اعلام کردند که یورش آن‌ها به ساختمان بی‌بی‌سی بخشی از فرآیند تحقیقات مالیاتی درباره این شبکه است.

احتمال لغو روادید میان ایران و روسیه



به گزارش ایسنا به نقل از خبرگزاری تاس، کاظم جلالی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در روسیه در یک کنفرانس خبری گفت که مسکو و تهران ممکن است بر سر لغو روادید میان دو کشور در سال ۲۰۲۳ به توافق برسند و در حال حاضر ایران منتظر پاسخ روسیه به این موضوع است.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۸
۳ اسفندماه سال ۱۴۰۱

داعش ۵۳ نفر از مردم سوریه را به رگبار بست



به گزارش المیادین، داعش روز جمعه ۵۳ نفر از ساکنان منطقه شرق حمص را که در حال جمع آوری قارچ در جنوب شرق شهر السخنه بودند، به رگبار بست. در این باره، خبرگزاری سانابه نقل از یک منبع میدانی در حمص نوشت: مردم در حال جمع آوری قارچ در صحرای التدمریه منطقه الضبیات واقع در جنوب شرقی شهر السخنه (حومه شرقی حمص) بودند که تروریست‌ها داعش آنها را به رگبار بستند و ۵۳ نفر از آنان را به شهادت رساندند. داعش سال‌هاست که در صحرای سوریه فعال بوده و افراد غیر نظامی و نظامی را هدف قرار داده است.

سفیر روسیه در قدس اشغالی: روابط تهران - مسکو اسرائیل را تهدید نمی‌کند



به گزارش ایسنا به نقل از خبرگزاری تاس، آناتولی ویکتوروف، سفیر روسیه در قدس اشغالی در گفت‌وگویی باروز نام‌آور شلیم پست، گفت که همکاری‌های روسیه - ایران، کشورهای دیگر و رژیم اسرائیل را تهدید نمی‌کند. ویکتوروف گفت که رژیم صهیونیستی «نباید نگران روابط مسکو و تهران باشد». او در همین راستا بیان کرد: همکاری با تهران، علیه هیچ طرف سوم نیست و این شامل اسرائیل هم می‌شود. سفیر روسیه مدعی شد، «مسکو می‌خواهد در روابطش با تهران اطمینان پیدا کند که هیچ گونه انتقال فناوری به شرکای ما انجام نشود که احتمال استفاده از آن علیه اسرائیل وجود داشته باشد».

افتتاح شرکت اسلحه‌سازی اسرائیلی در امارات



به گزارش الخلیج الجدید، این اعلام تنها چند روز قبل از راه‌اندازی نمایشگاه جهانی صنایع دفاعی «آیدکس» صورت گرفت. «یوآوها راوون»، رئیس شرکت

دفاع ایالات متحده از فیلیپین در برابر چین



به گزارش آلمان، ایالات متحده بر تعهد خود برای دفاع از فیلیپین در صورت حمله مسلحانه در دریای چین جنوبی تأکید کرد. این واکنش در پی انتشار گزارش‌هایی مبنی بر اقدام یک کشتی گارد ساحلی چین به ارسال پرتولیزر نظامی به یک کشتی گشتی نیروی دریایی فیلیپین و نابینایی موقت خدمه آن مطرح شده است. «ند پرایس»، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا تصریح کرد: «رفتار عملیاتی خطرناک چین به طور مستقیم صلح و ثبات منطقه را تهدید، حق آزادی کشتیرانی در دریای چین جنوبی مطابق با قوانین بین‌المللی را نقض و نظم بین‌المللی را تضعیف می‌کند».

ایران برای صادر کردن تسلیحات خود، بایش از ۵۰ کشور در حال مذاکره است



به گزارش ایلنا، «یوآو گالات» وزیر جنگ رژیم صهیونیستی طی سخنانی در حاشیه نشست امنیتی مونیخ مدعی شد که ایران برای صادر کردن تسلیحات خود، بایش از ۵۰ کشور از جمله بلاروس و نروژ در حال مذاکره است. وی که در نشستی با حضور مقام‌های امارات و بحرین صحبت می‌کرد، گفت که این رایزنی‌ها برای صادرات پهپادهای جنگی و سلاح‌های هدایت‌شونده با قابلیت هدف‌گیری دقیق در حال انجام است. گالات در ادامه مواضع بی‌اساس خود با تکرار برخی ادعاها درباره ماهیت برنامه هسته‌ای ایران گفت: «وقتی درباره ممانعت از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای صحبت می‌کنیم، تمامی روش‌های ممکن، تکرار می‌کنم تمامی روش‌های ممکن باید روی میز باشد». این مقام صهیونیست همچنین مدعی شد که به رغم تحریم تسلیحاتی که موشک و فناوری‌های مربوط به آن و همچنین خرید و صادرات سامانه‌های نظامی پیشرفته را شامل می‌شود تا اکتبر سال ۲۰۲۳ اعتبار دارد، ایران اشاعه تسلیحات پیشرفته را به خارج از منطقه نیز گسترش داده است.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۷

۳ اسفندماه سال ۱۴۰۱



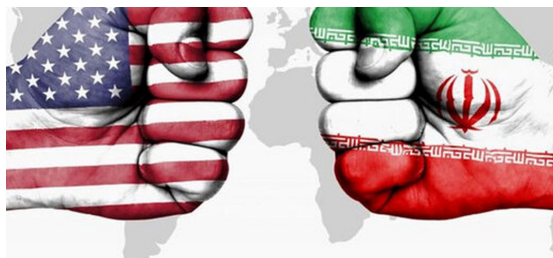
هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۸

۳ اسفندماه سال ۱۴۰۱

اسرائیلی «رافائل» در بیانیه ای اظهار کرد: «یک گام محسوس دیگر در تقویت روابط با امارات به مارو حیه داد. اکنون می توانیم بگوئیم از طریق این سرمایه گذاری پلی به این کشور ساختیم.» وی عنوان کرد: «دفتر جدیدی در امارات به کاوش فرصت ها در منطقه و نوآوری برای ایجاد روابط با دولت ها، مشتریان و رهبران صنایع نظامی کمک می کند.»

ادعای یک مقام آمریکایی درباره سیاست منطقه ای ایران



یک مقام بلندپایه وزارت دفاع آمریکا پیش از آغاز نشست های کار گروه آمریکایی با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در ریاض، بار دیگر برخی ادعاهای بی اساس درباره سیاست های منطقه ای و فعالیت های موشکی و هسته ای ایران را تکرار کرد. این مقام آمریکایی مدعی شد که توافق روشنی میان آمریکا و کشورهای شرکت کننده در این نشست ها بر این مبنا وجود دارد که خطرات منطقه، از یک منبع یعنی ایران نشأت می گیرد. خطرات ایران در توسعه موشک های کروز و بالستیک، ساخت پهپاد و ارسال این تسلیحات به هم پیمانان خود نمود می یابد که از این طریق مستقیماً و به واسطه گروه های نیابتی، امنیت کشورهای همسایه را تهدید می کند. به گفته این مقام آمریکایی، چند سال گذشته شاهد تحول آشکاری در سامانه دفاعی ایالات متحده خلیج فارس بوده است، زیرا «یک طرف نمی تواند به تنهایی این وظیفه را انجام دهد. این مقام پنتاگون ادامه داد: «همه با هم در تبادل نظر در مورد خطرات قریب الوقوع و شناسایی فرصت ها برای هم افزایی، همکاری دارند. البته تصمیماتی وجود دارد که باید در رابطه با تبادل اطلاعات و خرید و وسایل مورد نیاز زیر ساخت های ارتباطی اتخاذ شود.» این مقام وزارت دفاع آمریکا در گفت و گو با خبرنگاران، با تکرار برخی ادعاهای تکذیب شده در خصوص همکاری نظامی مسکو و تهران در جنگ علیه اوکراین گفت: «اکنون ایرانی ها با آموختن دانش فراوانی در استفاده از سلاح های مرگبار خود به منطقه باز خواهند گشت تا بزرگ ترین تهدیدها را برای خاور میانه ایجاد کنند.»

حزب سوسیال دموکرات پر تغال در سراشیبی



شکست حزب حاکم سوسیال دموکرات در انتخابات محلی آژورس، گسترش و خامت اوضاع اقتصادی از مهمترین تحولات پر تغال در دو هفته اخیر است. در این انتخابات، حزب سوسیالیست موفق شد با کسب اکثریت مطلق یعنی ۵۶/۹۷ درصد آرا بر حزب سوسیال دموکرات ۳۳/۸۳ درصد آرا پیروز شود. همزمان با این رویدادها، مؤسسه اشتغال و آموزش حرفه ای پر تغال اعلام کرد آمار بیکاری در این کشور ده میلیون نفری جنوب غربی اروپا در ماه سپتامبر با افزایش ۳/۷ درصدی به ۴۶۶ هزار نفر رسیده است. بر اساس نتایج یک نظرسنجی بیش از ۷۰ درصد پر تغالی ها عملکرد دولت کنونی «سانتانا لویز» را در سه ماهه اخیر، منفی ارزیابی می کنند. بیش از ۵۷ درصد پرسش شنندگان نیز گفته اند که اطمینانی به بهبود وضعیت اقتصادی کشور ندارند. در همین حال، تصمیم نخست وزیر پر تغال برای سانسور مصاحبه های دولتی نیز واکنش مخالف شدید احزاب و رسانه های گروهی و انتقاد آنان را به همراه داشت. با اعلام تصمیم لویز برای سانسور مصاحبه ها از سوی دولت، بسیاری از مقام ها، احزاب و رسانه های گروهی، این اقدام را مغایر با آزادی بیان و گسترش استبداد قلمداد کردند. این واکنش ها، موجب عقب نشینی نخست وزیر شد و او در سخنانی اعلام کرد که دولت تصمیمی برای سانسور مصاحبه ها و محدود کردن ریلوسوزانگرفته است. سانتانا لویز گفت که دولت او از چندجانبه گرایی و آزادی بیان دفاع می کند.

گفت و گوئی امیر عبداللهیان با وزیر امور بین الملل حزب کمونیست چین



حسین امیر عبداللهیان وزیر امور خارجه در حاشیه سفر ریاست جمهوری اسلامی ایران به چین، با لئو جیان چائو وزیر امور بین الملل حزب کمونیست چین دیدار و گفتگو نمود. در این دیدار که با هدف بررسی استفاده از ظرفیت نهادهای سیاسی دو کشور در تحقق اهداف روابط راهبردی دو کشور برگزار شد، امیر عبداللهیان رایزنی های پربار و توافقات رؤسای جمهور دو کشور در پکن را ترسیم کننده افق جدیدی برای روابط دو کشور دانست و ضرورت استفاده دوچندان از ظرفیت نهادهای سیاسی دو کشور مانند حزب کمونیست، مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای راهبردی روابط خارجی برای تقویت درک و اعتماد متقابل را مورد تأکید قرار داد. وزیر امور خارجه کشورمان با یادآوری ظرفیت های گسترده همکاری فرهنگی و مبادلات مردمی میان دو کشور، غنای فرهنگی و اعتبار بین المللی سینمای ایران را فرصتی کم نظیر در این چارچوب دانست و ابراز امیدواری کرد فیلم های ایرانی به سرعت وارد بازار چین شوند. وزیر امور بین الملل حزب کمونیست نیز با تأکید بر اهمیت سفر رسمی رئیس جمهور کشورمان به پکن و تبریک چهل و چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، روابط راهبردی تهران - پکن را بر تحولات منطقه ای تأثیر گذار دانست و اظهار داشت دنیا شاهد تحولات نوینی است که در صد سال گذشته بی سابقه است.



اخبار حزبی



کتاب راقمان انقلاب چاپ شد



کتاب راقمان انقلاب اثر نویسنده مشهور مصری سلامه موسی برای اولین بار به زبان پارسی چاپ شد. سلامه موسی این کتاب را در اواسط قرن بیستم نوشت و در زمان خودش جزو کتاب‌های پر فروش دنیای عرب شد و تأثیر خاصی بر حوادث و پدیده‌های بعد از خودش گذاشت.

سلامه موسی در این کتاب بازبانی بسیار روان و شیوا خیزش‌ها و انقلاب‌ها را از عهد باستان تا نیمه اول قرن بیستم بیان می‌کند و سیر تحول تاریخی مبارزات مردم علیه ظلم و جور حاکمان را نشان می‌دهد. این کتاب که به نوعی تداعی کننده کتاب نامه‌های نهرو به دخترش است، زبانی ساده و شیرین را برای بیان مطالب انتخاب کرده است. این کتاب توسط ادريس محمدی به زبان فارسی برگردانده شده است و انتشارات حزب اراده ملت ایران آن را در ۱۶۲ صفحه و با قیمت ۵۰ هزار تومان عرضه کرده است.

احمد حکیمی پور دبیر کل حزب باقی ماند

سیزدهمین جلسه شورای مرکزی حزب در دور هشتم روز جمعه ۲۱ بهمن برگزار شد. طبق دستور کار قرار بود که اعضا شورای مرکزی در این جلسه دبیر کل حزب را برای یک دوره یک ساله دیگر انتخاب نمایند. در نشست اول این جلسه و بعد از ارائه پیشنهادهای درخواست‌های اعضا، احمد حکیمی پور به عنوان تنها نامزد دبیر کلی معرفی شدند که با رأی اکثریت اعضا به این سمت انتخاب گشتند. ایشان از ابتدای تأسیس رسمی حزب اراده ملت ایران در سال ۱۳۷۹، دبیر کل حزب بوده‌اند.

در دستور دوم این جلسه، شمس افزای زاده - رئیس دفتر سیاسی - نامزدهای عضویت در دفتر سیاسی حزب را به حاضران معرفی کردند و از جمع برای ایشان درخواست رأی اعتماد نمودند. بعد از رأی گیری صورت گرفته، خانم‌ها و آقایان زیر به عضویت دفتر سیاسی پذیرفته شدند: زهره رحیمی، فاطمه قدم، علی صابری، محمدرضا روستایی، علی احسان سلگی، حسن اکبری بیرق و احسان محمدزاده

لازم به ذکر است که احمد حکیمی پور، افشین فرمانچی و رحیم حمزه سه عضو حقوقی دفتر سیاسی حزب هستند. به این ترتیب دور جدید دفتر سیاسی کار خود را با ۱۱ عضو از ۲۳ بهمن شروع خواهد کرد.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۸
۳ اسفندماه سال ۱۴۰۱

جلسه هیئت دبیران حوزه‌ها



شصت و سومین جلسه هیئت دبیران حزب روز چهارشنبه ۱۹ بهمن برگزار شد. در این جلسه دبیران آخرین گزارش خود از وضعیت اعضا در حوزه‌ها و زیر حوزه‌های مختلف را ارائه دادند.

وضعیت اعضای جدید حزب نیز مورد بررسی قرار گرفت و گزارشی از حوزه‌های ایشان ارائه شد.

در این جلسه قرار شد که در اولین فرصت جلسه‌ای مجزا با سر حوزه‌های حزبی گذاشته شود تا فرايندارتقا و آموزش ایشان با سرعت مناسب تری رخ دهد.

بیانیه دفتر سیاسی حزب منتشر شد

صد و هفتاد و چهارمین جلسه دفتر سیاسی، روز یکشنبه اول اسفند، با حضور اعضای جدید دفتر سیاسی برگزار شد. در این جلسه اعضا به بررسی پیش نویس بیانیه حزب پرداختند و نقطه نظرات خویش در این باب را بیان کردند. در این میان، تأکیدهای لازم در مورد به هم پیوستگی بیانیه های حزب، داشتن حرف تازه، ارائه راهکارهای مؤثر، حفظ استقلال حزبی، و تأکید بر فرایندها به جای افراد مورد اشاره قرار گرفت. در این مورد نهایتاً قرار شد آخرین تغییرات نسبت به پیش نویس اعمال گردد و بیانیه در اسرع وقت منتشر شود.

بیانیه های اخیر میر حسین موسوی، محمد خاتمی و جبهه اصلاحات نیز در این جلسه مورد تحلیل و بررسی قرار گرفتند.

در حاشیه این جلسه، بحث مصوبه موسوم به مولدسازی نیز مورد بحث قرار گرفت و اعضا ترندها و ایرادات خود نسبت به این مصوبه را اعلام کردند.

بیانیه دفتر سیاسی حزب اراده ملت ایران در خصوص وقایع اخیر کشور

این روزها آنچه در حوزه عمومی به عنوان رابطه بین جامعه و حاکمیت می گذرد نشان دهنده وخیم تر شدن شرایط و افزایش گسترده و عمیق تر شدن بحرانهای کشور است، وضعیت نابسامان اقتصادی و ناکارآمدی دولت در سامان آن، تحولات سریع و عمیق اجتماعی و بحرانهای ناشی از آن، سیاست خارجی ناکار و انزوای سیاسی و اقتصادی کشور، فقر فراگیر و نابودی طبقات متوسط و پایین و بحرانهای مشارکت، اقتصاد، هویت و در نهایت مشروعیت نظام سیاسی، از جمله مسائلی است که موجب سلب اعتماد و نارضایتی گسترده مردم شده، که ریشه های آن در عدم رعایت نسبت و به محاق رفتن ارزش هایی نظیر آزادی، عدالت، منافع ملی، توسعه پایدار و نیز عدم توجه به نظم و مناسبات جهانی و حاکمیت قانون است.

حزب اراده ملت ایران از نهمین کنگره خود در سال ۱۳۹۷، بارها در قالب برگزاری جلسات، بیانیه ها و مصاحبه اعضا، راهکارهای خیر خواهانه خود از جمله احترام به حقوق و آزادی های ملت، برگزاری همه پرسی، بازنگری در قانون اساسی، حکمرانی حزبی، استقلال قوه قضائیه حذف نظارت استصوابی و راهکارهایی از این دست برای برون رفت از شرایط موجود را پیشنهاد داده است. البته نه تنها احزاب و نهادهای که چهره های رسانه ای، فعالین عرصه های فرهنگ و سیاست و اقتصاد، دانشگاهیان، اندیشمندان و بسیاری دیگر نیز، راهکارهای خود را به امید شنیده شدن ارائه نموده اند.

علیرغم تمامی پیام ها و تلاش های دلسوزانه و مکرر، کماکان شاهد چرخه ای باطل ناکارآمدی و تکرار و تولید مجدد حکمرانی نامطلوب هستیم. برخی چشم انتظاران، حتی در حسرت واکنش های کمین های از سوی حکومت در مسیر گره گشایی، تأکیدات حداقلی خویش را به امیدی نحیف، مدام باز تکرار می کنند. اما آنچه در واقعیت سپهر سیاسی رخ می دهد، جز از دست رفتن فرصت ها و بلاموضوع شدن راهکارها، و دور دست شدن چشم انداز اصلاح و تغییر نیست. پیشنهادات اصلاحی پیشین یکی پس از دیگری زمان تحقق خویش را از کف داده و ناگزیر جای خود را به راهبردهای تحول خواهانه و دگرگونی طلب می دهند. ادامه چنین روشی از حکمرانی، که اثرات ناخوشایند و زیانبار خود را بر اقتصاد، سیاست و سلامت و فرهنگ جامعه تحمیل می کند، تداوم ابدی نخواهد داشت و عدم تجدیدنظر در رویکردهای انحصار طلبانه، ناعادلانه و ضد توسعه، حتماً تغییرات ساختاری و بنیادی را اجتناب ناپذیر می سازد. امری که با حسن ظن در روزها و هفته های اخیر واکنش صریح برخی از سیاستپوین را بدنبال داشته است.

حزب اراده ملت ایران، به عنوان بخش فعالی از جامعه مدنی همانند بسیاری از احزاب و تشکلهای اصلاح طلب، تحول خواه، معتدل و نهادهای صنفی و مدنی، این بار نیز برای گذاری کم هزینه از وضعیت کنونی، دیدگاه، مواضع و راهکارهای خود را برای بهبود وضعیت کشور بر محور دوراهبرد ذیل ارائه می دهد.

۱- راهبرد نخست که مخاطب آن بخش معطوف، معقول و دوراندیش تر حاکمیت است که به هر روی، مقهور اقلیت انحصار طلب و تندرو تر قدرت شده است، به ایشان یادآوری می کند که تمرکز قدرت، عدم شفافیت، ناکارآمدی و غیر پاسخگو بودن و ناشایستگی و دگراندیشی به رویای غلط در بین حاکمیت بدل شده است. مواجهه قاطع و جدی و عزم راسخی علیه تفکرات واپسگرا و حذفی و قییمابانه را می طلبد که فرصت آن هر روز، کمتر و دورتر می نماید. و رقم زدن تحولی ساختاری که ریشه های وضعیت کنونی کشور را شامل می شوند، الزاماتی گریز ناپذیرند و گر نه کل مجموعه متحمل هزینه سنگین و هنگفتی خواهد شد که پیروز آن میدان مشخص نیست. در توصیه احزاب و اشخاص ملی که به برگزاری رفراندوم و الزامات پس از آن به عنوان یک راهکار مهم برای بهبود وضعیت کشور اشاره می نمایند، قابل تأمل است و می تواند با کمترین هزینه و آسیب و با حفظ منافع ملی، کشور را از مخاطرات پیشرو نجات دهد و بخش آگاه و واقع گرای حاکمیت باید ابتکار عمل آن را به دست گیرد.

۲- راهبرد دوم که حزب اراده ملت ایران در این بیانیه اشاره می کند توجه به این مهم است که اکثر راهکارهایی که از سوی جریان ها، نهادها و چهره های داخلی به عنوان راهکار تبیین می شوند، نقطه ثقل خویش را بر لزوم تغییر رفتار حکومت و اراده حاکمان استوار و متمرکز می نمایند. به گونه ای که در صورت نخواستن و پرهیز حکومت قدم از قدم برداشته نخواهد شد. صد البته که در ساختار کنونی قدرت، علت العلل حکومت است. اما این مایه اندیشه و گفتار آزادخواه، توسعه طلب و مردم سالار، ملت و اراده آن است. پس محور راهبرد دوم ما، با احترام به محتوای جنبش مترقی زن، زندگی، آزادی، مردم هستند.

لذا لزوم وفای حداقلی بر خلق ایده ای که اراده و عاملیت مردم را به نمایش بگذارد ضروری می نماید. پیشنهادی که با پای فشردن بر حقوق مسلم مردم در ساحت های مختلف مدنی و حقانیت آزادی های مثبت و منفی جامعه، حاکمیت را به اقتدار خویش دعوت کند، نه اینکه از موضع پایین دستانه، فقط متمرکز به تغییر اراده حاکمان از بالا شود. از این رو نهادهای دغدغه مند مدنی از نوع سیاسی و فرهنگی و صنفی و... که خواهان گذار از وضع کنونی هستند، می توانند کانون های مناسبی برای ساماندهی این ظرفیت و توان باشند.

حزب اراده ملت ایران باور دارد که شرایط حاکم بر کشور قابل دوام نیست و تحول، امر ناگزیری است، لذا امید آن دارد که با نگاه به هر دو عاملیت تغییر، یعنی هم عاملیت حکومت و هم عاملیت اراده مردم این تحول با هزینه هر چه محدودتر و کمتری محقق گردد و چشم انداز ایران برای همه ایرانیان به شکوه مندترین صورت خویش مسیر تحقق را طی کند.

حزب اراده ملت ایران

اول اسفند یک هزار و چهارصد و یک



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۷

۳ اسفندماه سال ۱۴۰۱

شما احضار شده اید

برگه ای را امضا می کند با این مضمون که تمامی وسایل و تجهیزات خود را در تاریخ فلان، در کمال صحت و سلامت دریافت کرده ام. همزمان با امضای فرم، صدای حق به جانبی دم گوشش می گوید که: برخلاف تمام ادعاها و اکاذیبی که معاندین و اغتشاشگران پخش می کنند، می بینید که نه تنها هیچ بی حرمتی، که نه خشونت، نه آزار و نه آسیبی متوجه شما نشد.

بدیهی است وقتی یک سوی ماجرا آسیب های جانگدازی چون اعدام و نقص عضو صورت واقعیت گرفته است، آسیب های دیگر نزد آن رنگ می بازند.

حبس ها، بازداشت ها، بازجویی ها، احضارها، تعهد گرفتن ها، اتمام حجت ها و تهدیدها در نزد بیشتر اذهان عمومی شکرانه دارند، وقتی بعضی پای دار رفتند یا از حالشان هیچ خبری نیست.

لذا در کثرت گزارش مجازات ها و برخوردهای خشن تر و به شدت آزاردهنده، روایت های کمتر خشونت بار حتی اگر وافر باشند، حساسیت کمتری را برمی انگیزد.

اینکه جسم و روان فرد به انواع عواطف منفی مثل ترس، نگرانی، حسرت، خشم، انتقام و ناکامی آلوده شده، که برخی را تا سال ها رها نمی کند، مجال و حالت ابراز عمومی نمی یابند.

این در حالی است که در جوامعی که حکومت چهره امنیتی و نه نگهبان، تنبیه کننده و نه مدیر، سرکوبگر و نه حمایتگر از خود به تصویر کشیده است، حتی یک تماس تلفنی برای احضار می تواند آسیب های خودش را متناسب با هر فردی بر وی بگذارد.

تنها این نیست، حرکات دیگری چون ورود حق به جانب و متهم کننده چند مأمور امنیتی که به اتاق های خصوصی خانه سرک می کشند و انتخاب تو را در گوشه گوشه حریم امن، از زیر نگاه های بدبینانه و جرم تراش خویش می گذرانند؛

تجربه طی کردن کوچه ها و خیابان های محله و شهرت با چشمان بسته و تحت الحفظ؛

پهن شدن تمام اطلاعات محرمانه در لپ تاپ و کول دیسک و کامپیوتر، زیر نگاه آدم هایی که هیچ درکی از تو و دغدغه های تو ندارند؛

تصویر و روایت خصوصی ترین افکار و لحظات تو که پیش از آن نزد کسی جز خودت مرور نشده و حالا به دست غریبه ترین و دورترین کسانی که با اندیشه و ذهن تو بیگانه اند، بی حرمت می شود؛

حس مبهم و نگرانی حل نشده ای در این خصوص که آیا بدافزاری روی دستگاه های تو نصب شده است یا خیر؛

همه و همه موجب می شوند که زندگی تو حتی پس از یک احضار به حالت قبل باز نگردد.

والبته تو نیز به عنوان یک انسان واکنش خود را نسبت به پدیده های اطراف، باز تعریف می کنی. و بعضی چیزها را برای پاسداری از خودت، تغییر می دهی.

آری، با این همه امضا می کند که هیچ آسیبی به او و به وسایلیش نرسیده است!



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۸۵

۳ اسفندماه سال ۱۴۰۱



سازمان آگهی

برای درج تبلیغات خویش، پوستر طراحی شده را
به آدرس پایین ایمیل

Hgolami1367@gmail.com

و یا

به شماره زیر از طریق واتساپ ارسال نمائید

۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵

نمایندگی خادمی

مد: ۱۱۰۰۶۰۰

بیمه دانا

باما به خیر میگذرد

بیمه آتش سوزی / بیمه عمر، پس انداز / بیمه حوادث
 بیمه بدنه اتومبیل / بیمه آتیه فرزندان / بیمه ثالث
 بیمه خطرات مهندسی / بیمه مسئولیت کارفرما

مشاوره 24 ساعته رایگان

بیمه دانا (مقره توحید) ابتکار خیابان استقلال در جنوبی، بن پست ۱۱۰۰۶۰۰، پلاک ۱ واحد ۱

۰۹۱۲۲۲۰۵۱۶۲ * ۰۹۱۲۷۳۳۴۷۷۵ * ۰۲۱۶۶۵۶۲۳۰۶

* تخفیف ویژه جهت اعضای حامای یا معرفی توسط اعضا *

خاطرات

www.khsmag.ir



فروشگاه و نمایشگاه نوین چوب

معصومی



بخش MDF، AGT های گلاس، پلی گلاس، کینگ گلاس، نتوبان، صفحه و سه میل ...

طراحی و ساخت انواع کابینت و پارتیشن و ...

۰۸۱۳۳۲۶۷۷۰۰۶



۰۹۱۸۱۱۰۰۰۱۲، ۰۹۳۹۶۳۹۸۶۸۰



همدان: میدان امام حسین، بلوار الغدیر، بعد از کوچه خیر خواه



سپر بلای زندگی شما

برای همه مردم ایران



نماینده‌گی بام زر

کد: ۳۲۷۵



♦ بیمه اتومبیل (ثالث و بدنه) ♦ بیمه عمر و سرمایه‌گذاری

♦ بیمه آتش سوزی و حوادث ♦ بیمه مسئولیت و کارفرما

مشاوره 24 ساعته رایگان

۰۹۱۸۸۵۰۶۳۰۰

۳۳۲۴۲۶۲۴

نقد و اقساط

استان همدان، نهارنده، خیابان آزاده‌گان، روبه روی گوجه دکتر صالح